

به نام خداوند جان و خرد

کتابِ راهنمای اصل تکمیلی بودن

معرفی نقش دادگاه‌های ملی و دادگاه بین‌المللی  
جزایی در پیگرد جنایات‌های بین‌المللی

نویسنده: پُل سایلز

برگردان: خلیل رستم‌خانی

استفاده و اقتباس از نوشته های این کتاب با ذکر منبع مجاز است.  
نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست .

آدرس الکترونیک: [armanshahrfoundation.openasia@gmail.com](mailto:armanshahrfoundation.openasia@gmail.com)

تارنما: <http://www.openasia.org>

انتشارات آرمان شهر:

<http://openasia.org/item/category/armanshahr-publishing>



**کتاب راهنمای اصل تکمیلی بودن**  
**معرفی نقش دادگاه های ملی و دادگاه بین المللی**  
**جزایی در پیگرد جنایت های بین المللی**  
**نویسنده: پُل سایلز**  
**مرکز بین المللی عدالت انتقالی (ICTJ)، ۲۰۱۶**  
**برگردان: خلیل رستم خانی**  
**طرح جلد و برگ آرای: روح الامین امینی**  
**سیاست نامه ۲۰**  
**زیر نظر: گیسو جهانگیری و خلیل رستم خانی**  
**انتشارات آرمان شهر**  
**چاپ اول: ۱۳۹۶**  
**شماره گان: ۱۰۰۰**  
**حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است**

این کتاب با حمایت مالی بنیاد هانریش بل در افغانستان منتشر شده است. مسؤولیت انتشار ترجمه کتاب به عهده بنیاد آرمان شهر و مسؤولیت محتوای مطالب به عهده نویسنده یا نویسنده گان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب دیدگاه نهادهای نام برده محسوب شود.

این ترجمه زیر نظر بنیاد آرمان شهر/ OPEN ASIA انجام شده است. مسؤولیت هر گونه تفاوت بین ترجمه و متن اصلی به عهده بنیاد آرمان شهر/ OPEN ASIA است. متن اصلی به زبان انگلیسی را که مرکز بین المللی عدالت انتقالی (ICTJ) منتشر کرده است، در اینجا دریافت کنید:

[www.ictj.org/publication/handbook-complementarity](http://www.ictj.org/publication/handbook-complementarity)

## سیاسگزاری

مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی از حمایت مالی سخاوتمندانه‌ی اتحادیه‌ی اروپا (European Union) و همکاری توسعه‌ی اتریش (Austrian Development Cooperation) به‌خاطر حمایت از نگارش و انتشار این کتاب راهنما سپاسگزار است. نویسنده از **رادراستان** به‌خاطر بحث‌های‌اش در باره‌ی شماری از دعوای دادگاه بین‌المللی جزایی سپاسگزار است. مسوولیت هر گونه اشتباه فقط به عهده‌ی نویسنده است.

## در باره‌ی نویسنده

پُل سایلز معاون مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی و کارشناس حقوق و کالت بین‌المللی کیفری است. او از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ به نمایندگی از قربانیان جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی، تحقیقاتی را در گواتمالا برنامه‌ریزی و هدایت کرد. وی در چندین تحقیق در باره‌ی نقض نظام‌مند حقوق بشر و جنایت‌های بین‌المللی به نهادهای دادستانی و دولتی در کشورهای مختلف، از جمله در کلمبیا، ساحل عاج، جمهوری دمکراتیک کنگو، هایتی، مکزیک، پرو، تیمور شرقی و اوگاندا، مشاوره داده است. از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ رئیس بخش تحلیل وضعیت در دادستانی دادگاه بین‌المللی جزایی و مسوول تحلیل دادرسی‌های ملی در کشورهایی بود که دادگاه بین‌المللی جزایی در آن‌ها فعالیت می‌کرد یا ممکن بود فعال شود. او همچنین به‌عنوان رئیس بخش تحلیل کمیسیون بین‌المللی ضد معافیت از مجازات در گواتمالا و رئیس بخش حاکمیت قانون و دمکراسی دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل در ژنو خدمت کرده است.

## در باره‌ی مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی

مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ) به جوامع در حال مقابله با نقض فاحش حقوق بشر کمک می‌کند تا پاسخ‌گویی را ترویج کنند، در پی حقیقت باشند، غرامت عرضه کنند و نهادهای قابل اعتماد بسازند. با تعهد به حقانیت حقوق قربانیان و ترویج عدالت جنسیتی، این مرکز مشاوره‌ی فنی کارشناسی، تحلیل خط‌مشی و تحقیق تطبیقی در باره‌ی عدالت در دوره‌ی گذار، از جمله دادرسی کیفری، ابتکار عرضه‌ی غرامت، حقیقت‌جویی و حافظه و اصلاحات نهادی ارائه می‌کند. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به [www.ictj.org](http://www.ictj.org)

۲۰۱۶ © مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی. کلیه‌ی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب را نمی‌توان تکثیر کرد، در سیستم بازبایی ذخیره کرد یا بدون ذکر کامل مشخصات منبع به هر شکلی یا به هر وسیله‌ای به شکل الکترونیک، فتوکپی، ضبط یا غیر آن پخش کرد.

رفع مسوولیت: محتوای این نشریه فقط مسوولیت مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی است و به‌هیچ وجه آن را نمی‌توان بازتاب موضع اتحادیه‌ی اروپا یا همکاری توسعه‌ی اتریش دانست.

## عکس روی جلد

سیمون گباگبو، بانوی اول پیشین ساحل عاج، در جایگاه متهمان در دادگاه آبیجان، در آغاز محاکمه‌ی او به‌خاطر جرایم علیه کشور، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴. او به‌خاطر نقش خود در بحران پس‌انتخابات (۲۰۱۱-۲۰۱۰) مقصر شناخته شد. ([justicehub](http://justicehub))



## فهرست

- مقدمه..... ۸
- مبارزه با معافیت از مجازات ..... ۹
- تهیه‌ی اساسنامه‌ی رُم ..... ۹
- هدف از این کتابِ راهنما..... ۱۱
- بخش یک: چرا دادگاه تکمیلی؟..... ۱۴
- حاکمیت ..... ۱۵
- کارآیی..... ۱۷
- بازگردانی اعتماد به نهادهای ملی..... ۱۷
- بخش دو: ده جنبه‌ی محوریِ اساسنامه‌ی رُم..... ۲۰
- بخش سه: دادگاه بین‌المللی جزایی چگونه ساختاری دارد..... ۲۶
- بخش چهار: نقش دادستان و دادگاه‌ها در اصل تکمیلی بودن..... ۳۰
- نقش دادگاه مقدماتی و دادگاه تجدید نظر..... ۳۷
- بخش پنج: مقررات اصل تکمیلی بودن و آن‌چه دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون گفته است..... ۳۸
- مسائل مربوط به قابلیت طرح دعوا در دادگاه در ماده‌ی ۱۸..... ۳۹
- ماده‌ی ۱۹..... ۴۱
- ماده‌ی ۲۰: متهم را نمی‌توان دو بار به‌خاطر یک موضوع محاکمه کرد (و آیا مسؤولان محلی باید همان جنایت‌هایی را مورد پیگرد قرار دهند که دادگاه بین‌المللی جزایی قرار می‌دهد؟)..... ۴۴
- آن‌چه اهمیت دارد ارجاع به اَعمال است..... ۴۵

- ماده‌ی (۱) ۵۳..... ۴۶
- اصل تکمیلی بودن: مقررات حقوقی تاکنون..... ۴۸
- درک از اصل تکمیلی بودن: فرایند دو مرحله‌ای..... ۴۸
- درخواست تجدید نظر کاتانگا..... ۵۱
- پرونده‌ی جالب آقای بمبا..... ۵۴
- درک بررسی مشابهت موضوع دعوا..... ۵۶
- بررسی مشابهت موضوع دعوا: چرا مهم است؟..... ۵۹
- در این صورت، بررسی مشابهت موضوع دعوا چه چیزی را در بر می‌گیرد؟..... ۶۰
- چرا این کار سخت است؟..... ۶۱
- چرا دادگاه بین‌المللی جزایی بر بررسی مشابهت موضوع دعوا اصرار دارد؟..... ۶۵
- ملاحظات حقوقی کدام است؟..... ۶۸
- پس، بررسی مشابهت موضوع دعوا آسان به نظر می‌رسد: اعمال مشابه به چه معناست؟..... ۷۰
- بخش شش: جنایت، مجازات و دادرسی واقعی..... ۷۴
- آیا رأی دادگاه ملی در مورد مجازات پس از محکومیت تأثیری بر تعیین واقعی بودن دادرسی دارد؟..... ۷۵
- بخش هفت: توانایی برگزاری دادرسی ملی..... ۸۰
- بخش هشت: اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه: چه کسی می‌تواند اعتراض کند و چه زمانی؟..... ۸۴
- چه کسی می‌تواند اعتراض کند؟..... ۸۵
- اعتراض چه چیزی را باید ثابت کند؟..... ۸۵
- چه نوع مدارک اثباتی نشان می‌دهد که حکومت در حال اقدام است؟..... ۸۶
- چه زمانی می‌توان اعتراض را مطرح کرد؟..... ۸۷
- بخش نه: دادستان‌های ملی بایستی چه کار کنند؟..... ۹۲
- بخش ده: جامعه‌ی مدنی بایستی چه کار کند؟..... ۹۸
- ثبت موارد نقض حقوق بشر..... ۹۹
- نماینده‌گی قربانیان..... ۱۰۰
- دادخواهی، کمپین و جلب پشتیبانی..... ۱۰۱

## پیگرد جنایتهای بین‌المللی / ۷

- بخش یازده: جامعه‌ی بین‌المللی بایستی چه کار کند؟ ..... ۱۰۲
- بخش دوازده: دادگاه بین‌المللی جزایی بایستی چه کار کند؟ ..... ۱۰۶
- نتیجه‌گیری ..... ۱۰۸
- منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر ..... ۱۱۱
- واژه‌نامه ..... ۱۱۳
- پرونده‌های دادگاه بین‌المللی جزایی ..... ۱۱۶

## مقدمه



مجمع کشورهای عضو اساسنامه‌ی رُم دادگاه بین‌المللی جزایی لوئیس مورنو آکامپو (Luis Moreno Ocampo) آرژانتینی را به‌عنوان نخستین دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی انتخاب می‌کند، ۲۱ آوریل ۲۰۰۳ (UN Photo/Eskinder Debebe).



## مبارزه با معافیت از مجازات

تشکیل دادگاه بین‌المللی جزایی نشانه‌ی نقطه‌ی اوج سفری طولانی است که مبارزه با معافیت از مجازات نام گرفته است. لوئی ژوانه<sup>۱</sup> در گزارشی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ چهار مرحله از این مبارزه را از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا پایان هزاره مشخص کرده است. مرحله‌ی نخست - که به‌طور عمده سازمان‌های جامعه‌ی مدنی در آمریکای لاتین هدایت می‌کردند - در پی تضمین حقوق زندانیان سیاسی گرفتار در چنگ رژیم‌های سرکوبگر بود. مرحله‌ی دوم در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود که دولت‌ها اعطای عفوهای گسترده برای جلوگیری از پیگرد را آغاز کردند و در واکنش به آن سازمان‌های قربانیان سازمان‌یافته‌تر و پرسروصداتر شدند. مرحله‌ی سوم در نتیجه‌ی توافق‌های صلح و فرایندهای دموکراتیک سازی ناشی از پایان جنگ سرد پدیدار شد که مسایل مربوط به معافیت از مجازات در آن نقش مهمی داشت. مرحله‌ی چهارم پختگی دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و نظام‌های بین‌المللی محافظت از حقوق بشر، تصمیم‌هایی در زمینه‌ی ممنوع کردن مقررات عفو و اصرار بر پیگرد جنایت‌های مهم را به همراه داشت.

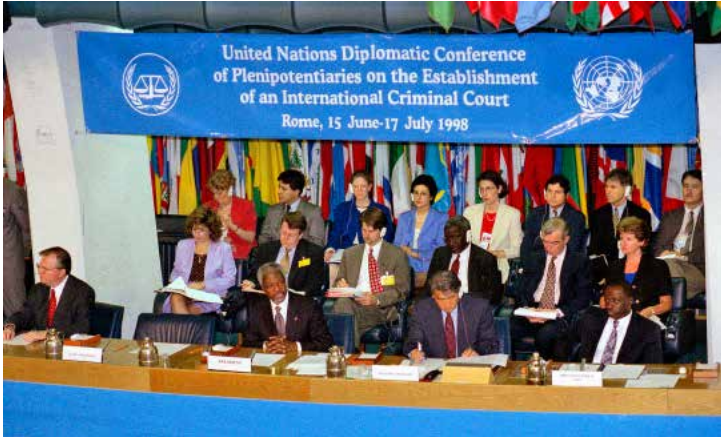
با وجود اینکه ژوانه به این موضوع اشاره نمی‌کند، شورای امنیت سازمان ملل در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ دادگاه‌های ویژه‌ی یوگسلاوی سابق و رواندا را تشکیل داد. تشکیل آن‌ها (که به‌خاطر اختلاف‌های سیاسی در شورای امنیت طی جنگ سرد ممکن نمی‌بود) نشانه‌ی تغییر مهمی در بالاترین سطح سیاسی بود. به نوعی، حکومت‌ها به این تشخیص جامعه‌ی مدنی و نهادهای حقوق بشری در سراسر جهان رسیده بودند که معافیت از مجازات در مورد جنایت‌های مهم قابل پذیرش نیست و به‌طور کلی تهدیدی برای صلح و دموکراسی به شمار می‌رود. در این چارچوب بود که گفت‌وگوها در باره‌ی تشکیل دادگاه دائمی بین‌المللی جزایی در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شد.

## پیدایش اساسنامه‌ی رُم

اساسنامه‌ی رُم دادگاه بین‌المللی جزایی عهدنامه‌ای است که دادگاه بین‌المللی جزایی را تشکیل داد. این اساسنامه که ۱۲۰ کشور آن را در جولای ۱۹۹۸ امضا کردند، چهار سال پس از آن در سال ۲۰۰۲ به اجرا درآمد. این عهدنامه دادگاه بین‌المللی جزایی را تشکیل داد و در عمل نظام

1. Louis Joinet

تازه‌ای را برای رسیده‌گی به فاحش‌ترین جنایت‌ها پایه گذاشت: جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی. دادگاه برای کمک به جلوگیری از جنایت‌های مهم از طریق پایان دادن به معافیت از مجازات برای آن‌ها تشکیل شد.



کنفرانس نماینده‌گان تام‌الاختیار دیپلماتیک سازمان ملل برای تشکیل دادگاه بین‌المللی جزایی، رُم، که طی آن اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در کنفرانس تصویب شد و در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ امضای آن آغاز شد. (ICC-CPI)

در کانون این نظام تازه‌ی قضایی این نظر قرار دارد که در وهله‌ی نخست و پیش از هر چیز، دادگاه‌ها باید در سطح ملی به جنایت‌های مهم رسیده‌گی کنند. دادگاه بین‌المللی جزایی تنها در شرایط بسیار محدودی به دعوها رسیده‌گی می‌کند. اساسنامه‌ی رُم در ماده‌ی نخست می‌گوید که دادگاه بین‌المللی جزایی مکمل صلاحیت قضایی ملی خواهد بود. منشأ واژه‌ای که اغلب در ارجاع به نظام اساسنامه‌ی رُم به کار می‌بریم از این جاست: اصل تکمیلی بودن.

دست‌کم چهار دلیل برای نظام تکمیلی وجود دارد: (۱) از متهم در صورتی که در دادگاه‌های ملی مورد پیگرد واقع شده باشد محافظت می‌کند؛ (۲) در اجرای صلاحیت کیفری به حاکمیت ملی احترام می‌گذارد؛ (۳) می‌تواند کارآمدی بیشتری را فراهم کند چون دادگاه بین‌المللی جزایی نمی‌تواند به

همه‌ی جنایت‌های مهم رسیده‌گی کند؛ ۴) مسوؤلیت را به عهده‌ی حکومت‌ها می‌گذارد تا با انجام وظیفه‌ی خود بر اساس حقوق بین‌المللی و ملی در مورد جنایت‌های مهم تحقیق کنند و آن‌ها را مورد پیگرد قرار دهند (یعنی، مسأله فقط کارآیی نیست بلکه قانون، خط‌مشی و اخلاق است).

دادگاه بین‌المللی جزایی در سال ۲۰۰۳، یک سال پس از به اجرا درآمدن اساسنامه‌ی رُم، آغاز به کار کرد.

یکی از نکات تعجب‌آمیز که در دهه‌ی اخیر اهمیت یافته، توجه ویژه به اصل تکمیلی بودن و نیز اغتشاش مربوط به آن است. با گذشت زمان، بیشتر آشکار شده که این موضوع اگر مهم‌ترین موضوع در اساسنامه نباشد، یکی از مهم‌ترین موضوع‌هاست. درک از آن، آن‌چه دادگاه بین‌المللی جزایی در این زمینه انجام می‌دهد، آن‌چه دولت‌مردان ملی انجام می‌دهند و آن‌چه جامعه‌ی مدنی بایستی انجام دهد، همه‌گی جنبه‌های مهمی در بحث مربوط به عدالت برای قربانیان در پی ارتکاب جنایت‌های بسیار مهم شده‌اند.

## هدف از این کتابِ راهنما

این کتابِ راهنما با قصد توضیح مسایل اساسی قانون و رویه‌ی مربوط به اصل تکمیلی بودن برای اشخاصی است که کارشناس حقوقی نیستند. مخاطبان آن سازمان‌های جامعه‌ی مدنی غیر متخصص در زمینه‌ی مسایل دادگاه بین‌المللی جزایی یا حقوق کیفری، نماینده‌گان قربانیان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، نظر‌سازان و اشخاص دیگری هستند که به عدالت در مورد جنایت‌های مهم علاقه دارند و مایل هستند مسایل پایه‌ای حقوقی و نیز چارچوب گسترده‌تر موضوع‌های مربوط به اصل تکمیلی بودن را بفهمند. این کتاب متن درسی حقوقی نیست و هدف پرداختن به شیوه‌ی تحقیقی مشروح به کلیه‌ی جنبه‌های این موضوع پیچیده را دنبال نمی‌کند. با وجود این، پرداختن به مقررات حقوقی اصل تکمیلی بودن و اظهارات دادگاه بین‌المللی جزایی در باره‌ی آن تاکنون، بدون ورود فنی در موضوع غیرممکن است.

بخش اعظم این کتابِ راهنما توضیحی است و به‌طور کلی از ورود به بحث در باره‌ی نکات خوب و بد رأی‌ها و سیاست‌های دادگاه بین‌المللی جزایی پرهیز می‌کند. برای نمونه، این کتاب به موضوع نامنصفانه بودن یا نبودن توجه دادگاه بین‌المللی جزایی به امور در آفریقا نمی‌پردازد. با وجود این، امید بر این است که درک بهتر از کارکرد اصل تکمیلی بودن در عمل به نقدآمیزتر

شدن و کاهش از جدلی بودن این بحث نیز کمک کند.

خواننده‌گان پس از خواندن این کتاب بایستی به درکی پایه‌ای از دادگاه بین‌المللی جزایی، اصل تکمیلی بودن، نحوه‌ی تصمیم‌گیری در باره‌ی موضوع‌های اصلی، مرحله‌های مختلف فرایند قابل طرح بودن دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی، پیامد آن برای نظام حقوقی ملی و برای عوامل ملی دیگر، از جمله جامعه‌ی مدنی و نماینده‌گان قربانیان، دست یابند.





بخش یک

## چرا دادگاه تکمیلی؟



قاضی در محاکمهی حسین خبیری، (Hissène Habré) رهبر پیشین و از کار برکنار شدهی چاد در داکاره سنغال، ۲۰ جولای ۲۰۱۵. رهبر پیشین چاد به ارتکاب جنایتهای ضد بشریت، جنایتهای جنگی و شکنجه طی حکومت خود از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ متهم است. در این پروندهی شاخص نخستین باری است که دادگاهی در یک کشور آفریقایی رهبر پیشین کشور دیگری را محاکمه می کند. به علاوه، نخستین باری است که پروندهای بر اساس صلاحیت قضایی جهانی به مرحلهی محاکمه در آفریقا رسیده است. (la voix du nord).

کشورهایی که در مورد عهدنامه به بحث و گفت‌وگو پرداختند در میان چهار دلیل بنیادین برای نظام تکمیلی، به‌ویژه به دو دلیل توجه داشتند: حاکمیت و کارایی. برای درک اصل تکمیلی بودن، باید جایگزین آن را درک کنیم. کشورها در تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی با دو گزینه در مورد صلاحیت آن روبه‌رو بودند: صلاحیت اولیه یا صلاحیت تکمیلی.



متهمان در دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ. هدف اصلی، محاکمه‌ی هرمان گورینگ (نفر نخست از چپ در ردیف اول نیمکت‌ها) بود.

صلاحیت اولیه بدان معنا می‌بود که دادگاه بین‌المللی جزایی می‌توانست، صرف‌نظر از اقدام مسؤولان ملی برای رسیده‌گی به موضوع، به دعوا پردازد. این نوع صلاحیت در دادگاه بین‌المللی نظامی در نورنبرگ (۱۹۴۵) و دادگاه بین‌المللی نظامی در خاور دور (۱۹۴۶) مورد استفاده قرار گرفت و هر دو دادگاه دارای صلاحیت اولیه بودند.

همچنین سازمان ملل از این صلاحیت در دهه‌ی ۱۹۹۰ در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (ICTY) و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا (ICTR) استفاده کرد. چه دولت‌مردان کشور در آلمان شرقی یا غربی، ژاپن، رواندا یا یوگسلاوی سابق قصد برگزاری محاکمه داشتند و چه نداشتند، این دادگاه‌ها از حق برگزاری محاکمه در مورد دعوای برخوردار بودند.

## حاکمیت

حکومت‌ها مایل هستند نظام حقوق کیفری را در کشورهای خودشان به‌ویژه در مورد جنایت‌های مهم و جنایت‌هایی با پیامدهای سیاسی یا در چارچوب سیاسی کنترل کنند.

تفاوت اساسی بین چهار دادگاهی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت با دادگاه بین‌المللی جزایی این است که نهادها یا قدرت‌های بین‌المللی آن دادگاه‌ها را بر کشوری تحمیل کردند. در مورد نورنبرگ و توکیو، نیروهای پیروز متفقین

بودند که تصمیم به تأسیس دادگاه گرفتند. در مورد یوگسلاوی سابق و رواندا، شورای امنیت سازمان ملل بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل این تصمیم را گرفت.



رادوان کارادزیچ، رئیس جمهور پیشین جمهوری سربسکا (Republika Srpska) طی جنگ بوسنی، در نخستین حضور در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، جولای ۲۰۰۸. وی در ۲۴ مارچ ۲۰۱۶، در اتهام‌های نسل‌کشی، جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت مقصر شناخته شد. (ICTY/Flickr)

در مقایسه، اساسنامه‌ی ژم یک عهدنامه، و توافقی داوطلبانه است و بر کسی تحمیل نشده است. در چنین شرایطی، دولت‌های مذاکره‌کننده باید در مورد میزان انصراف از حق حاکمیت خود برای اجرای صلاحیت کیفری بر قلمرو و شهروندان خویش در مورد بعضی از جرایم تصمیم می‌گرفتند.

ایده‌ی صلاحیت کیفری به پایه‌ی اصلی حاکمیت ربط دارد. یکی از مفاهیم تعریف‌کننده‌ی اصل حاکمیت، انحصار دولت بر زور و خشونت است که در قدرت پلیس برای بازداشت و دستگیری و قدرت دادگاه‌ها برای محاکمه و مجازات تجسم می‌یابد. قابل فهم است که حکومت‌ها به شدت نسبت به انصراف داوطلبانه از این قدرت بی‌میل هستند. برای موفقیت در توافق برای تأسیس دادگاه بین‌المللی دائمی، حتی پیش از آغاز گفت‌وگوها آشکار بود که نمی‌توان به این دادگاه صلاحیت اولیه اعطا کرد.



## کارآیی

بحث کارآیی در پی تجربه‌های ناشی از دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا مطرح شد. با توجه به این که این دادگاه‌ها کارشان را در دو دهه‌ی اخیر ادامه داده‌اند، دولت‌هایی که هزینه‌ی آن‌ها را می‌پرداختند حس کردند که ناکارآیی‌های ذاتی در آن‌ها نهفته است. از جمله این مشکلات، زبان مورد استفاده، فاصله‌ی زیاد از قربانیان و محل جنایت، محافظت از شاهدان، حضور و مشارکت قربانیان و طول محاکمه‌ها بود. در صورت وجود امکان برگزاری این محاکمه‌ها در سطح ملی، احتمالاً پرداختن به این مسایل سریع‌تر و با هزینه‌ی کمتری ممکن می‌بود.

البته، این دولت‌ها تشخیص دادند که در بسیاری از موارد برگزاری محاکمه در دادگاه‌های ملی به دلایلی چند عملی نخواهد بود؛ اما آن‌ها مشخص کردند که در شرایط کاملاً برابر، ترجیح بر این است که محاکمه‌ها به جای سطح بین‌المللی در سطح ملی برگزار شود.

## بازگردانی اعتماد به نهادهای ملی

یک دلیل ممکن دیگر برای ترجیح محاکمه در سطح ملی باعث طرح پرسش‌هایی در باره‌ی نتیجه‌ی مورد انتظار از برگزاری محاکمه برای این گونه جنایت‌ها می‌شود.

نوع جنایت‌هایی که دادگاه بین‌المللی جزایی برای رسیده‌گی به آن‌ها تشکیل شد به‌طور معمول در چارچوب درگیری مسلحانه (داخلی یا بین‌المللی) یا سرکوب نظام‌مند رخ داده است. در چنین شرایطی، جنایت‌ها در حدی رخ می‌دهد که مقررات پایه‌ای جامعه به‌شدت دچار مشکل می‌شود و نهادهای مسؤؤل اجرا و محافظت از آن‌ها یا به‌شدت صدمه می‌بینند یا به‌طور کامل از کار می‌افتند. پلیس، دادستانی، قضات و نیز پارلمان و دیگر وجوه حکومت از جمله‌ی این نهادها هستند.

یکی از دلایلی که در هر زمان ممکن باید به محاکمه در سطح ملی بیش از محاکمه در سطح بین‌المللی ارزش داد، این است که آن‌ها به بازگرداندن اعتماد عمومی به نهادهای ملی که در حق شهروندان کوتاهی کرده‌اند و برقراری دوباره‌ی اعتماد به مقررات پایه‌ای جامعه کمک می‌کنند. این بحث

چندان به کارآیی بازنمی‌گردد بلکه به چیزی مربوط می‌شود که گاهی اعتماد مدنی می‌نامند، یعنی اعتماد شهروندان یک کشور به نهادهای ملی و به یک دیگر.



لوکودی، اوگاندا - نمایش اینترنتی محاکمه‌ی دُمینیک اَنگون، (Dominic Ongwen) که گویا فرمانده تیپ سینییا (Sinia) در ارتش مقاومت پروردگار (Lord's Resistance Army) بوده، متهم به سه جنایت ضد بشریت (قتل، برده گرفتن و اقدام‌های غیرانسانی دیگر) و چهار جنایت جنگی (قتل، رفتار ظالمانه، حمله به غیرنظامیان و غارت) که در مه ۲۰۰۴ در اردوگاه آواره‌گان لوکودی در گولو رخ داده است. (ICC-CPI)

حقیقت این است که این نظری نبود که در چارچوب گفت‌وگوهای اساسنامه‌ی رُم زیاد شنیده می‌شد، بلکه نظری بود که بسیاری از کسانی ابراز می‌کردند که در باره‌ی موضوع‌های مربوط به رسیده‌گی دولت‌ها و جامعه‌ها به میراث جنایت‌های عظیم و نقض حقوق بشر فعالیت کرده‌اند. در عین حال، نظری است که امروزه در سطح گسترده به‌عنوان دلیل مهمی برای رعایت تقدم حکومت‌ها در به‌کارگیری صلاحیت کیفری‌شان - تا زمانی که با حُسن نیت عمل کنند - پذیرفته شده است.



بخش دو

## ده جنبه‌ی محوریِ اساسنامه‌ی رُم



نقش دیواری در کیپ تاون، آفریقای جنوبی (Ben Sutherland/Flickr)

۱. اساسنامه‌ی رُم عهدنامه است. این بدین معناست که کشورها داوطلبانه تصمیم به عضویت در آن می‌گیرند. هیچ کس آن‌ها را وادار به عضویت نمی‌کند. بعضی از کشورهای قدرت‌مند و بزرگ تصمیم گرفته‌اند عضو اساسنامه نشوند، از جمله ایالات متحد آمریکا، روسیه، هند و چین. دولت‌هایی که داوطلبانه عضو شده‌اند، قول رسمی داده‌اند به مقررات آن پایبند باشند. در حال حاضر، ۱۲۴ کشور عضو اساسنامه‌ی رُم هستند: ۳۴ کشور از آفریقا؛ ۱۹ کشور از منطقه‌ی آسیا - اقیانوسیه؛ ۱۸ کشور از اروپای شرقی؛ ۲۸ کشور از آمریکای لاتین و کارائیب؛ و ۲۵ کشور از اروپای غربی و کشورهای دیگر.



۲. دادگاه در صورتی می‌تواند به جنایت‌هایی رسیده‌گی کند که ادعا می‌شود در کشورهای غیرعضو اساسنامه‌ی رُم یا به دست شهروندان کشورهای غیرعضو رخ داده است که شورای امنیت سازمان ملل وضعیت را به دادگاه بین‌المللی جزایی ارجاع کند. این حالت در دو مورد پیش آمده است: دارفور و لیبی.

شورای امنیت با نگرانی از خشونت و به‌کارگیری خشونت علیه غیرنظامیان به اتفاق آراء، رأی به ارجاع وضعیت جماهیریه‌ی عربی لیبی از تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ به دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی می‌دهد؛ ۲۶ فوریه ۲۰۱۱. (UN Photo)

همچنین ممکن است کشوری که به‌طور کامل عضو دادگاه نشده، با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت قضایی آن را بر اساس استثنایی بپذیرد. ساحل عاج در سال ۲۰۰۳ این کار را کرد.

۳. اساسنامه ۱۲۸ ماده دارد که در ۱۳ بخش دسته‌بندی شده‌اند. بعضی از این ماده‌ها به امور اداری می‌پردازند، مثل مسایل مالی دادگاه و روش سازمان‌دهی مجمع کشورهای عضو (نهاد گردهمایی کشورهای که عهدنامه را امضا کرده‌اند). مهم‌ترین بخش اساسنامه از نقطه نظر اصل تکمیلی بودن بخش دو در باره‌ی صلاحیت قضایی، قابلیت طرح دعوا در دادگاه و قانون حاکم است.

۴. دو سند مهم دیگر «آئین‌نامه‌ی اجرایی و آرایه‌ی مدارک»<sup>۱</sup> دادگاه بین‌المللی جزایی و «عناصر جنایت» است. «آئین‌نامه‌ی اجرایی و آرایه‌ی مدارک» مشروح مقررات را در باره‌ی کلیه‌ی جنبه‌های عملیات دادگاه بین‌المللی جزایی تعیین می‌کند. «عناصر جنایت» با جزئیات بیشتری معین می‌کند که دادستان برای موفقیت در محکومیت در مورد هر یک از اقدام‌های کیفری مقرر در ماده‌های ۶، ۷ و ۸ اساسنامه‌ی رُم، چه چیزهایی را باید ثابت کند.

۵. اساسنامه‌ی رُم به دادگاه بین‌المللی جزایی اجازه می‌دهد فقط به سه نوع جنایت رسیده‌گی کند: جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی. به این سه نوع جنایت گاهی به شکل کوتاه جنایت‌های بین‌المللی می‌گویند. واژه‌ی بین‌المللی ممکن است در اینجا اغتشاش‌آفرین باشد، چون جنایت‌های دیگری (مثل دزدی دریایی و قاچاق مواد مخدر) نیز جنایت‌های بین‌المللی هستند ولی در حوزه‌ی صلاحیت دادگاه بین‌المللی جزایی قرار نمی‌گیرند. برای جلوگیری از این اغتشاش واژه‌ی دیگری که برای ارجاع به جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی به کار می‌رود، جنایت‌های بزرگ<sup>۲</sup> است.

هر یک از این سه نوع جنایت ویژه‌گی‌های خاصی دارد. شرط وقوع نسل‌کشی این است که اقدام‌های ممنوع شده به قصد نابودی گروه‌های محافظت شده انجام شود. بنابراین، دادستان‌ها باید نشان دهند که این اقدام‌ها به عمد و به قصد نابودی رخ داده است.

جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی دارای به اصطلاح عوامل تشکیل‌دهنده هستند. در جنایت‌های ضد بشریت، باید نشان داد که جنایت به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی گسترده یا نظام‌مند انجام شده و هدف آن غیرنظامیان بوده است. این جنایت‌ها ممکن است در زمان صلح یا جنگ رخ دهد.

شرط‌های وقوع جنایت‌های جنگی این است: (۱) درگیری مسلحانه در جریان باشد و (۲) جنایت با درگیری مرتبط باشد. این بدین معناست که هر جنایتی که در زمان جنگ رخ می‌دهد جنایت جنگی نیست. در جریان جنگ، ممکن است شوهری همسرش را کتک بزند و مرتکب تجاوز شود، همسایه‌ای حریص ممکن است در جریان جنگ در آن حوالی گاو یک کشاورز را بدزدد، اما این‌ها

---

1. Rules of Procedure and Evidence (RPE)  
2. core crimes

جنایت جنگی نیست. جنایت باید با درگیری مرتبط باشد و فقط ارتکاب آن طی جنگ نباشد.

<p><b>جنایت‌های جنگی</b> ماده‌ی ۸</p> <p><b>باید طی درگیری داخلی یا بین‌المللی رخ دهند</b> (در بعضی موارد مقررات متفاوتی حاکم است) و با درگیری مرتبط باشند. انواع اقدام‌های ممنوع طیفی گسترده دارند: از جمله قتل، شکنجه، تجاوز، غارت، نابودی نالازم اموال.</p>	<p><b>جنایت‌های ضد بشریت</b> ماده‌ی ۷</p> <p>* به صورت گسترده یا <b>نظام‌مند</b> به‌عنوان بخشی از <b>برنامه یا خط‌مشی</b> انجام شده است.</p> <p>* هدف آن «<b>جمعیت غیرنظامی</b>» بوده است.</p> <p>این جنایت‌ها ممکن است در زمان صلح یا جنگ رخ دهند و شامل قتل، شکنجه، تجاوز، به‌بردگی گرفتن، و بی‌جا کردن قهری هستند.</p>	<p><b>نسل‌کشی</b> ماده‌ی ۶</p> <p>جنایت انجام اقدام‌های <b>معینی به قصد نابودی کل یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی</b></p>
--	---	---



نیش‌گور دسته‌جمعی در پوتوکاری، (Potocari) بوسنی و هرزگوین، جایی که کشتار دسته‌جمعی سرب‌نیکا در جولای ۱۹۹۵ رخ داد.  
(Adam Jones)

۶. جنایت تجاوز به سرزمین به آغاز غیرقانونی جنگ اشاره دارد. اساسنامه‌ی رُم جنایت تجاوز به سرزمین را ذکر کرده است، اما دادگاه بین‌المللی جزایی هنوز نمی‌تواند بر اساس مقررات آن عمل کند. کشورهای عضو هنوز باید به اقدام‌های مشخصی دست بزنند تا این ماده اجرایی شود.

۷. اساسنامه می‌گوید پُستِ متهم در دولت یا ارتش مهم نیست. دادگاه بین‌المللی جزایی می‌تواند حتا رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و فرماندهان نیروهای مسلح را در صورت ارتکاب یکی از جنایت‌های بزرگ محاکمه کند. این بدین معناست که مقررات مصونیت که ممکن است در شرایط ملی برقرار باشد در دادگاه بین‌المللی جزایی برقرار نیست.

۸. اساسنامه‌ی رُم برای مجازات‌هایی که دادگاه بین‌المللی جزایی می‌تواند صادر کند مقررات تعیین کرده است. در این اساسنامه مجازات اعدام مجاز نیست و حداکثر مدت زندان ۳۰ سال است. دادگاه می‌تواند حکم جریمه یا مصادره‌ی اموال صادر کند. مقررات اساسنامه‌ی رُم بر مقررات مجازات کشور تأثیری ندارند؛ بنابراین، کشورهای عضو می‌توانند بر اساس قانون‌های خود مجازات‌هایی را برای جنایت‌های بین‌المللی صادر کنند. این مجازات‌ها ممکن است شدیدتر یا ضعیف‌تر از مجازات‌های دادگاه بین‌المللی جزایی باشند.

۹. دادگاه بین‌المللی جزایی دارای نیروی پلیس نیست. این جنبه شاید بزرگ‌ترین تفاوت بین این دادگاه و نظام‌های قضایی ملی باشد. این بدین معناست که دادگاه بین‌المللی جزایی بر نظام همکاری تعیین شده در بخش نهم اساسنامه‌ی رُم اتکا دارد که کشورهای عضو را ملزم به کمک به دادگاه می‌سازد، به‌ویژه در زمینه‌ی آسان کردن تحقیقات و دستگیری و انتقال مظنون‌ها.

۱۰. کشورها می‌توانند پس از پیوستن به اساسنامه از آن خارج شوند، اما خروج فقط یک سال پس از تحویل اطلاعیه‌ی کشور قابل اجراست. کشورها ملزم هستند کلیه‌ی تعهدات ناشی از عضویت خود، از جمله همکاری در تحقیقات دادگاه را رعایت کنند.





بخش سه

## دادگاه بین‌المللی جزایی چگونه ساختاری دارد



سیلویا فرناندز د گورمندى (Silvia Fernández de Gurmendi) رئیس و قاضی دادگاه بین‌المللی جزایی (راست) و قاضی الیزابت ادیو بنیتو، (Odio Benito Elizabeth) روزی که لوژن گیباکیو، رئیس جمهور پیشین ساحل عاج نخستین بار در دادگاه بین‌المللی جزایی حضور یافت. ۵ دسامبر ۲۰۱۱. (UN Photo/ICC/AP Pool/Peter Dejong)

دادگاه بین‌المللی جزایی به چهار بخش تقسیم می‌شود که ارگان‌های آن نامیده می‌شوند. این چهار ارگان از این قرار هستند: ریاست دادگاه بین‌المللی جزایی، دادگاه‌ها، دادستانی و دفتر ثبت دعواها.

<p><b>دفتر ثبت دعواها</b></p> <p>این دفتر مسؤل کلیه‌ی جنبه‌های غیرقضایی اداره‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی به جز در امور مربوط به اختیارات دادستان است. بسیاری از مسؤلیت‌های آن مشابه مسؤلیت‌های مسؤل ثبت دعوی دادگاه در سطح ملی است، از جمله مدیریت دادگاه؛ اما این دفتر مسؤلیت‌هایی را در زمینه‌های سازمان‌دهی دفاع در دعوا، قربانیان و شاهدان، توسعه و حبس به عهده دارد. برای بسیاری از اشخاص، واحد توسعه‌ی دفتر ثبت دعواها تنها نقطه‌ی تماس با دادگاه بین‌المللی جزایی در کشورهای مورد رسیده‌گی است.</p>	<p><b>ریاست</b></p> <p>رئیس دادگاه بین‌المللی جزایی را قاضی‌های آن از میان خود انتخاب می‌کنند. رئیس در امور خارجی سفیر اصلی دادگاه به شمار می‌رود. ریاست دادگاه بین‌المللی جزایی مسؤل اداره‌ی جنبه‌های قضایی دادگاه، از جمله ترکیب دادگاه‌های آن است. ریاست نقش مهمی در روابط خارجی دارد و مسؤلیت کلی اداره‌ی دادگاه را به جز در امور مربوط به اختیارات دادستان به عهده دارد.</p>
<p><b>دادگاه‌ها</b></p> <p>دادگاه‌ها دارای سه بخش هستند: دادگاه مقدماتی: دو دادگاه و هر دادگاه سه قاضی. دادگاه محاکمه: برای هر محاکمه یک دادگاه تشکیل می‌شود. (در حال حاضر هفت دادگاه محاکمه وجود دارد). دادگاه تجدید نظر: پنج قاضی تجدید نظر در یک دادگاه.</p>	<p><b>دادستانی</b></p> <p>دادستان را مجمع کشورهای عضو انتخاب می‌کند. دادستانی مستقل است و هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند به آن دستور تحقیق یا پیگرد بدهد.</p>

عاملان اصلی در زمینه‌ی اصل تکمیلی بودن دادستانی و دادگاه‌ها هستند. در بین دادگاه‌ها، دادگاه‌های مقدماتی و دادگاه تجدید نظر بیش از همه به مسال مربوط به اصل تکمیلی بودن می‌پردازند. دولت‌ها یا متهمان می‌توانند تا پیش از آغاز محاکمه در هر زمانی قابلیت طرح دعوا در دادگاه را مورد اعتراض قرار دهند.

بنابراین، با وجود اینکه این اعتراض‌ها به احتمال در دادگاه مقدماتی رخ

می‌دهد، دادگاه محاکمه با شماری از اعتراض‌های مهم در مورد قابلیت طرح دعوا در دادگاه سروکار داشته است، به‌ویژه در پرونده‌های جرمن کاتانگا<sup>۱</sup> مربوط به جمهوری دموکراتیک کنگو و ژان پی پریمبا<sup>۲</sup> مربوط به جمهوری آفریقای مرکزی.

### محاکمه در دادگاه بین‌المللی جزایی چه زمانی آغاز می‌شود؟



دادستان فاتو بن سودا (Fatou Bensouda) در دادگاه بین‌المللی جزایی طی نخستین حضور ژان پی پریمبا، آیم کیلولو موسامبا (Aimé Kilolo Musamba) و فیدل بابالا واندو، (Wandou Fidèle Babala) ۲۷ نوامبر ۲۰۱۳. (ICC-CPI)

ممکن است وجود اختلاف در مورد زمان آغاز محاکمه در دادگاه بین‌المللی جزایی عجیب به نظر برسد، اما دادگاه‌های مختلف محاکمه نظریات متفاوتی ابراز کرده‌اند.

دادگاه محاکمه‌ی شماره دو گفته است که محاکمه در لحظه‌ای آغاز می‌شود که دادگاه محاکمه تشکیل می‌شود. منطق آن این است که از این زمان به بعد اختیار رسیدگی به دعوا از دادگاه مقدماتی به دادگاه محاکمه منتقل می‌شود. برای رعایت مهلت اعتراض دولت‌ها به قابلیت طرح دعوا در دادگاه، آن‌ها باید در این مقطع زمانی اعتراض خود را مطرح کنند.

نقطه‌نظر مخالف دادگاه‌های محاکمه‌ی شماره یک و سه این است که محاکمه در زمان آغاز استدلال در روال رسیده‌گی آغاز می‌شود. دادگاه محاکمه‌ی شماره سه (در پرونده‌ی بمبا) چندین دلیل در این زمینه ارائه کرد، اما استدلال عمده‌ی آن این بود که زمان بین تشکیل دادگاه محاکمه و آغاز روال رسیده‌گی در محاکمه ممکن است شش ماه یا بیشتر طول بکشد. این مدت صرف اقدام‌های تدارکاتی پرشماری می‌شود. به گفته‌ی دادگاه محاکمه‌ی شماره سه در نظر گرفتن این اقدام‌های تدارکاتی به‌عنوان بخشی از خود محاکمه دشوار است. این دادگاه با پذیرش اهمیت اعتراض به‌موقع، گفت که محاکمه زمانی آغاز می‌شود که رسیده‌گی به جنبه‌های مثبت و منفی دعوا شروع می‌شود نه زمانی که کلیه‌ی اقدام‌های تدارکاتی برای محاکمه آغاز می‌شود.

دادگاه تجدید نظر هنوز در باره‌ی زمان آغاز محاکمه در پیوند با اعتراض به قابلیت طرح دعوا در دادگاه تصمیم نگرفته است. با وجود این، در شماری از پرونده‌های مختلف مشخص شده است که محاکمه با آغاز بیان استدلال‌ها شروع می‌شود در صورتی که این موضوع در آینده مورد اعتراض واقع شود، می‌توان انتظار داشت که دادگاه تجدید نظر نیز این نظر را بپذیرد.

1. Germain Katanga
2. Jean-Pierre Bemba



بخش چهار

## نقش دادستان و دادگاه‌ها در اصل تکمیلی بودن



قاضی‌های تازه‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در مراسمی در مقر دادگاه در دین‌هاگ  
(لاسه) سوگند یاد می‌کنند. ۱۰ مارچ ۲۰۱۵ (ICC-CPI)

دادستانی از سه کارکرد اصلی برخوردار است: انجام بررسی‌های مقدماتی، تحقیقات و پیگرد.

مرحله‌ی بررسی مقدماتی دارای اهمیت ویژه‌ای برای اصل تکمیلی بودن است. در این فرایند، دادستانی اطلاعات دریافتی یا به‌دست آمده را بررسی می‌کند و در باره‌ی آغاز تحقیقات یا عدم آغاز آن تصمیم می‌گیرد. اگر یکی از کشورهای عضو یا شورای امنیت سازمان ملل پرونده‌ای را به دادستانی ارجاع کرده باشد، تصمیم دادستانی برای آغاز تحقیقات نهایی محسوب می‌شود.

اگر دادستانی قصد آغاز تحقیقات داشته باشد ولی پرونده ارجاعی نباشد، در این صورت دریافت مجوز از دادگاه مقدماتی ضروری است. به این نوع تحقیقات *proprio motu* (واژه‌ای لاتین به معنای «به ابتکار خود») می‌گویند. به توضیح دادستانی فرایند تحقیقات مقدماتی به چهار مرحله تفکیک می‌شود:

**در مرحله‌ی ۱،** دادستانی ارزیابی اولیه‌ای از کلیه‌ی اطلاعات در باره‌ی جرایم اتهامی که بر اساس ماده‌ی ۱۵ («ماده‌ی ۱۵: نامهندگاری‌ها») انجام می‌دهد تا اطلاعات مربوط به جرایم خارج از صلاحیت دادگاه را کنار بگذارد.

**در مرحله‌ی ۲،** دادستانی به تحلیل کلیه‌ی اطلاعات مربوط به به جرایم اتهامی می‌پردازد تا تعیین کند که آیا اساس قابل‌قبولی برای سازگاری صلاحیت دادگاه با رسیده‌گی به اتهام‌ها وجود دارد یا خیر. این بدین معناست که نباید آن را با همان قطعیتی ثابت کرد که در مورد محکومیت شخصی به ارتکاب جرمی الزامی است. در حقیقت، برآوردن این شرط چندان مشکل نیست. این بدین معناست که شواهد و قرائنی از منابع معتبر باید در دست باشد که نشان می‌دهد اتهامی که عنوان شده در حقیقت رخ داده است، اما این نشانه‌ها ممکن است فقط بر اساس گزارش‌های سازمان‌های معتبر مثل سازمان ملل یا سازمان‌های غیردولتی باشند.

**در مرحله‌ی ۳،** دادستانی قابلیت طرح دعوا در دادگاه را بر اساس اصل تکمیلی بودن و فاحش بودن جرم تحلیل می‌کند. معنای این تحلیل را بعداً مشروح‌تر توضیح می‌دهیم.

**در مرحله‌ی ۴،** دادستانی که از بررسی مقدماتی به این نتیجه رسیده که دعوا قابل طرح در دادگاه است، به بررسی مصلحت‌های عدالت می‌پردازد. توصیه به این که تحقیقات به مصلحت عدالت نیست، فقط در شرایطی بسیار استثنایی انجام می‌شود. اغلب گمان می‌رود که این راهی پیش پای دادستان می‌گذارد تا طی فرایند صلح تحقیقات را متوقف کند. دادستان با انتشار بیانه‌ای مشخص کرده که این درک از مقررات دقیق نیست و روشی نیست که دادستان کنونی دادگاه بین‌المللی جزایی، فاتو بن‌سودا، آن را به‌کار خواهد

برد. (نگاه کنید به:

[www.icc-cpi.int/iccdocs/asp\\_docs/library/organs/otp/ICC-OTPInterestsOfJustice.Pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/asp_docs/library/organs/otp/ICC-OTPInterestsOfJustice.Pdf))

دادستانی در اجرای وظایف خود در مقطع‌های مختلف با دولت‌ها نامه نگاری می‌کند. به‌طور معمول این کار خط‌مشی آن است ولی الزام حقوقی به این کار ندارد. برای مثال، دادستانی نامه‌ای به یک دولت می‌نویسد و به دولت مردان آن می‌گوید که بر اساس اختیارات دادگاه در ماده‌ی ۱۵ اساسنامه، در پی اطلاعات بیشتری است تا بتواند مطالب دریافتی در باره‌ی جرایم اتهامی و اقدام‌های دولت مردان را تحلیل کند.

### چه تفاوتی بین بررسی مقدماتی و تحقیقات وجود دارد؟

این نکته‌ی مهمی است، به‌ویژه برای روزنامه‌نگارانی که در باره‌ی مسایل مرتبط با دادگاه بین‌المللی جزایی گزارش می‌دهند. این واقعیت که بررسی مقدماتی در باره‌ی «وضعیت» انجام می‌شود ممکن است معنای مهمی نداشته باشد یا ممکن است معنای مهمی داشته باشد. هر چه به مراحل بالاتری برویم، احتمال آغاز تحقیقات بیشتر می‌شود.



به آتش کشیدن اُم ضعیف، دارفور، آغاز می‌شود، ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

تفاوت اساسی بین مرحله‌ی بررسی

و مرحله‌ی تحقیقات به مشخص بودن پرسش‌هایی مربوط است که دادستانی می‌تواند در باره‌ی اطلاعات ببرد. ماده‌ی ۱۵-۲ به دادستان اجازه می‌دهد برای «تحلیل جدی بودن اطلاعات دریافتی» خواهان اطلاعات اضافی شود.

برای مثال، ممکن است دادستانی پرونده‌ای از سازمانی غیردولتی دریافت کند با این ادعا که در کشور X ۳۰۰ قتل رخ داده است. در این صورت، دادستانی می‌تواند خواهان اطلاعات کلی بیشتری شود تا در باره‌ی روش رسیده‌گی به پرونده تصمیم بگیرد. ممکن است دادستانی با آن سازمان تماس بگیرد و خواهان اطلاعات بیشتری در باره‌ی روش‌شناسی آن شود. ممکن است

دادستانی پرسش‌هایی را بپرسد تا تشخیص دهد که منابع اطلاعات دریافتی به‌طور کلی با حُسن نیت عمل کرده‌اند یا خیر.

کاری که دادستانی نمی‌تواند در این مرحله انجام دهد این است که اطلاعات بیشتری در باره‌ی رویدادهای مشخص یا در باره‌ی





اشخاص معین بخواهد. این نوع پرسش‌ها به مراحل تحقیق مربوط می‌شوند و آن‌ها را فقط پس از آغاز تحقیقات می‌توان پرسید. (در موارد استثنایی، اگر دادستان تصور کند که بعداً نمی‌توان شهادت دریافت کرد، می‌تواند طی بررسی مقدماتی در مقر دادگاه آن را دریافت کند. اما تاکنون این اتفاق رخ نداده است. (نگاه کنید به ماده‌ی ۴۷ مقررات «اثنین‌نامه‌ی اجرایی و ارائه‌ی مدارک».)

علاوه بر ارزیابی جدی بودن اطلاعات، دادستان باید رسیده‌گی در سطح ملی را نیز بررسی کند. اما ارزیابی پس از آغاز تحقیقات نیز ادامه پیدا می‌کند.

دادستانی همچنین از کشورها دیدار خواهد کرد تا با دولت‌مردان آن‌ها که مستقیم در تحقیقات و پیگرد دعوای شرکت دارند گفت‌وگو کند و تا حد امکان محاکمه‌ها را بیشتر درک کند. در این دیدارها، دادستانی به‌طور معمول همچنین خواهد کوشید با نماینده‌گان جامعه‌ی مدنی و گروه‌های قربانیان نیز ملاقات کند، در باره‌ی فعالیت‌های آن‌ها اطلاع پیدا کند و نظریات‌شان را بشنود.

تحلیل از محاکمه‌های ملی در بعضی موارد ممکن است شکل بسیار مشروحو به خود بگیرد. برای نمونه، در مورد دارفور در سال ۲۰۰۷، دادستانی هیأت بزرگی را به مدت یک هفته به خارطوم فرستاد و دیدارهای طولانی با قاضی‌های دادگاه‌های ویژه‌ای که تشکیل شده بود داشت تا دریابد چه چیزی مورد تحقیق است و چگونه.

تا آپریل ۲۰۱۶، دادستانی بررسی‌های مقدماتی در باره‌ی ۲۱ مورد را به‌صورت علنی انجام داده بود. ده مورد از این ۲۱ مورد به تحقیقات انجامید. سه مورد به هیچ تحقیقاتی منجر نشد. نه مورد هنوز در دست بررسی هستند: افغانستان، کلمبیا، هندوراس، عراق، گینه، نیجریه، فلسطین و اوکراین<sup>۱</sup>.



نقشه‌ی بررسی‌های مقدماتی دادگاه بین‌المللی جزایی در مارچ ۲۰۱۵. این نقشه نشان نمی‌دهد که گرجستان دیگر در مرحله‌ی بررسی مقدماتی نیست بلکه تحقیقات در باره‌ی آن آغاز شده است. (ICC-CPI)

۱. در متن اصلی، با وجود اشاره به ۹ مورد، فقط نام ۸ کشور ذکر شده است. به نظر می‌رسد از لیست مورد نظر نویسنده‌ی متن اصلی، نام کشور بُروندی از قلم افتاده است. اما، بر اساس اطلاعات موجود در وبسایت دادگاه بین‌المللی جزایی (<https://www.icc-cpi.int/pages/preliminary-examinations.aspx>)، دادستانی دادگاه در اکتبر ۲۰۱۵ به این نتیجه رسید که بررسی مقدماتی هندوراس را ببندد و پرونده را کنار بگذارد. به‌علاوه، بررسی مقدماتی در باره‌ی گائِن از مه ۲۰۱۶ آغاز شده است و بررسی مقدماتی دیگری در باره‌ی کشتی‌های ثبت شده‌ی کومورو، یونان و کامبوج نیز در جریان است. بنابراین، شمار بررسی‌های مقدماتی ۱۰ مورد است. - پانوش از ویراستاران آرمان‌شهر

در مارچ ۲۰۱۶، دادستانی دارای چهار پرونده در «مرحله‌ی سه» فرایند بررسی مقدماتی یا «مرحله‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه» بود. در این مرحله به نظر دادستانی دلایل منطقی وجود دارد که نشان می‌دهد جرایمی در محدوده‌ی صلاحیت دادگاه رخ داده و بر این موضوع متمرکز است که آیا دولت‌مردان کشور به اتهام‌های مطرح شده در اطلاعات در اختیار دادستانی توجه دارند یا خیر.

دادستانی گزارش سالانه‌ی به‌روز شده‌ای در باره‌ی بررسی‌های مقدماتی خود منتشر می‌کند که در تارنمای اینترنتی آن در دسترس است. (نگاه کنید به بخش منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر).

### وضعیت کلمبیا



رهبر شبه‌نظامی کلمبیایی سالواتوره مانکوزو (Salvatore Mancuso) (چپ) در میان افراد خود و در عکس راست در زمان دستگیری. ([linkiesta.it](http://linkiesta.it))

**وضعیت کلمبیا** از اوایل ۲۰۰۴ در دادگاه بین‌المللی جزایی در دست بررسی مقدماتی بوده است. دادستانی در اوایل سال ۲۰۰۵ در نامه‌ای به دولت کلمبیا اطلاع داد که به نظر این دفتر طرف‌های مختلف درگیری بین دولت و نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک)، (Revolutionary Armed Forces of Colombia (FARC) از جمله اعضای نیروهای دولتی، فارک و نیروهای شبه‌نظامی «نیروهای متحد دفاع از خود»، (United Self-Defense Forces) مرتکب جنایت‌های ضد بشریت شده‌اند.

دادگاه بین‌المللی جزایی از تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۰۲ که اساسنامه‌ی رُم برای کلمبیا نافذ شد، در مورد جنایت‌های ضد بشریت که اتهام ارتکاب آن‌ها در کلمبیا یا به دست شهروندان کلمبیا مطرح است، صلاحیت دارد. اما دادگاه بین‌المللی جزایی در مورد جنایت‌های جنگی در کلمبیا فقط پس از نوامبر ۲۰۰۹ صلاحیت دارد. دلیل آن این است که کلمبیا از حق تحفظ در ماده‌ی ۱۲۴ اساسنامه‌ی رُم استفاده کرد که امکان می‌داد صلاحیت دادگاه در مورد جنایت‌های جنگی تا هفت سال پس از الزام‌آور شدن اساسنامه نافذ نشود.

دادستانی دادگاه بین‌المللی جزایی در کلمبیا ابتدا به تحقیقات و پیگرد رهبران شبه‌نظامی تریخس شده از درگیری بر اساس «قانون عدالت و صلح» کشور (قانون ۹۷۵ سال ۲۰۰۵) و اقدام‌های عادی عدالت کیفری توجه نشان داد. قانون عدالت و صلح صدور حکم زندان از پنج تا هشت سال را برای متهمانی مقرر می‌کرد که با مشارکت در طرحی به همه‌ی جرایم ارتكابی خود اعتراف می‌کردند. این اعتراف‌ها در چند مورد به صدها قتل مربوط می‌شد.

با وجود اینکه این فرایند به شناسایی محل دفن بقایای هزاران قربانی کمک کرد، طی بیش از ده سال اجرای قانون، فرایند کیفری در مورد شمار بسیار کمی از مشارکت‌کنندگان در طرح تکمیل شده است.

دادستانی در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که ترکیب فرایند عدالت و صلح با فرایند عدالت کیفری از توجه به پیگرد رهبران ارشد شبه‌نظامی می‌کاهد.

به‌تازگی دادستانی اعلام کرده که توجه اصلی آن به روش رسیده‌گی حکومت به اتهام قتل غیرنظامیان به دست مأموران دولتی و جرایم خشونت جنسی است.

دادستانی در گزارشی علنی اعلام کرده که توجه آن به فارق الزاما به‌خاطر پیگردهای بیشتر نیست، چون پیش‌تر پیگردهای زیادی (به‌طور عمده محاکمه‌های غیابی) انجام شده است؛ بلکه دغدغهی آن صدور حکم‌های متناسب در صورت بازداشت متهم است.

(نگاه کنید به: بخش شش در باره‌ی اصل تکمیلی بودن و مجازات.)

با پیش‌رفتِ گفت‌وگوهای صلح درهاوانا با هدف پایان دادن درگیری، دادستانی چند بار بر اساس نظر خود در باره‌ی دریافت‌های مناسب به پیگرد و مجازات مداخله کرده است. به نظر می‌رسد روند رویدادها موضع قبلی دادستانی در مورد حکم‌های متناسب با محکومیت‌های قطعی را پشت سر گذاشته است.

دریافت به پیگرد که در فرایند هاوانا تعیین شده نشان از رویه‌ای پیچیده با برقراری صلاحیت ویژه برای اتهام‌های مربوط به جرایم ارتكابی به دست اعضای فارق (و نیز متهمان احتمالی دیگر، از جمله مالکان مؤسسه‌های اقتصادی) دارد. به نظر غیرمحمتمل می‌رسد که کوششی برای اجرای حکم‌هایی که در محاکمه‌های غیابی قبلی صادر شده به کار رود.

تعیین صلاحیت تازه و آغاز به صدور رأی مدتی طول خواهد کشید. بنابراین، به نظر محتمل می‌رسد که دادستانی مدتی بر موضوع صدور رأی برای اعضای فارق و در کلمبیا به‌طور کلی نظارت خواهد کرد.

در مورد اتهام‌های علیه نیروهای حکومتی، دادستانی در گزارشی در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد که در صورت ندیدن پیش‌رفت مشخص در تحقیقات مربوط به مسؤولان ارشد دخیل در جرایم، آغاز تحقیقات را در نظر خواهد گرفت. (در حدود ۱۰۰۰ سرباز

محاکمه، به‌خاطر اتهام‌های جدی مجرم شناخته شده و به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند. به نظر می‌رسد دغدغه دادستانی این است که تحقیقات هنوز به مسؤولان اصلی نپرداخته‌اند.) با وجود هشدار آشکار در گزارش دادستانی، تا به امروز

نشانه‌ی چندانی از پیش‌رفت محسوس در تحقیقات در باره‌ی مسؤولان ارشد نظامی به چشم نمی‌خورد.

دبیرکل پیشین سازمان ملل بان کی‌مون، رئیس

جمهوری کوبا راتول کاسترو، رئیس جمهور کلمبیا

مانوئل سانتوز و رهبر فارق تیمولئون خیمینز

(تیموجنکو). فارق و دولت کلمبیا در بیانیه‌ای

مشترک اعلام کردند که با توافق در باره‌ی

فرمولی برای عرضی‌گرامت به قربانیان و مجازات

جنگ‌جویان به‌خاطر نقض حقوق بشر، بر آخرین

مانع در راه توافق صلح غلبه کرده‌اند. (Gobierno de Chile)



## وضعیت افغانستان



**دادگاه بین‌المللی جزایی** از تاریخ ۱ مه ۲۰۰۳ در مورد جرایم ارتكابی در افغانستان صلاحیت دارد. از جمله ویژه‌گی‌های جالب بررسی وضعیت افغانستان این مسأله است که دولت آمریکا در زمان رئیس‌جمهور جرج دبلیو بوش توافقنامه‌های به‌اصطلاح ماده‌ی ۹۸ را با شمار زیادی از کشورها امضا کرد که بر اساس آن هیچ یک از طرف‌های توافقنامه مسؤولان مستقر یا پیشین دولتی، نظامی یا دیگر (صرفنظر از این که آن‌ها شهروند کشور مورد نظر باشند یا نباشند) را در اختیار صلاحیت دادگاه بین‌المللی جزایی قرار نخواهد داد. این موضوع با مخالفت آشکار ایالات متحد آمریکا با دادگاه بین‌المللی جزایی در آن زمان ارتباط داشت. این توافقنامه‌ها یکی از راه‌هایی بود که ایالات متحد آمریکا می‌کوشید برای محافظت از شهروندان خود از احتمال پیگرد به‌اتهام‌جرایم ارتكابی در قلمرو کشورهای زیر پوشش اساسنامه‌ی ژم مورد استفاده قرار دهد.

بررسی مقدماتی وضعیت افغانستان در سال ۲۰۰۷ اعلام شد و این کشور هشت سال است که مورد بررسی قرار دارد. در میان مواردی که دادستانی در دست بررسی دارد، افغانستان از نظر تعداد با فاصله‌ی زیادی از موارد دیگر جدی‌ترین مورد به شمار می‌رود. گزارش دادستانی از بررسی‌های سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در اثر فعالیت‌های شورشیان در این کشور در حدود ۱۵,۰۰۰ تن کشته و ۲۲,۰۰۰ تن زخمی شده‌اند.

گزارش دادگاه بین‌المللی جزایی نشان می‌دهد که دادستانی اطلاعاتی در باره‌ی اتهام‌ارتکاب جرایم به دست نیروهای دولتی در اختیار دارد، از جمله جرایمی علیه بیش از ۵,۰۰۰ تن در بازداشت دولت از سال ۲۰۰۷ به بعد که گویا قربانی تعدی «هولناک» شده‌اند. دادستانی می‌گوید با وجود درخواست‌های زیاد برای دریافت اطلاعات در باره‌ی روندهای قضایی ملی، هیچ پاسخی از دولت افغانستان دریافت نکرده است.

در مورد نیروهای بین‌المللی، دادستانی مشخص کرده است که در صورتی که تحقیقات را آغاز کند، در مورد شهروندان آمریکایی متهم به ارتکاب جرم در افغانستان صلاحیت خواهد داشت. دادستانی به شماری از گزارش‌های وزارت دادگستری آمریکا در باره‌ی اتهام‌های شهروندان آمریکا که در افغانستان مرتکب جرم شده‌اند، ارجاع داده است.

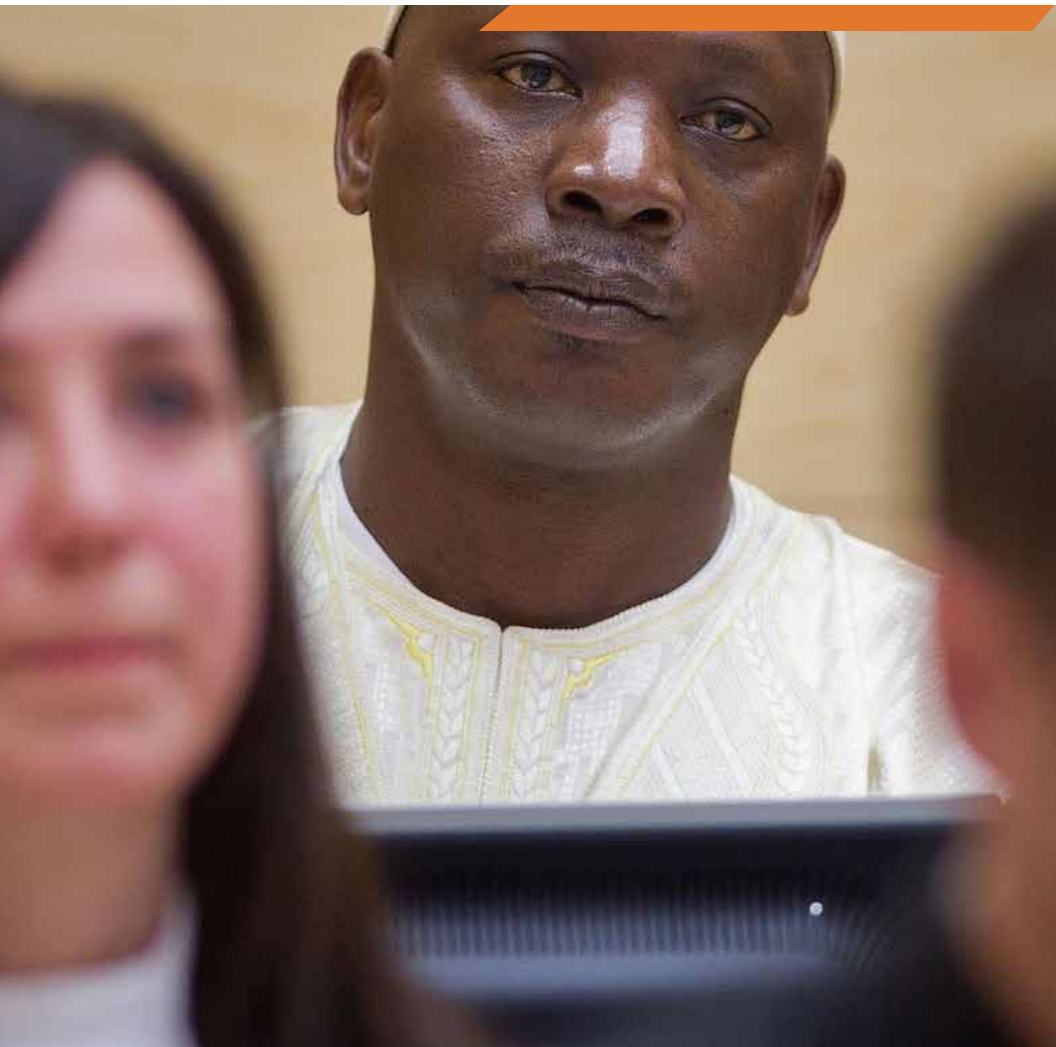
گزارش‌های دادستانی توضیح نمی‌دهند که وضعیتی تا این حد وخیم و نبود روندهای قضایی ملی چرا این مدت طولانی در مرحله‌ی بررسی مانده است.

## نقش دادگاه مقدماتی و دادگاه تجدید نظر

تصمیم اولیه برای بررسی مقدماتی در باره‌ی هر وضعیتی به‌طور کامل در اختیار دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی است. دادگاه مقدماتی در شماری از وضعیت‌ها مشارکت دارد که بررسی مقدماتی در باره‌ی آن‌ها انجام شده یا در جریان است، از جمله:

- تصمیم به صدور اجازه برای آغاز تحقیقات تازه (نگاه کنید به: تحقیقات «به/ابتکار خود» در بالا).
  - تصمیم به صدور حکم دستگیری یا احضار به درخواست دادستانی در پی تحقیقات
  - تصمیم در باره‌ی اعتراض متهم یا دولت دارای صلاحیت به قابلیت طرح در دادگاه بین‌المللی جزایی
  - تصمیم به بررسی موضوع قابلیت طرح دعوا در دادگاه به ابتکار خود دادگاه بین‌المللی جزایی
- دادگاه تجدید نظر در صورتی وارد جریان می‌شود که یکی از طرف‌ها به رأی دادگاه مقدماتی یا دادگاه محاکمه اعتراض کند. از آنجا که دادگاه تجدید نظر تصمیم‌گیر نهایی است، آرای قاضی‌های آن در نهایت مهم‌ترین آرا هستند. در بخش‌های بعد به بعضی از این آرا نظر خواهیم افکند.

## مقررات اصل تکمیلی بودن و آنچه دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون گفته است



در نخستین حکم دادگاه بین‌المللی جزایی، توماس لویانگا به اتهام سربرازگیری و اعزام به خدمت کودکان زیر ۱۵ سال و به‌کارگیری آن‌ها در درگیری‌ها، مجرم شناخته شد، ۱۴ مارچ ۲۰۱۲. (ICC-CPI/Evert-Jan Daniel/ANP)

عبارت اصل تکمیلی بودن در هیچ جای اساسنامه‌ی رُم دیده نمی‌شود. در حقیقت، تمام مسائلی که در چارچوب اصل تکمیلی بودن مطرح است به قابلیت طرح دعوا در دادگاه مربوط می‌شود. قابلیت طرح دعوا در دادگاه یعنی این که دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی مطرح می‌شود یا نمی‌شود: یعنی قابل طرح در دادگاه است یا نیست.

قاضی‌های دادگاه بین‌المللی جزایی توضیح داده‌اند که اصل تکمیلی بودن به مقررات حل‌وفصل تعارض صلاحیت قضایی توجه دارد. تعارض صلاحیت قضایی وضعیتی است که دو نظام قضایی (در اینجا، دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه ملی) در مورد صلاحیت دادرسی در پرونده‌ای معین اختلاف نظر دارند. مهم‌ترین بخش‌های اساسنامه‌ی رُم را که به قابلیت طرح دعوا در دادگاه می‌پردازند در ماده‌های ۲۰-۱۷ و ۵۳ می‌توان یافت. مهم‌ترین آن‌ها ماده‌ی ۱۷ است. ما مسایل مختلفی را که دادگاه در پیوند با این موضوع به آن‌ها پرداخته مورد بحث قرار خواهیم داد. اما نخست به اختصار به ماده‌های دیگر نگاه می‌اندازیم.

## مسایل مربوط به قابلیت طرح دعوا در دادگاه در ماده‌ی ۱۸

ماده‌ی ۱۸ در باره‌ی «حکم‌های مقدماتی مربوط به قابلیت طرح دعوا در دادگاه» است. بر اساس این ماده، هر دولت می‌تواند پس از تصمیم دادستان به آغاز تحقیق، از او خواهان توقف (یا تعویق) آن شود. این دولت باید نشان دهد که در باره‌ی مسایل مربوط به اطلاعاتی که دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی در پیوند با وضعیت معین ارایه کرده، در حال تحقیق است. دادستان یا باید این درخواست را بپذیرد یا از دادگاه مقدماتی برای انجام تحقیقات درخواست مجوز کند.

زمانی که دادستان پس از پایان بررسی مقدماتی تحقیقات رسمی را آغاز می‌کند، به‌طور معمول مشروح مواردی را که پیگیری خواهد کرد در اختیار ندارد. در آغاز هر فرایند تحقیق، چنین وضعی عادی است.

وقتی دادستان تحقیقاتی را آغاز می‌کند باید به دولت‌هایی که ممکن است در باره‌ی آن موضوع صلاحیت قضایی داشته باشند اطلاع دهد. این اطلاع‌رسانی باید اطلاعات مربوط به اقدام‌هایی را که ممکن است جرم محسوب شوند در بر بگیرد؛ و دولت می‌تواند اطلاعات بیشتری در باره‌ی آن‌ها درخواست کند. اما دادستان نخواهد توانست وارد جزئیات آن اقدام‌ها شود، چون ممکن است است هنوز در باره‌ی مظنون‌های مشخص و اعمال مورد پیگرد تصمیم نگرفته

باشد. با وجود این، اطلاعات کافی بایستی در دست داشته باشد تا بتواند از وقایع مورد پیگیری دادستان و نوع رویدادهایی که دولت باید در نظر داشته باشد، اطلاع کافی در اختیار آن دولت بگذارد.

**آیا دادستانی باید «کمتر صبور» باشد؟**

بعضی از مفسران در باره‌ی مدت زمانی که دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی بررسی مقدماتی بعضی وضعیت‌ها را طول داده، ابراز نگرانی کرده‌اند. برای نمونه، کلمبیا از سال ۲۰۰۴ و افغانستان از سال ۲۰۰۷ در دست بررسی مقدماتی بوده‌اند. در مورد بعضی از این موارد گفته شده که به جای این انتظار طولانی، دادگاه بین‌المللی جزایی بهتر بود تحقیقات را آغاز می‌کرد و باعث می‌شد دولت ناگزیر به اقدام شود و نشان دهد که تحقیقات واقعی را در پیش گرفته است.

در صورتی که دولتی در مراحل اولیه درخواست تعویق کند، معنای آن این نیست که در مورد همان دعوای مطرح در دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی تحقیق می‌کند، بلکه بدین معناست که دولت به دادگاه اطلاع می‌دهد که در پیوند با مسایل مطرح شده در اطلاعیه‌ی دادستان دست به تحقیقات یا پیگرد زده یا تحقیقات یا پیگرد را به پایان رسانیده است.

دولت باید ظرف یک ماه از دریافت اطلاعیه‌ی دادستان، دادگاه را از رسیده‌گی قضایی در کشور خود مطلع کند. دادستان می‌تواند با درخواست دولت برای تعویق تحقیقات موافقت کند یا از دادگاه مقدماتی درخواست مجوز برای انجام تحقیقات کند.

اگر دادستان تعویق را بپذیرد، او می‌تواند پس از شش ماه یا کمتر رسیده‌گی قضایی آن دولت را به منظور تشخیص تغییرات مهم در وضعیت مورد بررسی قرار دهد. آن دولت نیز می‌تواند علیه رأی دادگاه مقدماتی در تأیید آغاز تحقیقات اعتراض کند.



آواره‌گان داخلی که در محوطه‌ی مسجد اصلی در بانگی، پایتخت جمهوری آفریقای مرکزی زنده‌گی می‌کنند، ۵ آپریل ۲۰۱۴. (UN Photo/ Evan Schneider)



تاکنون هیچ دولتی در مواردی که تحقیقات آغاز شده، به ماده‌ی ۱۸ استناد نکرده است. بنابراین، دادگاه هنوز رأیی در باره‌ی آن صادر نکرده است.

## ماده‌ی ۱۹

این ماده مقررات را برای دولت یا متهمی تعیین می‌کند که می‌خواهد قابلیت طرح دعوا را در دادگاه بین‌المللی جزایی مورد اعتراض قرار دهد. تفاوت این ماده با ماده‌ی ۱۸ این است که ماده‌ی ۱۸ دولت‌ها را ملزم نمی‌کند تا نشان دهند که در مورد همان پرونده‌ی دادستان تحقیق می‌کنند، زیرا در آن زمان هنوز دعوا مشخص نیست. ماده‌ی ۱۹ دولت‌ها یا متهم را ملزم می‌کند تا نشان دهند که همان دعوا در سطح ملی در دست بررسی است یا بررسی شده است. زمانی که دادستان بررسی مقدماتی را آغاز می‌کند، به‌طور معمول به دولت دارای صلاحیت قضایی در باره‌ی موضوع‌های مورد بررسی اطلاع می‌دهد و در باره‌ی جرایم مورد اتهام و رسیده‌گی‌های قضایی مربوط به آن‌ها اطلاعات درخواست می‌کند. به‌طور کلی بین اطلاعاتی که دولت در مرحله‌ی بررسی مقدماتی و اطلاعاتی که پس از آغاز تحقیقات دارد، تفاوت چندانی وجود ندارد. بنابراین، به‌طور کلی وقتی پس از بررسی مقدماتی، تحقیقات آغاز می‌شود، دولت چندان غافلگیر نمی‌شود.

### دعوا چیست؟

درک از دعوا در اصل تکمیلی بودن بسیار مهم است. در ژانویه ۲۰۰۶، دادگاه بین‌المللی جزایی این تعریف را از دعوا به دست داد: «وقایع مشخص که طی آن‌ها یک یا چند مظنون شناسایی شده گویا یک یا چند جرم در حیطه‌ی صلاحیت دادگاه را مرتکب شده‌اند. این ره‌یافت سه عنصر را در تعریف دعوا پیش می‌گذارد: **مظنون‌ها، وقایع و اعمال**. در دعوای تازه تر، دادگاه بین‌المللی جزایی خیلی بیشتر به مظنون‌ها و اعمال توجه داشته و به‌تولیع وقایع را جزیی از اعمال دانسته است. با وجود این، بعداً خواهیم دید که وقایع هنوز نقش مهمی در درک دادگاه از دعوا بازی می‌کنند.

**محدودیت‌های اصل تکمیلی بودن: یک دولت چه زمانی اختیار تصمیم‌گیری در باره‌ی موضوع مورد تحقیق را از دست می‌دهد؟**  
دولت‌مردان هر کشور در دو مرحله‌ی جداگانه از فرصت پیگرد جنایت‌های مهم مورد نظر دادگاه بین‌المللی جزایی برخوردارند. در فاصله‌ی آغاز بررسی مقدماتی دادگاه بین‌المللی جزایی تا زمان صدور اطلاعیه‌ی دادستان دادگاه

بین‌المللی جزایی که تحقیقات آغاز شده، صلاحیت قضایی ملی مجبور نیست نشان دهد که در باره‌ی همان پرونده‌ی دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی تحقیق می‌کند، چون در این مرحله هنوز پرونده‌ای وجود ندارد.



کالیکسته مباروشیماننا، متهم به‌عنوان دبیر اجرایی نیروهای دموکراتیک آزادی‌بخش رواندا - نیروهای جنگنده‌ی آباکونگوزی، ( Libération du Forces Démocratiques pour la Rwanda - Forces Combattantes Abacunguzi (FDLR-FCA, FDLR) در پشت وکلای مدافع خود، در آغاز تأیید اتهام‌ها در دادگاه بین‌المللی جزایی، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱. (ICC-CPI/ANP Jerry Lampen/ POOL)

دادگاه بین‌المللی جزایی در طول زمان این ره‌یافت را تدوین کرده و به این موضوع بعداً به‌طور مشروح توجه خواهد شد. در اینجا می‌توان گفت که الزام دادگاه این است که پرونده‌ی ملی از نظر مظنون‌ها و اعمال بازتاب پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی باشد. و یک عنصر مرکزی در مقایسه این است که آیا همان وقایع موجود در پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در پرونده‌ی ملی هم مطرح شده‌اند یا خیر.

دعوی مشخصی که دادگاه بین‌المللی جزایی مورد رسیده‌گی قرار می‌دهد، نخستین بار فقط زمانی آشکار می‌شود که دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی تحقیقات خود را در واقع کامل کرده و از دادگاه مقدماتی درخواست صدور حکم دستگیری یا احضاریه می‌کند.

این امکان وجود دارد که دادگاه مقدماتی حکم را دقیقاً با محتوای درخواستی دادستان صادر نکند و این چند بار پیش آمده است. ممکن است دادگاه مقدماتی با اتهام‌های مطرح شده علیه مظنون معین یا با نحوه‌ی بیان اتهام‌ها موافقت نداشته باشد.

یا دادگاه ممکن است با تأیید اتهام‌هایی که دادستانی مطرح کرده موافقت نکند. این نیز در چهار دعوا رخ داده و دادگاه کلیه‌ی اتهام‌ها را در مرحله‌ی «تأیید اتهام‌ها» رد کرده است: ابو ادريس گاردا (دارفور)، کالیکسته مباروشیمانا (جمهوری دموکراتیک کنگو)، و هنری کیپرونو کسگی و فرانسیس کیریمی موتائورا (کنیا).<sup>۱</sup> باید در نظر داشت که نشست تأیید اتهام‌ها پس از صدور حکم دستگیری و گاهی ماه‌ها پس از آن برگزار می‌شود.

#### چه زمانی یک دعوا، دعوا می‌شود؟

چه زمانی شناسایی مظنون‌ها و اعمال آن‌ها به قدری روشن می‌شود که وجود پرونده‌ی دعوا را مشخص کند؟

*آیا این در زمانی است که دادستان درخواست حکم دستگیری می‌کند؟* زمانی که دادگاه رأی خود را در مورد حکم دستگیری صادر می‌کند. ممکن است بین درخواست و صدور رأی فاصله‌ای طولانی باشد و دادگاه در چند مورد با تمام خواست‌های دادستان موافقت نکرده است.

*آیا زمانی است که اتهام‌ها تأیید می‌شوند؟* تأیید اتهام‌ها پس از حضور متهم در دادگاه و مدارک پشتیبان اتهام‌ها دقیق‌تر از مرحله‌ی صدور حکم دستگیری مورد بررسی قرار می‌گیرند. با توجه به مظنون‌ها، وقایع و شیوه‌ای که گویا مظنون‌ها در آن‌ها مشارکت کرده‌اند، نمای دعوا می‌تواند تغییر کند.

پرونده هدفی متحرک است. این وضع می‌تواند بر تصمیم اعتراض‌کننده (متهم یا دولت) در مورد زمان اعتراض و دلایل آن تأثیر بگذارد.

ممکن است پرونده‌ی دقیق دعوا به‌طور کامل پیش از برگزاری چند نشست دادرسی مشخص نشود. در پرونده‌ی رئیس‌جمهور سودان عمر البشیر، دادستان قصد داشت او را به نسل‌کشی متهم کند. دادگاه مقدماتی موافقت نکرد و استدلال آن این بود که دادستان مدارک کافی برای توجیه اتهام ازایه نکرده است. فقط پس از این که دادگاه تجدید نظر با پذیرش نظر دادستان

1. Abu Idriss Garda (Darfur), Calixte Mbarushimana (DRC), and Henry Kiprono Kosgey and Francis Kirimi Muthaura (Kenya)

تأیید کرد که مدارک کافی وجود دارد - و دادگاه مقدماتی به مدارک مورد نیاز برای صدور حکم دستگیری درست توجه نکرده است - محتوای دعوا روشن شد.

#### کاهش محدوده‌ی عمل

اگر دولت ظرف یک ماه از دریافت اطلاعیه درخواست تعویق نکند، امکان اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه را تا مدت‌ها بعد از دست می‌دهد. در عمل فقط زمانی می‌تواند اعتراض کند که تحقیقات دادستان خاتمه یابد و در این صورت اعتراض دولت باید بر این اساس باشد که به همان دعوا رسیده‌گی می‌کند یا رسیده‌گی کرده است. در صورتی که دولت برای اعتراض به دعوا تا بعد از مهلت یک ماهه‌ی اطلاعیه در ماده‌ی ۱۸ در انتظار بماند، محدوده‌ی موجود کاهش قابل‌ملاحظه‌ای خواهد یافت. پس از آن فقط در صورتی می‌تواند به قابلیت طرح دعوا در دادگاه اعتراض کند که همان دعوا را مطرح کند. پیش از آن، دولت در صورتی که به مسایل مرتبط با همان موضوع بپردازد و موارد جدی را مطرح کند، از آزادی عمل بیشتری نسبت به مظنون‌ها و وقایع معین و ساختار و شتاب تحقیقات برخوردار است.

**ماده‌ی ۲۰: متهم را نمی‌توان دو بار به‌خاطر یک موضوع محاکمه کرد (و آیا مسوولان محلی باید همان جنایت‌هایی را مورد پیگرد قرار دهند که دادگاه بین‌المللی جزایی قرار می‌دهد؟)**

بحث‌های مربوط به اصل تکمیلی بودن گاهی ماده‌ی ۲۰ و اهمیت آن را نادیده می‌گیرند. این اصل که کسی را نمی‌توان دو بار به‌خاطر یک اتهام محاکمه کرد، اصلی مشترک در نظام‌های حقوقی ملی و در حقیقت حق بنیادی بشر است. این اصل بر این پایه استوار است: (۱) انصاف نسبت به افراد برای این که چند بار مورد آزار دولت قرار نگیرند؛ (۲) کارآیی، برای این که به‌طور قطعی به مسایل پرداخته شود و از پرداختن چند باره به آن‌ها پرهیز شود. این اصل اثبات ادعای دولت در باره‌ی تقصیر شخص را به عهده‌ی دولت می‌گذارد، اما دولت فقط یک بار امکان اثبات آن را دارد.

عبارت لاتین *ne bis in idem* خلاصه‌ی عبارتی طولانی‌تر به این معناست: «دو بار برای یک موضوع، خیر.» در بسیاری از صلاحیت‌های قضایی، از این موضوع به‌عنوان «بازدادرسی»<sup>۱</sup> یاد می‌شود.

بخش مهم ماده‌ی ۲۰ از نقطه نظر اصل تکمیلی بودن این است که دادگاه بین‌المللی جزایی نمی‌تواند شخصی را محاکمه کند که در دادگاه دیگری

1. double jeopardy

به‌خاطر «اعمال منع شده در ماده‌های ۶، ۷ و ۸» اساسنامه‌ی رُم، یعنی جنایت‌های بزرگ، محاکمه شده است.

## آن چه اهمیت دارد ارجاع به اعمال است

از زمانی که دادگاه بین‌المللی جزایی تشکیل شده، کمپین‌ها و تلاش‌های زیادی به راه افتاده تا دولت‌ها را به تصویب قانون‌های اجرایی تشویق کنند که نه تنها دادگاه بین‌المللی جزایی و تعهد دولت به همکاری با آن را به رسمیت بشناسند، بلکه جنبه‌هایی از قانون کیفری دولت را تغییر دهند و آن را با تعریف‌های دادگاه بین‌المللی جزایی از جرایم سازگار کنند (نگاه کنید به: صفحه‌ی ۲۳ این کتاب)

دلایلی برای مطلوب بودن این موضوع وجود دارد. یک دلیل این است که به داشتن چارچوب مشترک از تعریف‌ها کمک می‌کند. دلیل دیگر این است که به کار گرفتن رویه‌ی قضایی یک نقطه را در نقطه‌ای دیگر آسان‌تر می‌کند و گاهی نیز ممکن است انجام ارزیابی دقیق از نوع تحقیقاتی که در جریان است آسان‌تر شود.

با وجود این، هیچ دولتی تعهد ندارد همان تعریف‌های دادگاه بین‌المللی جزایی از جرایم را بپذیرد. مهم‌تر از آن، آن چه مهم است این نیست که صلاحیت قضایی ملی به‌خاطر جرایم تعریف شده در اساسنامه در مورد شخصی تحقیق می‌کند یا او را مورد پیگرد قرار می‌دهد. مهم این است که دادرسی قضایی ملی به همان اعمالی ربط داشته باشد که در اساسنامه‌ی رُم غیرقانونی اعلام شده و اشخاصی آن‌ها را مرتکب شده باشند که دادگاه بین‌المللی جزایی پیگیر آنهاست.

این مسأله در درک جرایمی که دولت‌های عضو دادگاه بین‌المللی جزایی ملزم به پیگرد قضایی آن‌ها هستند مهم است. در بعضی دعوای اولیه حتما مطرح شد که دولت مورد نظر نظام قضایی کیفری لازم را «در اختیار ندارد» و از پیگرد جنایت‌ها «ناتوان» است، زیرا دارای قانون‌هایی نبود که جنایت‌های جنگی، نسل‌کشی و جنایت‌های ضد بشریت را مشابه دادگاه بین‌المللی جزایی تعریف کرده باشند. این درک از الزام بر اساس اساسنامه‌ی رُم اشتباه است. دادگاه در چندین مورد مشخص کرده که اشکالی نمی‌بیند که دولت‌ها افراد را بر اساس جنایت‌های عادی متهم کنند، اما این جنایت‌ها باید شامل همان اعمالی باشند که دادگاه بین‌المللی جزایی بر اساس جنایت‌های بین‌المللی ممنوع کرده است.

برای نمونه، دادگاه بین‌المللی جزایی ممکن است مظلونی را به‌خاطر

جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت شامل قتل عده‌ی زیادی مورد تحقیق قرار دهد. بر اساس حقوق بین‌المللی در مورد جنایت ضد بشریت علاوه بر الزام به اثبات قتل‌های مشخص، باید اثبات کرد که این قتل‌ها به‌عنوان بخشی از حمله‌ی گسترده یا نظام‌مند علیه جماعت غیرنظامی انجام شده و برنامه یا خط‌مشی برای ارتکاب جنایت‌ها در دست بوده است. برای اثبات جنایت‌جنگی هم باید مدارک مربوط به قتل‌ها را ارایه کرد و هم نشان داد که قتل‌ها در چارچوب درگیری مسلحانه رخ داده‌اند یا به میزان کافی به درگیری ارتباط داشته‌اند که بخشی از آن به شمار روند.



با آغاز جنگ بین نیروهای دولتی و گروه‌های شورشی، روستاییان از خانه‌های‌شان در ساکی، شمال استان کی‌وو در جمهوری دموکراتیک کنگو فرار می‌کنند، ۳۰ آوریل ۲۰۱۲. (UNPhoto/Sylvain Liechti)

در سطح ملی اگر در جنبه‌های اصل دعوا متهمی به‌خاطر شماری قتل محاکمه شود، محاکمه‌ی او به‌خاطر جرایم بین‌المللی لازم نخواهد بود. به جنبه‌های دیگر گاهی عوامل تشکیل‌دهنده اطلاق می‌شود، اما آن‌ها ربطی به ماهیت خود اعمال ندارند.

## ماده‌ی (۱) ۵۳

پیش از این که به ماده‌ی بسیار مهم ۱۷ بپردازیم، ضروری است به وجود ماده‌ی ۵۳ پی ببریم. این نخستین ماده‌ای در اساسنامه است که به جای

صلاحیت قضایی و قابلیت طرح در دادگاه به تحقیقات و پیگرد می‌پردازد. ماده‌ی (۱) ۵۳ می‌گوید دادستان پس از ارزیابی اطلاعات موجود تحقیقات را آغاز خواهد کرد، مگر این که دلیل منطقی برای این کار در دست نباشد. برای تعیین این که دلیل منطقی در دست نیست، او باید سه موضوع را در نظر بگیرد: (۱) آیا اطلاعات نشان می‌دهد که جنایت‌هایی در حوزه‌ی صلاحیت دادگاه رخ داده است؟ (۲) آیا دعوا یا دعوای آتی بر اساس ماده‌ی ۱۷ قابل طرح در دادگاه است؟ (۳) آیا تحقیقات به نفع عدالت نخواهد بود؟

زمانی که دادستانی بررسی مقدماتی را پس از طی هر چهار مرحله به پایان می‌رساند، گزارشی با عنوان گزارش ماده‌ی (۱) ۵۳ برای دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی تهیه می‌کند که به هر سه پرسش بالا پاسخ می‌دهد و در باره‌ی آغاز یا عدم آغاز تحقیقات توصیه‌ای ارائه می‌کند.

ذکر دو نکته در باره‌ی ماده‌ی (۱) ۵۳ مفید است. از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۰۷، بسیاری از گروه‌های جامعه‌ی مدنی و گروه‌های دیگر که ناظر بر تحقیقات دادستانی در باره‌ی ارتش مقاومت پروردگار<sup>۱</sup> در شمال اوگاندا بودند، بارها اظهار کردند که این تحقیقات به نفع عدالت نیست. آن‌ها احساس می‌کردند که تحقیقات مذاکره در باره‌ی پایان دادن به درگیری را سخت می‌کند. اما، با ادامه‌ی گفت‌وگوهای صلح مشخص شد که مسأله‌ی اصلی شاید منافع عدالت نیست بلکه این است که اقدام‌های مربوط به عدالت در سطح ملی چگونه بخشی از توافق صلح را که در گفت‌وگوها به دست می‌آید، تشکیل دهند. یعنی موضوع بیش از این که به منافع عدالت مربوط شود به اصل تکمیلی بودن مربوط بود. آشکار شد که جوزف کُنی،<sup>۲</sup> رهبر ارتش مقاومت پروردگار، واقعاً قصد ندارد که با حُسن نیت مذاکره کند و گفت‌وگو متوقف شد. (دادستانی در باره‌ی درک خود از منافع عدالت دارای خط‌مشی مشخصی است که اطلاع مربوط به آن در بخش منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر در دست است.)

نکته‌ی دوم این است که به الزام ماده‌ی (۱) ۵۳، دعوا بر اساس ماده‌ی ۱۷ قابل طرح در دادگاه است یا باید قابل طرح در دادگاه باشد. این عبارت «قابل طرح در دادگاه باشد» به نظر عجیب می‌رسد. گویا این عبارت اشاره به این واقعیت دارد که دعوای مشخصی هنوز شناسایی نشده و مقداری حدس و گمان در باره‌ی جزئیات دقیق آن باقی است.

---

1. Lord's Resistance Army (LRA)

2. Joseph Kony

## اصل تکمیلی بودن: مقررات حقوقی تاکنون

پیش از رسیدن به آرای دادگاه بین‌المللی جزایی در باره‌ی موضوع‌های ناشی از ماده‌ی ۱۷، توجه به این موضوع مفید است که برای دادگاه بین‌المللی جزایی این پرسش مطرح نیست که آیا دعوا در دادگاه قابل طرح است یا خیر، بلکه این است که آیا دعوا در دادگاه غیرقابل طرح است یا خیر. بنابراین، در هر اعتراضی توجه به اثبات غیرقابل طرح بودن دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی است.

هر بخش از این ماده شرایطی را توضیح می‌دهد که بر اساس آن‌ها ممکن است غیرقابل طرح بودن دعوا را در دادگاه بین‌المللی جزایی تشخیص داد. این ماده سپس استثناهایی را مشخص می‌کند که بر اساس آن‌ها دعوا در دادگاه قابل طرح است، حتی اگر روند قضایی ملی در باره‌ی دعوا در جریان باشد.

### ماده‌ی (۱) ۱۷

با توجه به بند ۱۰ مقدمه و ماده‌ی ۱ اساسنامه‌ی رُم، دادگاه می‌تواند تعیین کند که در صورت وجود شرایط زیر دعوا در دادگاه قابل طرح نیست:

(الف) دعوا در کشوری که نسبت به آن صلاحیت قضایی دارد در دست تحقیق یا دادرسی است، مگر این که آن کشور مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا دادرسی واقعی نباشد؛

(ب) کشوری که نسبت به دعوا صلاحیت قضایی دارد، در باره‌ی دعوا تحقیق کرده و تصمیم گرفته شخص مورد نظر را مورد پیگرد قرار ندهد، مگر این که این تصمیم ناشی از عدم تمایل یا ناتوانی آن کشور از پیگرد باشد.

(پ) شخص مورد پیگرد برای عملی که موضوع شکایت است، قبلاً محاکمه شده و محاکمه‌ی وی در دادگاه بین‌المللی جزایی بر اساس بند ۳ ماده‌ی ۲۰ مجاز نیست.

(ت) موضوع جرم به میزانی فاحش نیست تا انجام اقدام‌های بیشتر دادگاه بین‌المللی جزایی را توجیه کند.

## درک از اصل تکمیلی بودن: فرایند دو مرحله‌ای

هم‌چنانکه در بخشی از ماده‌ی ۱۷ در بالا دیدیم، ساختار این ماده برای سه سناریوی متفاوت تنظیم شده است: نخست، دولت‌مردان کشور در زمان حاضر به همان دعوای مطرح در دادگاه بین‌المللی جزایی پرداخته‌اند؛ دوم، دولت‌مردان کشور در باره‌ی همان دعوا تحقیق کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند آن را مورد پیگرد قرار ندهند؛ سوم، همان دعوا در سطح ملی مورد دادرسی قرار گرفته است.



دادگاه بین‌المللی جزایی در چندین دعوا که مورد بررسی قرار خواهیم داد، مشخص کرده است که ساختار ماده‌ی ۱۷ بدین معناست که اعتراض به قابلیت طرح دعوا در دادگاه باید در فرایندی دو مرحله‌ای مورد بررسی قرار گیرد، با هدف تعیین این که آیا به همان دعوا در سطح ملی رسیده‌گی شده است یا خیر.

درک فرایند دو مرحله‌ای برای اصل تکمیلی بودن حیاتی است. باید دانست که با توجه به این که کدام یک از سه سناریوی الف، ب و پ در ماده‌ی (۱) ۱۷ مطرح باشد، پرسش‌های متفاوتی طرح می‌شود. در ادامه به شرح این سه سناریو می‌پردازیم.

### سناریوی یک: رسیده‌گی قضایی در سطح ملی به همان پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در جریان است

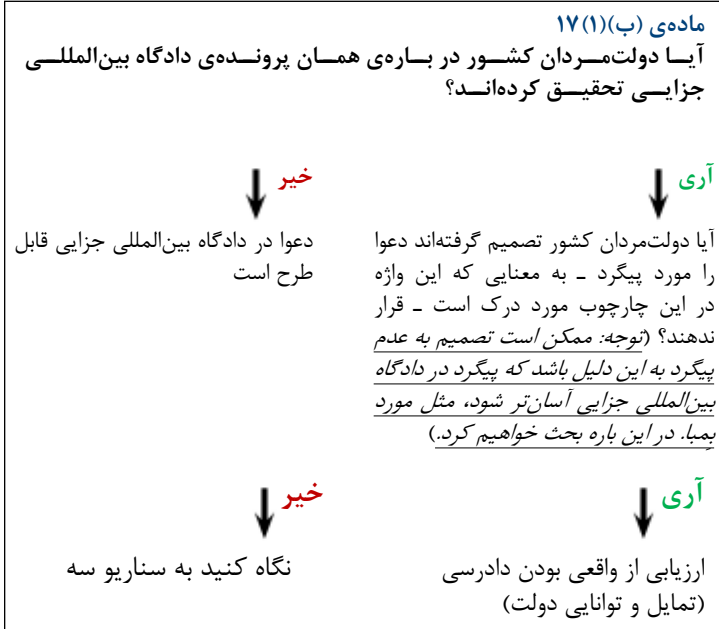
در پیوند با ماده‌ی (الف) ۱۷(۱)، گام نخست در فرایند دو مرحله‌ای تعیین این است که آیا رسیده‌گی قضایی ملی به همان پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در جریان است یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد، فقط در این صورت این پرسش مطرح است که آیا دولت مایل و قادر است این دادرسی را به‌طور واقعی انجام دهد یا خیر. اگر دولت مایل و قادر تشخیص داده شود، در این صورت دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح نیست. اگر دولت بی‌میل یا ناتوان تشخیص داده شود، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح است.

ماده‌ی (الف) ۱۷(۱)	
آیا دولت مردان کشور به همان پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی رسیده‌گی می‌کنند؟	
<b>خیر</b> ↓	<b>آری</b> ↓
دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح است	ارزیابی از واقعی بودن دادرسی (تمایل و توانایی دولت)

### سناریوی دو: دولت در باره‌ی همان دعوا تحقیق کرده و تصمیم گرفته آن را مورد پیگرد قرار ندهد

ماده‌ی (ب) ۱۷(۱) به وضعیت واقعی متفاوتی می‌پردازد، یعنی زمانی که دولت در باره‌ی همان دعوا تحقیق کرده و تصمیم گرفته آن را مورد پیگرد قرار ندهد. در نخستین بخش فرایند دو مرحله‌ای در پیوند با ماده‌ی (ب) ۱۷(۱)

باید به پرسشی ترکیبی در دو بخش پاسخ داد: آیا تحقیقاتی در باره‌ی این دعوا انجام شده و دولت تصمیم گرفته آن را مورد پیگرد قرار ندهد؟ اگر پاسخ به هر یک از دو بخش این پرسش **منفی** باشد، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح است. اگر پاسخ به هر دو بخش پرسش **مثبت** باشد، باید دید که تصمیم دولت برای عدم پیگرد از بی‌میلی ناشی شده است یا از ناتوانی.



### سناریوی سه: همان دعوا در سطح ملی مورد دادرسی قرار گرفته است

ماده‌ی (پ) (۱) ۱۷ به وضعیتی توجه دارد که دادرسی در باره‌ی همان پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در دادگاه ملی انجام شده است. اگر دادگاه بین‌المللی جزایی به این نتیجه برسد که دادرسی انجام شده، تقریباً در هیچ موردی نیازی به بررسی ناتوانی دولت نیست. به همین ترتیب، نیازی به توجه به تأخیر نیست، چون محاکمه انجام شده است. به همین دلیل، در این سناریو تنها حالتی که دعوا هنوز می‌تواند در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح باشد زمانی است که دادرسی ملی در باره‌ی آن موضوع با قصد محافظت از متهم (یا برگزاری محاکمه‌ای قلابی) رخ داده باشد یا نتوان تعیین کرد که

به دعوا غیرجانبدارانه و مستقل و به قصد سپردن متهم به دست عدالت رسیده‌گی شده است.



نخستین حضور چرمن کاتانگا در دادگاه بین‌المللی جزایی، ۱۰ جولای ۲۰۰۹. دادگاه محاکمه شماره ۲، روز ۷ مارچ ۲۰۱۴ کاتانگا را به‌خاطر معاونت در یک مورد جنایت ضد بشریت و چهار مورد جنایت جنگی طی حمله به بُوگورو در ایتوری، جمهوری دموکراتیک کنگو، مقصر شناخت. (ICC-CPI / Robert Vos)

## درخواست تجدید نظر کاتانگا

فرایند دو مرحله‌ای که از ماده‌ی ۱۷ بر می‌آید، موضوع بحث مشروحه در باره‌ی پرونده‌ی چرمن کاتانگا<sup>۱</sup> از جمهوری دموکراتیک کنگو بود. دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی کاتانگا را متهم کرد که فرماندهی «جبهه‌ی مقاومت میهن‌پرستان ایتوری»<sup>۲</sup> است. او، همراه با ماتیو انگوچولو چوی<sup>۳</sup>، به استفاده از کودکان سرباز، تجاوز، برده‌گی جنسی، حمله‌ی عمدی به غیرنظامیان و غارت متهم شد. بر اساس اتهام، کلیه‌ی این جنایت‌ها در چارچوب حمله‌ی نیروهای زیر فرمان کاتانگا و انگوچولو در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۰۳ به دهکده‌ی بُوگورو در ایتوری<sup>۴</sup> رخ داد. دادستانی ادعا کرد که بیش از ۲۰۰ غیرنظامی در این حمله کشته شدند.

کاتانگا علیه رأی شعبه‌ی محاکمه‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در باره‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه به چند دلیل درخواست تجدید نظر کرد. دلیل مربوط به مقصود ما به روش ارزیابی دادگاه محاکمه از موضع جمهوری دموکراتیک

1. Germain Katanga
2. Front de Resistance Patriotique en Ituri (FRPI)
3. Mathieu Ngujolo Chui
4. Bogoro, Ituri, DRC

کنگو نسبت به دادرسی ملی ربط دارد. یکی از نکات مورد اختلاف این بود که آیا دولت مردان جمهوری دمکراتیک کنگو در باره‌ی واقعه‌ی بُوگورو تحقیق کرده‌اند یا می‌کنند یا خیر. دولت مردان جمهوری دمکراتیک کنگو گفتند که آن‌ها در باره‌ی موضوع تحقیق نمی‌کنند و اسناد مربوط به آن واقعه «صرفاً شکلی» و با تمدید بازداشت کاتانگا در جمهوری دمکراتیک کنگو به‌خاطر جرم دیگری مرتبط است. زمانی که دادگاه محاکمه به بررسی قابلیت طرح پرونده‌ی کاتانگا در دادگاه پرداخت، به چیزی استناد کرد که ما نسخه‌ی کوتاه‌نویسی یا «شعاری» قابلیت طرح دعوا در دادگاه می‌نامیم. این دادگاه گفت:

بر اساس اساسنامه، دادگاه فقط زمانی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که دولت دارای صلاحیت قضایی بر جرمی بین‌المللی یا بی‌میل یا ناتوان از به پایان رساندن تحقیقات، و یا در صورت ضرورت، پیگرد مرتکبان باشد.

سپس دادگاه محاکمه به بررسی بی‌میلی جمهوری دمکراتیک کنگو از رسیده‌گی به واقعه‌ی بُوگورو پرداخت. دادگاه محاکمه گفت که جمهوری دمکراتیک کنگو به‌طور رسمی اعلام کرده که قصد تحقیق در باره‌ی آن رویداد را ندارد اما به پایان دادن به معافیت از مجازات متعهد است و به قابلیت طرح دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی اعتراض نکرده است. دادگاه نتیجه گرفت که جمهوری دمکراتیک کنگو به‌روشنی میلی به دادرسی علیه کاتانگا به‌خاطر واقعه‌ی بُوگورو ندارد. با وجود این، نتیجه گرفت که بی‌میلی جمهوری دمکراتیک کنگو از تحقیقات در عمل برای فراهم کردن امکان آن برای دادگاه بین‌المللی جزایی است. دادگاه محاکمه در ادامه نظر خود را در باره‌ی دو نوع بی‌میلی توضیح داد: نوعی بی‌میلی که به قصد ایجاد مانع در راه عدالت است و نوع دیگر که به قصد پایان دادن به معافیت از مجازات است. پس از آن، دادگاه تجدید نظر نظر داد که دادگاه محاکمه ماده (۱) ۱۷ را به‌اشتباه تفسیر کرده است:

بنابراین، در بررسی این که دعوی بر اساس ماده‌ی الف(۱) ۱۷ و ب(۱) ۱۷ اساسنامه قابل طرح در دادگاه است یا نیست، پرسش‌های اولیه که باید طرح کرد از این قرار است: (۱) آیا تحقیقات یا دادرسی در جریان است؟ یا (۲) آیا تحقیقاتی در گذشته انجام شده و دولت دارای صلاحیت قضایی تصمیم گرفته به پیگرد شخص مورد نظر نپردازد؟ تنها پس از پاسخ مثبت به این پرسش‌ها باید به موضوع بی‌میلی و ناتوانی پرداخت. روشی به جز این به معنای معکوس کردن روال درست کار است.

رأی دادگاه این بود که جمهوری دموکراتیک کنگو در باره‌ی واقعه‌ی بُوگورو تحقیق نمی‌کند و قصد تحقیق هم ندارد. روش درست درک این موضوع این نیست که جمهوری دموکراتیک کنگو نسبت به تحقیق بی‌میل است بلکه «غیرفعال» است. بنابراین، با توجه به این که دادرسی در باره‌ی دعوا در جریان نیست، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح است. استدلال کاتانگا در درخواست تجدید نظر خود این بود که صرفنظر از این نتیجه‌گیری که جمهوری دموکراتیک کنگو غیرفعال است، بی‌میلی یا ناتوانی آن از پیگیری دعوا باید مورد بررسی قرار گیرد. دادگاه تجدید نظر پاسخ داد: هدف اساسنامه‌ی رُم «پایان دادن به معافیت از مجازات» و «اطمینان‌یافتن از این است که مهم‌ترین جنایت‌های مورد توجه کلیت جامعه‌ی بین‌المللی نباید بدون مجازات بماند.» تفسیر [تجدید نظر خواه] به آنجا می‌انجامد که با وجود بی‌عملی دولت، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح نباشد، مگر این که دولت بی‌میل یا ناتوان از آغاز تحقیقات باشد. تا زمانی که دولت مایل یا قادر به تحقیق و پیگرد دعوا تلقی شود، با وجود اینکه قصد آن را به هیچ‌وجه ندارد، دادگاه بین‌المللی جزایی نمی‌تواند صلاحیت خود را بر پرونده اعمال کند. در نتیجه، دادگاه بین‌المللی جزایی به شمار بزرگی از پرونده‌ها رسیده‌گی نخواهد کرد. معافیت از مجازات بدون کنترل پابرجا خواهد ماند و هزاران قربانی از عدالت محروم خواهند شد.

#### هشدار: از نسخه‌ی «شعاری» اصل تکمیلی بودن پرهیز کنید

اگر از اشخاصی که دانشی در باره‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی دارند معنای اصل تکمیلی بودن را بپرسید، به احتمال زیاد اغلب آن‌ها دقیقاً همان چیزی را خواهند گفت که دادگاه محاکمه گفت: دادگاه بین‌المللی جزایی تنها زمانی می‌تواند اقدام کند که دولت دارای صلاحیت قضایی بی‌میل یا ناتوان از اقدام باشد. این چیزی است که بعضی از مفسران «نسخه‌ی شعاری اصل تکمیلی بودن» نامیده‌اند (به‌ویژه نگاه کنید به: *داریل رابینسون* در هم‌اندیشی حقوق کیفری، دوره‌ی ۲۱، شماره‌ی ۱، ۲۰۱۰: «*فرزناکی اسرارآمیز اصل تکمیلی بودن*».) نسخه‌ی شعاری اهمیت فرایند دو مرحله‌ای را درک نمی‌کند. فقط زمانی که نحوه‌ی کارکرد بررسی را درک کنید، پرسش‌های درست در باره‌ی اصل تکمیلی بودن را درک خواهید کرد.

کاتانگا سرانجام از اتهام‌های تجاوز، برده‌گی جنسی و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت فعال در جنگ تبرئه شد، اما در معاونت در جنایت‌های قتل و حمله به جماعت غیرنظامی، غارت و تخریب اموال دشمن مقصر شناخته شد. او به مجموع ۱۲ سال زندان محکوم شد. دادگاه تجدید نظر

با بررسی حکم آن را به ۸ سال و ۴ ماه کاهش داد، زیرا کاتانگا پیش از محکومیت ۶ سال و نیم را در حبس گذرانده بود. او حبس خود را در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۶ به پایان رسانید، اما هنوز در جمهوری دموکراتیک کنگو در زندان و در انتظار محاکمه به‌خاطر اتهام‌های دیگر است.



دادگاه محاکمه شماره ۳ ژان-پی‌یر بمبا را به‌خاطر جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت مقصر شناخت، ۲۱ مارچ ۲۰۱۶. این جنایت‌ها از ۲۶ اکتبر ۲۰۰۲ تا ۱۵ مارچ ۲۰۰۳ به دست بخشی از گروه‌های جنبش آزادی‌بخش کنگو در جمهوری آفریقای مرکزی رخ داد. (ICC-CPI)

## پرونده‌ی جالب آقای بمبا

دولت جمهوری آفریقای مرکزی وضعیت این کشور را به دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی ارجاع کرد. بررسی مقدماتی دادستانی به این نظر رسید که دادرسی‌هایی در باره‌ی مسایل مورد توجه احتمالی دادگاه بین‌المللی جزایی در جریان است. ژان-پی‌یر بمبا پیش‌تر رهبر یکی از جنبش‌های مسلح عمده سیاسی در درگیری جمهوری دموکراتیک کنگو بود که بر اساس توافق دوره‌ی گذار به منظور دستیابی به صلح به‌عنوان یکی از چهار معاون رئیس جمهور منصوب شد. در سال ۲۰۰۳، او نیروهایش را برای حمایت از رئیس جمهوری آفریقای مرکزی آنگ - فلیکس پاتاس<sup>۱</sup> در مقابل کودتای جنرال فرانسوا بُزیز<sup>۲</sup> فرستاد. پاتاس شکست خورد و رژیم تازه علیه او و هم‌دستان او به‌خاطر

---

1. Ange-Felix Patassé  
2. Francois Bozizé

جرایم اقتصادی و خشونت‌بار اقامه دعوا کرد. بمبا یکی از هم‌دستان او بود. او و افرادش به تجاوز و قتل در بانگی پایتخت جمهوری آفریقای مرکزی و اطراف آن متهم شدند.

بررسی مقدماتی دادگاه بین‌المللی جزایی تا زمانی ادامه یافت که دادگاه عالی جمهوری آفریقای مرکزی در آپریل ۲۰۰۶ رأی نهایی خود را صادر و اعلام کرد که اتهام‌های بمبا نبایستی لغو شود، اما دادستان عمومی بایستی کاری کند تا دادگاه بین‌المللی جزایی به وضعیت «بپردازد».

بمبا در آغاز محاکمه در دادگاه بین‌المللی جزایی علیه قابلیت طرح دعوا در دادگاه اعتراض کرد. دادگاه محاکمه رأی داد که در دادرسی در بانگی اعلام شده که اتهام‌های بمبا به قوت خود باقی است و دادگاه عالی دستور داده دعوا به اطلاع دادگاه بین‌المللی جزایی برسد.

در عمل، دولت آفریقای مرکزی پیش از آن وضعیت کل کشور را به دادگاه بین‌المللی جزایی ارجاع کرده بود. اما اهمیت شکلی رأی دادگاه عالی در این بود که به دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی اطلاع می‌داد که دادرسی مربوط به بمبا در جمهوری آفریقای مرکزی ادامه پیدا نخواهد کرد.

در مارچ ۲۰۱۶، دادگاه بین‌المللی جزایی بمبا را در چندین اتهام جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت، از جمله تجاوز و قتل، مقصر شناخت.

پروندهی بمبا تفاوت‌های مهمی با پروندهی کاتانگا دارد. در پروندهی کاتانگا هیچ تحقیقاتی در سطح ملی انجام نشده بود یا در جریان نبود. بنابراین، دعوا بدون بررسی موضوع تمایل یا توانایی دولت در تحقیق یا پیگرد قابل طرح در دادگاه بود. در پروندهی بمبا تحقیقات در سطح ملی انجام شده بود، در نتیجه این یادآوری مهم است که سناریو دو مادهی (۱) ۱۷ اعمال می‌شود و بخش نخست فرایند دو مرحله‌ای پرسشی ترکیبی را مطرح می‌کند: آیا دولت تحقیقاتی در باره‌ی همان دعوای مطرح در دادگاه بین‌المللی جزایی انجام داده و تصمیم گرفته آن را مورد پیگرد قرار ندهد؟

در این مرحله است که پروندهی بمبا جالب می‌شود. نظر دادگاه محاکمه این بود که با وجود اینکه دولت تصمیم گرفته دادرسی را ادامه ندهد، دلیل آن پایان دادن به دادرسی کیفری در مورد بمبا نبود بلکه آسان کردن ادامه‌ی آن در دادگاه بین‌المللی جزایی بود. پس از پاسخ منفی به بخش نخست فرایند دو مرحله‌ای، نیازی نبود بررسی شود که تصمیم به عدم پیگرد ناشی از ناتوانی بوده است یا از بی‌میلی.

دادگاه تجدید نظر موضع دادگاه محاکمه را دنبال کرد که تصمیم به عدم پیگرد بمبا تصمیم به «عدم پیگرد» به معنای مادهی (ب) (۱) ۱۷ نیست.

این تصمیم نتیجه‌ی پاسخ منفی به پرسش نخست ترکیبی فرایند دو مرحله‌ای را نشان می‌دهد. اگر پاسخ به بخش نخست منفی باشد، نتیجه این است که دولت‌مردان کشور غیرفعال هستند و ضرورتی به اقدام بعدی برای ارزیابی واقعی بودن دادرسی نیست. این نتیجه ممکن است در پیوند با سناریو دو عجیب به نظر آید، زیرا دادرسی در جریان بود ولی متوقف شد تا به اقدام دادگاه بین‌المللی جزایی کمک کند و بنابراین، دعوا در آفریقای مرکزی به‌خاطر ماده‌ی ۱۷ «غیرفعال» شد.

## درک بررسی مشابهت موضوع دعوا

هم‌چنانکه پیش‌تر گفته شد، برای این که دعوایی در دادگاه بین‌المللی جزایی غیرقابل طرح باشد، نهاد ملی باید نشان دهد به دعوایی رسیده‌گی می‌کند که در مورد مظنون‌ها و اعمال ارتكابی به میزان کافی بازتاب دعوی مطرح در دادگاه بین‌المللی جزایی است.

در مورد جنایت‌های عظیم، پیگرد هر عملی که رخ می‌دهد غیرممکن است. مدارک زیادی در دست خواهد بود و انجام تحقیقات و محاکمه زمان بسیار زیادی خواهد برد. به جای آن، دادستان سعی می‌کند مهم‌ترین عناصر دعوا را انتخاب کند و نشان دهد چه کسی رئیس بوده، چه کسی کدام نقش را بازی کرده، آن عمل چگونه انجام شده و نتیجه چه بوده است.

بررسی مظنون مشابه (که دولت‌مردان کشور باید مظنون‌های مشخص شده در دعوی مطرح در دادگاه بین‌المللی جزایی را مورد پیگرد قرار دهند) به اندازه‌ی بررسی عمل مشابه پیچیده و جدل‌انگیز نیست. دلیل آن این است که خطمشی دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی - و هدف کلی دادگاه بین‌المللی جزایی - اطمینان یافتن از پاسخ‌گو ساختن و مجازات افرادی است که بیشترین مسؤلیت را در جنایت‌های بزرگ دارند. اگر اشخاص دارای قدرت و نفوذ بهای اقدام‌های جنایتکارانه‌شان را بپردازند، پایان دادن به معافیت از مجازات - و بدین ترتیب جلوگیری از جنایت‌های مهم در آینده - بسیار مؤثرتر انجام خواهد شد.

آسان‌ترین راه برای دولت‌مردان کشور برای پرهیز از پاسخ‌گویی پیگرد افرادی است که سپر بلا هستند و اغلب در ارتش یا گروهی شبه‌نظامی نقشی در رده‌ی پایین دارند.

تا به امروز، موضوع مظنون‌های یک‌سان در هیچ جا عامل پیچیده‌ای نبوده است، به جز یک استثنا: کنیا. دادگاه بین‌المللی جزایی در تحقیقات خود در باره‌ی کنیا مسؤلان بسیار ارشد دولتی را نشانه گرفت: رئیس جمهور





رئیس‌جمهور کنیا اوهورو مویگای کنیاتا در نشست خبری برای بحث در باره‌ی وضع همکاری بین دادستانی دادگاه بین‌المللی جزایی و دولت کنیا و مسایل دیگر، ۸ اکتبر ۲۰۱۴. حضور کنیاتا الزامی بود. (ICCPI)

مستقر اوهورو مویگای کنیاتا، معاون رئیس‌جمهور ویلیام ساموئی روتو، و روزنامه‌نگاران پیشین جوشوا آراپ سانگ و والتر اساپیری باراسا<sup>۱</sup> استدلال کنیا در اعتراض به قابلیت طرح دعاها در دادگاه این بود که این کشور مجبور نیست همان اشخاص مطرح در دعوای مطرح در دادگاه بین‌المللی جزایی را مورد پیگرد قرار دهد، بلکه می‌تواند از سطح بسیار پایین آغاز کند و از آنجا پرونده‌ها را بنا کند. دادگاه تجدید نظر گفت کنیا می‌تواند در صورت تمایل علیه شمار زیادی از مظنون‌ها دادرسی انجام دهد، اما اگر اشخاص مشخص شده در دادگاه بین‌المللی جزایی در میان آن‌ها نباشند، تعارض صلاحیت وجود ندارد و دعوای دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح در دادگاه است. در حقیقت، صداقت در موضع کنیا بسیار مورد تردید بود. اکنون، پس از پنج سال و بدون انجام دادرسی جدی در سطح ملی حتا در مورد افرادی در رده‌ی میانی، این تردید موجه به نظر می‌رسد. در پرونده‌ی سیمون گباگبو<sup>۲</sup> استدلال ساحل عاج این بود که همسر رئیس‌جمهور پیشین را به‌خاطر جنایت‌های مهم مورد پیگرد قرار می‌دهد و به این دلیل دعا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح نیست. اما دادگاه بین‌المللی

1. Uhuru Muigai Kenyatta, William Samoei Ruto, Joshua arap Sang, Walter Osapiri Barasa

2. Simone Gbagbo

جزایی به این نتیجه رسید که اطلاعات دریافتی از دولت نشان نمی‌دهد که مسؤولان «گام‌های ملموس، مشخص و پیاپی» برای تعیین مسوولیت کیفری او در جرایم اتهامی مطرح در دعوای دادگاه بین‌المللی جزایی برمی‌دارند.

### پرونده‌ی سیمون گباگو

سیمون گباگو همسر رئیس‌جمهور پیشین ساحل عاج لورن گباگو<sup>۱</sup> است. لورن گباگو در دسامبر ۲۰۱۱ به دادگاه بین‌المللی جزایی در دن هاگ (لاهی) منتقل شد. او به همراه بل گوده<sup>۲</sup> رهبر میهن پرستان جوان<sup>۳</sup> به خشونت در انتخابات سال ۲۰۱۰ متهم شده است. دعوای علیه رئیس‌جمهور پیشین و گوده به وقایعی توجه دارد از جمله حمله به تظاهرکنندگان و بمب‌گذاری در بازاری که به مرگ بیش از ۱۶۰ تن، تجاوز و زخمی شدن ده‌ها تن منجر شد. همچنین فهرستی از وقایع دیگر شامل شمار زیادی تجاوز، حمله و قتل در این پرونده وجود دارد.



سیمون گباگو، بانوی اول پیشین ساحل عاج، در جایگاه متهمان در دادگاه آبیجان، در آغاز محاکمه‌ی او به‌خاطر جرایم علیه کشور، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴. او به‌خاطر نقش خود در بحران پس‌انتخابات ۲۰۱۱-۲۰۱۰ مقصر شناخته شد. (*justicehub*)

گرچه لورن گباگو و بل گوده به دادگاه بین‌المللی جزایی منتقل شده‌اند، سیمون گباگو نزد دولت‌مردان ساحل عاج در زندان مانده است. ساحل عاج قابلیت طرح پرونده‌ی سیمون گباگو را در دادگاه به دلیل اقامه‌ی اتهام و پیگرد علیه او در آبیجان مورد اعتراض قرار داده است.

در واقع، خانم گباگو در سه اتهام مربوط به جرایم علیه امنیت کشور مقصر شناخته و در ۱۰ مارچ ۲۰۱۵ به ۲۰ سال زندان محکوم شد. او از تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۱۴ به همراه ۸۲ متهم هم‌پرونده در دادگاه کیفری آبیجان محاکمه شد. از میان ۷۹ متهمی

1. Laurent Gbagbo
2. Blé Goudé
3. Jeunes patriotes

که در دادگاه حضور یافتند، ۱۸ تن تبرئه و آزاد شدند. ۶۱ متهم دیگر مقصر شناخته و محکوم شدند.

از نقطه نظر اصل تکمیلی بودن، موضوع اصلی این است که محاکمه در آبیجان به جرایم علیه کشور توجه داشت، نه به حمله علیه غیرنظامیان و جنایت‌هایی مثل قتل و تجاوز.



نیروهای وفادار به رئیس‌جمهور پیشین ساحل عاج لوژن گیباگو پس از برهم زدن اعتراض‌های علیه گیباگو، مغازه‌های کنار جاده را در محله‌ی آتکوپ در آبیجان، ساحل عاج، به آتش می‌کشند، ۲۴ فوریه ۲۰۱۱. (UN Photo/Basile Zoma)

مسئولان ساحل عاج ابتدا در باره‌ی جرایم خشونت‌بار دست به تحقیقات زدند، بدون این که آن را اعلام کنند. زمانی که دادگاه بین‌المللی جزایی در فوریه ۲۰۱۲ کیفرخواست مهر و موم شده‌ای را علیه سیمون گیباگو صادر کرد، دولت مردان ساحل عاج اعلام کردند که او به دن هاگ (لاسه) منتقل نخواهد شد، چون اتهام‌های مشابهی علیه او در ساحل عاج مطرح است. ساحل عاج علیه قابلیت طرح در دادگاه بین‌المللی جزایی اعتراض کرد و در دسامبر ۲۰۱۴ اعتراض آن رد شد. استدلال وکلای ساحل عاج این بود که دادگاه بین‌المللی جزایی «شرط‌های بیش از اندازه سخت‌گیرانه‌ای» را برای اثبات وجود دادرسی علیه سیمون گیباگو در دادگاه ملی تعیین کرده است. در مه ۲۰۱۵، دادگاه تجدید نظر رأی دادگاه محاکمه را بر اساس قصور دولت از نشان دادن «گام‌های مشخص، ملموس و پیایی» در تحقیقات داخلی تأیید کرد.

## بررسی مشابهت موضوع دعوا: چرا مهم است؟

دادگاه بین‌المللی جزایی قرار است در وضعیت‌هایی اقدام کند که شمار زیادی از جنایت‌ها رخ داده و صدها و شاید هزارها واقعه‌ی مربوط به جنایت‌های مهم رخ داده است. دادستان باید از میان جنایت‌ها موارد تحقیق را انتخاب کند. در بیشتر موارد، باید انتخاب انجام داد. (در بعضی موارد، وقایع

ربط چندانی به موضوع ندارند. توماس لوبانگا<sup>۱</sup> به خاطر خطمشی به خدمت گرفتن کودک سربازان محاکمه شد نه، برای مثال، به خاطر قتل. اگر نهاد ملی کاری را انجام دهد که اساسنامه‌ی رُم برای ترویج آن برپا شد - یعنی پیگرد مهم‌ترین جنایت‌ها با حُسن نیت، برای این که عدالت حتا در مورد افراد دارای قدرت و نفوذ سیاسی هم اجرا شود - داشتن اطلاعات کاملاً روشن از انتظارات دادگاه بین‌المللی جزایی از دولت برای پیگیری عدالت در مورد پرونده‌ی مشابه مهم است.

حتا اگر دولتی با حُسن نیت عمل کند نهاد ملی همواره با محدودیت‌هایی روبرو خواهد بود. احتمالاً در منابع مالی کاستی‌هایی خواهد بود و انجام تحقیقات از لحاظ تدارکات ممکن است بسیار مشکل و پرهزینه باشد، به‌ویژه در شرایط درگیری و بلافاصله پس از درگیری. از نگاه سیاسی، هر دعوایی علیه شخصیت‌های ارشد به تنش‌هایی خواهد انجامید که ممکن است باعث تظاهرات، شورش و حتا بحران در ثبات شود. به‌طور خلاصه، هزینه‌ها برای نهادهای ملی دارای حُسن نیت اغلب بسیار زیاد است.

در چنین شرایطی، نهاد ملی میل ندارد به تمرین حُسن نیت، به همراه کلّ هزینه‌ها و خطرهایی که در بالا عنوان شد، دست بزند فقط برای این که بشنود که با وجود تمام تلاش‌های‌اش، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی به جریان خواهد افتاد، چون پرونده‌ی ملی شباهت کافی به پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی نداشته است. چنین وضعی نه‌تنها به معنای اتلاف وقت، پول و سرمایه‌ی سیاسی است (و در همه‌ی این زمینه‌ها ممکن است کمبود وجود داشته باشد)، بلکه ممکن است هدف مهم اصل تکمیلی بودن (در اساسنامه‌ی رُم) را در تشویق کشورها به واکنش مثبت به وظیفه‌ی تحقیق و پیگرد به‌ویژه علیه اشخاص دارای قدرت و نفوذ، تضعیف کند.

## در این صورت، بررسی مشابهت موضوع دعوا چه چیزی را در بر می‌گیرد؟

نخستین مسأله درک این موضوع است که بررسی مشابهت موضوع دعوا با فرایند دو مرحله‌ای تفاوت دارد. با استفاده از بررسی مشابهت موضوع دعوا به پرسش نخست فرایند دو مرحله‌ای پاسخ می‌دهیم: «آیا رسیده‌گی قضایی ملی به همان دعوا در سطح ملی در جریان است؟» اگر نتیجه این باشد که در واقع همان دعوا با مظنون‌ها و اعمال مشابه مورد تحقیق قرار دارد، در این

صورت پاسخ به پرسش دوم فرایند دو مرحله‌ای ضروری است: «آیا دادرسی واقعی است؟» به این ترتیب می‌توان دید که فرایند دو مرحله‌ای در عمل پیش و پس از اقدام به بررسی مشابهت موضوع دعوا در جریان است.

بررسی مشابهت موضوع دعوا	
آیا پرونده‌ی نهاد ملی به میزان کافی بازتاب پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی است؟	آری
↓ خیر	↓
دعوا قابل طرح در دادگاه است. نیازی به برداشتن گام دوم نیست.	ارزیابی از واقعی بودن دادرسی (تمایل و توانایی دولت)

## چرا این کار سخت است؟

انجام بررسی مشابهت موضوع دعوا همیشه سخت نیست، اما می‌تواند باشد. این بررسی پرسش‌هایی را در باره‌ی میزان اختیار نهادهای ملی در زمینه‌ی گنجانیدن امور مشخصی در پرونده مطرح می‌کند تا حدی که پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی را غیر قابل طرح کند. در بسیاری از وضعیت‌ها، موضوع اعمال یا پرونده‌ی مشابه مشکل واقعی به بار نمی‌آورد. اگر دادگاه بین‌المللی جزایی آقای الف را به‌خاطر کشتن خانم ب با تیراندازی از پشت در شهر پ در ۱ ژانویه ۲۰۱۰ محاکمه می‌کند، و دادستانی در سطح ملی نیز همان دعوا را با این مشخصات در دست بگیرد، شکی نیست که هر دو دادگاه پرونده‌ی مشابه را دنبال می‌کنند.

با وجود این، با توجه به ماهیت جرایمی که دادگاه بین‌المللی جزایی برای رسیده‌گی به آن‌ها تشکیل شده، به ندرت پیش می‌آید که دادرسی‌ها به سادگی مثال بالا باشند. اکثر پرونده‌های دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون متهمان را به‌عنوان مرتکب غیرمستقیم یا معاون در ارتکاب متهم کرده‌اند. این بدین معناست که آن‌ها افرادی نبودند که اقدام نهایی جرم مورد نظر را انجام داده‌اند (برای مثال، کشیدن ماشه‌ی اسلحه)، بلکه نقش متفاوتی بازی کرده‌اند: به‌طور معمول برنامه‌ریزی برای ارتکاب جرم یا صدور دستور ارتکاب آن.

این موضوع بسیار منطقی است، به‌ویژه در مواردی که سازمان یا ساختاری

وجود دارد که جنایت‌ها از طریق آن انجام شده است. مرتکب غیرمستقیم از دیگران در سازمان یا ساختار استفاده می‌کند تا از انجام کاری که می‌خواهد - مثل کشتار دسته‌جمعی - مطمئن شود، اما از نگاه قانون او به همان میزانی مقصر است که انگار خودش قربانیان را با تیر زده است. این ایده روش بسیار مفیدی برای تشخیص واقعیت ارتکاب جنایت‌ها در مقیاس بزرگ در زمان درگیری یا سرکوب است. به ندرت پیش می‌آید که افرادی که دستور کشتار یا تعرض گسترده علیه غیرنظامیان را صادر کرده‌اند خود در زمان وقوع کلیه جرایم در محل حضور داشته باشند. حتی اگر در بعضی از محل‌ها حضور داشته باشند، نمی‌توانند در همه‌ی آن‌ها حاضر باشند.

#### نگاهی به مسوئلیت فرمانده

صدور دستور و برنامه‌ریزی جنایت‌ها به دست مقام‌های مافوق یا فرماندهان با مسوئلیت فرمانده یک‌سان نیست، هر چند که گزارش‌های رسانه‌ها گاهی آن‌ها را یک‌سان تلقی می‌کنند.

مسوئلیت فرمانده به ایده‌ی بسیار مشخصی اشاره دارد: یعنی زمانی که فرمانده از ارتکاب جنایت به دست مأمور زیردست خود اطلاع داشته و می‌توانسته از وقوع آن جلوگیری کند ولی از این کار قصور کرده است؛ یا این که از ارتکاب جنایتی به دست زیردست خود مطلع شده و می‌توانسته آن را مجازات کند، ولی از این کار قصور کرده است.

دشواری بررسی مشابهت موضوع دعوا زمانی پیش می‌آید که شمار زیادی از رویدادها یا وقایع در برنامه یا دستورهای متهم مطرح باشد. برای انجام برنامه‌ای نظام‌مند برای نابودی روستاها در بخشی از یک کشور ممکن است صدها یا هزاران سرباز لازم باشد. ممکن است به کشتن صدها یا هزاران تن، تخریب غیرقانونی هزاران خانه و تجاوز به هزاران تن و شکنجه‌ی آن‌ها بیانجامد. به‌طور خلاصه، نوع جنایت‌هایی که در باره‌شان سخن می‌گوییم اغلب در مقیاس بسیار بزرگ رخ می‌دهد و اشخاص متفاوت بسیار آن‌ها را در نقاط مختلف بسیار با قربانیان گوناگون بسیار مرتکب می‌شوند.

دادن میزانی از حق انتخاب به دولت‌ها در گزینش وقایع ممکن است به دلایل چندی مهم باشد. نهاد ملی ممکن است مشتاق به دادرسی باشد، اما به‌خاطر کمبود منابع یا نداشتن دسترسی قادر به گردآوری تمام مدارک نباشد؛ یا ممکن است مسأله فقط چیزی باشد که گاهی اقتصاد قضایی نامیده می‌شود، یعنی تنظیم پرونده‌های قابل بُرد به مؤثرترین روش ممکن.

برای نشان دادن این نکته، سه وضعیت را که دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون به آن‌ها پرداخته، شرح می‌دهیم.

### وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو

**دادگاه بین‌المللی جزایی** فقط می‌تواند به جنایت‌هایی در جمهوری دموکراتیک کنگو رسیده‌گی کند که پس از ۲۰۰۲ رخ داده‌اند که تاریخ پیوستن جمهوری دموکراتیک کنگو به اساسنامه‌ی ژم است. این بدین معناست که اکثریت عظیم جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت که در دو دهه‌ی پیش از آن رخ دادند، قابل طرح در دادگاه بین‌المللی جزایی نیستند. با وجود این، شمار زیادی از جنایت‌ها پس از گفت‌وگو در باره‌ی توافق صلح در آوریل ۲۰۰۲ در سان سیتی برای پایان دادن به جنگ دوم، به‌ویژه در ایتوری، رخ داده‌اند.



دادگاه بین‌المللی جزایی ظرف ۱۳ سال گذشته، شش تن را به ارتکاب جنایت متهم کرده است. این دادگاه ناگزیر بود از میان وقایع بسیار پرشماری انتخاب کند، به‌ویژه از میان جنایت‌های تازه‌تر (پس از ۲۰۰۶) در کی‌ووس (KIVUS). فقط شمار بسیار کمی از جنایت‌های ارتكابی در ایتوری و کی‌ووس در دادگاه بین‌المللی جزایی مورد پیگرد قرار گرفته است. دادگاه بین‌المللی جزایی یا نهادهای ملی در باره‌ی بسیاری از جنایت‌های مهم تحقیق نکرده‌اند.

### وضعیت دارفور

در یکی از چند پرونده‌ای که در وضعیت دارفور مطرح شد، دادگاه بین‌المللی جزایی حکم دستگیری رئیس جمهور سودان عمر البشیر را به‌خاطر نسل‌کشی صادر کرد. به برآورد سازمان ملل در آن درگیری بین ۳۰۰.۰۰۰ تا ۴۰۰.۰۰۰ تن کشته، در حدود ۳ میلیون تن آواره و ۴۰۰ روستا تخریب شدند.



اردوگاه آوارگاه داخلی در خور آبیچ، دارفور جنوبی مورد حمله‌ی در حدود ۳۰۰ مرد سراپا مسلح قرار گرفت که ده‌ها خانه را به آتش کشیدند و دام‌های باشنده‌گان را دزدیدند، ۲۶ مارچ ۲۰۱۴.  
(Mubarak Bako/UNAMID)

دادستانی درخواست حکم دستگیری را بر جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی پایه گذاشت و طیف وسیعی از جنایت‌های ارتكابی به دست نیروهای دولتی از طریق «صدها حمله غیرقانونی» به شهرها و روستاها و نیز راه‌بردهای دیگر به قصد نابودی گروه‌های قومی را برشمرد.

دادستانی برای اثبات وقوع حمله‌ها، ۱۴ مورد حمله به روستاها و شهرها را انتخاب کرد: چهار مورد در سال ۲۰۰۳، دو مورد در ۲۰۰۴، هیچ مورد در ۲۰۰۵، یک مورد در ۲۰۰۶، یک مورد در ۲۰۰۷ و شش مورد در ۲۰۰۸. اکثریت این نقاط در سرزمین‌های گسترده‌ی غرب و جنوب دارفور قرار داشتند.

دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی تصمیم گرفت نمونه‌ای از وقایع یا سیر اعمال را با انتخاب کمتر از ۵ درصد حمله‌های مورد گزارش ثابت کند. اکثر این حمله‌ها در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ رخ داده بودند. قصد در اینجا انتقاد از روش انتخاب وقایع نیست، اما تردیدی نیست که بسیاری از وقایع دیگر دست‌کم از اهمیت مشابه برخوردار بودند و می‌شد آن‌ها را هم برشمرد ولی این کار انجام نشد.

### وضعیت لیبی

درگیری در لیبی به اندازه‌ی دو مورد مشروح در بالا طول نکشید. در واقع، دادستانی تمرکز کار خود را بر وقایع علیه معمر قذافی، سیف الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی از ۱۵ تا ۲۸ فوریه ۲۰۱۱ قرار داد. این سه تن به جنایت قتل و زجر و آزار به‌عنوان جنایت‌های ضد بشریت متهم شدند.



جمعیت تظاهرکنندگان به تداوم استفاده‌ی شبه‌نظامیان شورشی از اسلحه در داخل طرابلس، لیبی، و فضای کلی بی‌قانونی اعتراض می‌کنند، ۷ دسامبر ۲۰۱۱. دولت تازه تشکیل‌شده تقلا می‌کند اقتدار خود را بر قدرت‌مداران ناهمگون برقرار کند. (UN) (Photo/Iason Foonten)

بخش مهمی از پرونده علیه متهمان به خط‌مشی سرکوب توجه داشت که در واکنش به قیام گسترش یافته بود. هم‌چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در طرح اتهام در مورد یک



خط‌مشی، موضوع انتخاب وقایع الزاماً از اهمیت یک‌سان برخوردار نیست. با وجود این، دادستانی برای اثبات این که این خط‌مشی به اجرا در آمده است، حمله‌های دستگاه امنیتی لیبی در این دوره‌ی زمانی را به‌ویژه در شهرهای طرابلس، مصراته و بن‌غازی مشخص کرد. در این گزارش از جمله به حمله‌هایی در شش نقطه در تاریخ ۲۵ فوریه اشاره شد که «دست‌کم ۱۰۰ تن کشته شده بودند»؛ و اعلام کرد که شمار وقایع و تلفات به علت عملیات پنهان‌سازی شامل تخریب گورستان‌ها، اختلال در شبکه‌های مخابراتی و حمله به مطبوعات هنوز ناروشن مانده است.

دقت اطلاعاتی که دادستانی در این مورد ارایه کرد تا حدودی کمتر از موارد دیگر بود. با وجود این که دادستانی سعی کرد نمونه‌هایی ارایه کند، به صراحت تأیید کرد که این موارد «از جمله وقایع» هستند و فهرست وقایع جامع نیست.

در این تحقیقات، همچون دارفور، نمونه‌ای از روال وقایع خط‌سیر اعمال را نشان می‌داد. مشکل باز در شرایطی بروز می‌کند که نهادهای ملی با امکان پیگرد مسؤولان جنایت‌هایی روبرو هستند که قربانیان پرشمار، مرتکبان اصلی و احتمالاً وقایع بسیار متفاوتی را در ارتکاب جنایت‌ها در بر می‌گیرد.

## چرا دادگاه بین‌المللی جزایی بر بررسی مشابهت موضوع دعوا اصرار دارد؟

دلایل خوبی برای انجام بررسی مشابهت موضوع دعوا وجود دارد. در چارچوب محدودتر، این کار را می‌توان با به‌کارگیری ماده‌ی ۱۷ برای حل و فصل مشکل تعارض صلاحیت قضایی توضیح داد. این نوع توضیح در چارچوب اصول کلی حقوقی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرد. در چارچوب وسیع تر، هدف یافتن اطمینان از این است که حکومت‌ها در پشت دادرسی‌های ملی بی‌توجه به مهم‌ترین دعوها (از نقطه نظر مظنون‌ها و اعمال) پنهان نشوند و به این دعوها بپردازند یا این که دادگاه بین‌المللی جزایی خود به آن‌ها بپردازد.

تاکنون نمونه‌های بسیار نادری از رسیده‌گی به دعوای مشابه وجود داشته است. در اکثریت موارد، می‌بینیم که حکومت‌ها «غیرفعال» تشخیص داده شده‌اند. یک نمونه از حکومتی - جمهوری آفریقای مرکزی - دیده‌ایم که با حُسن نیت خود را غیرفعال کرده تا رسیده‌گی به پرونده‌ی بمبا را آسان‌تر کند.

تا جایی که به هدف دادگاه بین‌المللی جزایی کمک به پایان دادن به معافیت از مجازات مربوط است، باید به یاد داشت که پیش از تصمیم دادگاه بین‌المللی جزایی به آغاز تحقیقات، فرایند بررسی مقدماتی - گاهی سالیان طولانی - در جریان بوده است. در طول این دوره، نتیجه‌ی خط‌مشی دادستانی این است که حکومت مورد نظر می‌داند که دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی آغاز

1. black letter law

تحقیقات را در دست بررسی دارد. (همچنانکه در بالا اشاره شد، این حکومت همچنین از امکان درخواست تعویق تحقیقات بر اساس ماده‌ی ۱۸ برخوردار است، به استثنای پرونده‌ای که شورای امنیت سازمان ملل ارجاع می‌کند.) حکومت از فرصت تدارک برای تحقیقات خود و نشان دادن غیرضروری بودن اقدام دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی برخوردار است. ممکن است دلایل مختلفی در کار باشد که حکومت این کار را نکند، اما، بسیار غیرمحمّل است که آغاز تحقیقات آن را غافلگیر کند. حکومت از وقت کافی برخوردار است تا نشان دهد که دادرسی معتبری در سطح ملی در جریان است.

### استثنای لیبی



تنها استثنای بسیار روشن از بررسی مقدماتی طولانی، وضعیت لیبی است. بررسی مقدماتی دادگاه بین‌المللی جزایی پس از ارجاع دعوا از شورای امنیت سازمان ملل کمتر از یک هفته طول کشید. شرایطی که باعث ارجاع دعوا شد به‌طور اساسی در مدت زمان کوتاهی با سرنگونی معمر قذافی تغییر کرد. در عمل، هیچ یک از استثنای‌های سیاسی و حقوقی که باعث ارجاع اولیه و تصمیم به انجام تحقیقات شده بود، پابرجا نماند. بنابراین، شاید تعجبی ندارد که پرونده‌های لیبی به جالب‌ترین بحث‌های مربوط به استفاده از بررسی مشابهت موضوع دعوا و ماهیت آن دامن زده‌اند.

گاهی ممکن است قدرت پیروز در یک درگیری مایل به پیگرد بازنده‌گان باشد، اما میل به پیگرد طرف‌داران خود نداشته باشد (منتقدان در این مورد به نمونه‌ی ساحل عاج و سیمون گباگبو اشاره می‌کنند.) گاهی ممکن است اراده‌ی سیاسی برای پیگرد افرادی از رده‌های پایین ارتش و حتا نیروهای حکومتی وجود داشته باشد، اما برای پیگرد برنامه‌ریزان و آمران جنایت‌های نظام‌مند وجود نداشته باشد.

در باره‌ی موضوع «اَعمال» می‌توان به مورد دارفور نگاه کرد. دولت‌مردان سودان طی بررسی مقدماتی وضعیت دارفور اطلاعاتی را ارائه کردند که نشان می‌داد دادگاه‌های ویژه تشکیل شده‌اند و به شماری از دعوای رسیده‌گی کرده‌اند. بسیاری از این دعوای را می‌شد در چارچوب محلی مهم تلقی کرد، از جمله و برای نمونه دزدی گاو و گوسفند. این امور در جوامع متأثر از آن‌ها جزئی نیستند، اما هیچ ربطی به اتهام‌های عظیم جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی ندارند. بدیهی است این نوع دادرسی هیچ ارتباطی به قابلیت طرح دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی ندارد. این‌ها دعوای آسان هستند. دعوای دشوار به دادرسی‌هایی از نوع امور مورد توجه دادگاه بین‌المللی جزایی در پیوند با مظنون‌های یک‌سان مربوط می‌شود.



رئیس‌جمهور سودان عمر حسن احمد البشیر طی بیستمین اجلاس مشارکت نو برای توسعه‌ی آفریقا گوش می‌دهد، آدیس آبابا، اتیوپی، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۹. البشیر به‌خاطر نسل‌کشی، جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت تحت تعقیب دادگاه بین‌المللی جزایی است.

(Jesse B. Awalt/US Navy photo)

پرسش واقعی در ذهن بعضی از مفسران این است که آیا دادگاه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی جزایی در بعضی از پرونده‌ها فراتر از حدی رفته است که بایستی می‌رفت. آیا فراتر از ایده‌ی بررسی مشابهت موضوع دعوا به‌عنوان وسیله‌ای تنها برای حل‌وفصل تعارض صلاحیت قضایی رفته است؟ آیا به ریه‌افتی دست پیدا کرده که اصل تکمیلی بودن را تضعیف می‌کند؟ بعضی

استدلال‌ها در تأیید این انتقاد در یکی دو پرونده وجود دارد که به زودی به آن‌ها می‌پردازیم.

## ملاحظات حقوقی کدام است؟

برای توضیح سیر تکوین مسایل حقوقی می‌توان به چند پرونده‌ی اصلی نگاهی انداخت.

### پرونده‌ی توماس لوبانگا

توماس لوبانگا<sup>۱</sup> رهبر سازمانی شبه‌نظامی در استان شرقی اُرینتاله در جمهوری دموکراتیک کنگو بود. او از اوایل سال ۲۰۰۴ تحت تحقیق دادگاه بین‌المللی جزایی قرار دارد. در سال ۲۰۰۵، حمله‌ای در روستایی به نام ان‌دُکی<sup>۲</sup> رخ داد که در آن ۹ صلح‌بان سازمان ملل کشته شدند. جامعه‌ی بین‌المللی به خشم آمد و شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد و از دولت‌مردان جمهوری دموکراتیک کنگو خواست فوری در مورد جنگ‌سالاران در این کشور اقدام کنند. کمی بعد، ۱۰ تن از به‌اصطلاح جنگ‌سالاران، از جمله لوبانگا، در کینشازا دستگیر شدند. هیچ یک از صاحبان قدرت در جمهوری دموکراتیک کنگو یا سازمان ملل هرگز به‌طور جدی به مشارکت لوبانگا در کشتار ان‌دُکی مشکوک نبودند (او در آن منطقه دست به عملیات نمی‌زد)، ولی وی رهبر قدرت‌مند نیروی شبه‌نظامی بزرگی بود.

سربازان صلح‌بان  
سازمان ملل تابوت‌های  
۹ سرباز سازمان ملل  
را که در نزدیکی  
بونیا، مرکز استان  
جنگ‌زده‌ی ایتوری در  
کنگو کشته شده‌اند،  
حمل می‌کنند، ۲۶  
فوریه ۲۰۰۵. (UN)  
(Photo)



1. Thomas Lubanga  
2. Ndoki

لوبانگا یک سال در کینشازا در بازداشت ماند تا این که دادگاه بین‌المللی جزایی درخواست انتقال او را به دین هاگ کرد. دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی در درخواست حکم دستگیری توضیح داد که با وجود اینکه لوبانگا به‌خاطر اتهام‌های نسل‌کشی و جنایت‌های ضد بشریت (در میان اتهام‌های دیگر) بازداشت شده و قرار بازداشت او چند بار تکرار شده است، امکان آزادی او را نمی‌توان کنار گذاشت.

دادگاه مقدماتی در رسیده‌گی به درخواست صدور حکم دستگیری لوبانگا، به رأی در گذشته در باره‌ی مشارکت قربانیان در دادرسی‌ها اشاره کرد که در آن مفهوم پرونده را «وقایع مشخصی که طی آن به نظر می‌رسد یک یا چند مظنون شناسایی شده یک یا چند جنایت در حوزه‌ی صلاحیت دادگاه را مرتکب شده‌اند» تعریف کرد (بند ۲۱، رأی ۱۰ فوریه ۲۰۰۶). دادگاه مقدماتی در ادامه تأکید کرد که «این که دادرسی ملی شامل شخص و اعمال موضوع دعوای مورد رسیده‌گی در دادگاه بین‌المللی جزایی باشد، شرط غیرقابل طرح بودن یک دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی نیست.»

در نگاه به تعریف اصلی مفهوم دعوای مورد اشاره‌ی دادگاه مقدماتی، «وقایع مشخص» ذکر شده‌اند، اما در خلاصه‌ی رأی پیشین این دادگاه فقط به نوعی بررسی اشاره می‌شود که شامل اشخاص یک‌سان و اعمال یک‌سان شود.



توماس لوبانگا در روز آغاز محاکمه‌ی خود در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ در دادگاه بین‌المللی جزایی وارد سالن دادگاه می‌شود.

(ICC-CPI/Michael Kooren, HO)



پزشکان هیأت سازمان ملل  
برای ایجاد ثبات در جمهوری  
دمکراتیک کنگو (MONUC)  
پناهجویانی را که در پی جنگ  
خشونت‌بار و کشتار در چه،  
ایتوری در جمهوری دمکراتیک  
کنگو از خانه‌هایشان فرار  
کرده‌اند، درمان می‌کنند، ۴  
فوریه ۲۰۰۵.  
(UN Photo/Christophe  
Bouliera)

هم‌چنانکه در بالا گفته شد، برای این که دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح نباشد، مهم این است که حکومت همان اشخاص را مورد پیگرد قرار دهد.

اگر در پرونده‌ای ملی، دادرسی علیه شخص متفاوتی در جریان است، به‌سادگی می‌توان گفت که دعوا مشابه نیست. موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که باید تصمیم گرفت اعمال مشابه به چه معنا هستند و تا چه حدی لازم است پرونده‌های ملی دقیقاً به همان وقایعی بپردازند که اساس پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی را تشکیل می‌دهند.

## پس، بررسی مشابهت موضوع دعوا آسان به نظر می‌رسد: اعمال مشابه به چه معناست؟

ره‌یافت دادگاه بین‌المللی جزایی به اهمیت وقایع همواره روشن نبوده است، به این معنا که اگر دولت‌مردان یک کشور بخواهند قابل طرح بودن دعوا را در دادگاه بین‌المللی جزایی با موفقیت رد کنند، روشن نیست که از نظر دادگاه بین‌المللی جزایی پرونده‌ی ملی به چه شکلی باید باشد.

### «اعمال در اساس مشابه»

در پرونده‌ی ویلیام روتو (معاون کنونی رئیس‌جمهور کنیا)، که در آپریل ۲۰۱۶ رد شد، دادگاه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی جزایی توصیف تازه‌ای در این ایده وارد کرد که پرونده‌ی مشابه باید دارای مظنون‌های مشابه و اعمال مشابه باشد. به بیان این دادگاه «تحقیقات ملی باید به همان افراد و در اساس به همان اعمالی بپردازد که در دادرسی نزد دادگاه بین‌المللی جزایی مطرح

شده است» تأکید افزوده). هیچ یک از طرف‌های دادرسی استدلالی در باره‌ی افزایش واژه‌ی «در اساس» مطرح نکرده بود و در واقع، دادگاه تجدید نظر در ابتدا راضی بود همان فرمول قبلی بررسی اعمال مشابه را تکرار کند. از آنجا که دادگاه تجدید نظر در عمل داور نهایی ره‌یافت درست است، بررسی رسمی به «بررسی اعمال در اساس مشابه» تبدیل شد. با وجود این، دادگاه تجدید نظر توضیح نداد که این توصیف چه تفاوت خاصی به بار خواهد آورد.

### پرونده‌های السنوسی و قذافی (لیبی)

وقتی معمر قذافی به قتل رسید، دو متهم در پرونده‌ی دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی مربوط به وضعیت لیبی باقی ماندند: سیف الاسلام قذافی (پسر قذافی) و السنوسی. پسر قذافی در اختیار شبه‌نظامیانی در شهر الزنتان و خارج از کنترل دولت‌مردان کشور بود. السنوسی پس از استرداد در اختیار دولت‌مردان کشور قرار گرفته بود.



از چپ، عبدالله السنوسی، رئیس پیشین اداره‌ی جاسوسی در دولت معمر قذافی و بوزید دوره، رئیس پیشین اطلاعات، طی یکی از نشست‌های محاکمه در سالن دادگاهی در طرابلس، لیبی، در پشت میله‌ها نشسته‌اند، ۱۴ آوریل ۲۰۱۴. (sundominica.com)

در مورد پرونده‌ی قذافی، دادگاه مقدماتی گفت «اعمال در اساس مشابه» را باید مورد به مورد در نظر گرفت، اما در مورد پرونده‌ی وی نادرست است که از دولت‌مردان لیبی انتظار برود دقیقاً به همان وقایع تعیین شده در پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی بپردازند، از جمله به این دلیل که این وقایع در

همه‌ی موارد به صورت جامع و روشن تعریف نشده‌اند. این دادگاه گفت چیزی که مهم است وقایع خاص نیست، بلکه اعمال اساسی است که در وقایع مورد گزینش دولت‌مردان لیبی دیده می‌شود. به بیان عملی، این دادگاه گفت که اعمالی که دادستانی مشخص کرده در کنترل قذافی بر دستگاه امنیتی حکومت لیبی بوده که «به هر وسیله‌ای... از اعتراض‌های مردم غیرنظامی که در تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ آغاز شده بود جلوگیری کند و آن‌ها را فرو نماند.»

زمانی که دادگاه تجدید نظر دعوا را بررسی کرد، گفت: آن‌چه ضروری است ارزیابی قضایی است تا مشخص شود که پرونده‌ی در دست تحقیق حکومت به میزان کافی بازتاب پرونده‌ی در دست تحقیق دادستان است. به نظر دادگاه تجدید نظر، برای انجام این ارزیابی لازم است از وقایع اساسی در دست تحقیق به‌عنوان مقایسه ... در کنار اعمال مظنون تحت تحقیق که باعث مسوولیت کیفری او برای اعمال توصیف‌شده در آن رویدادها استفاده شود.

این اظهارات دادگاه تجدید نظر گویا تأیید می‌کند که گزینش وقایع، بالقوه بسیار مهم است. چکیده‌ی آن این است که در بسیاری از دعوای احتمالاً تشابه وقایع است که تعیین خواهد کرد که دادرسی مربوط به دعوای مشابه است یا نیست.

آن‌گونه که پیش آمد، در مورد پرونده‌ی قذافی، دادگاه مقدماتی به این نتیجه رسید که دولت‌مردان لیبی اطلاعات کافی ارایه نکرده‌اند تا نشان بدهد در واقع در باره‌ی چه چیزی تحقیق می‌کنند، و در نتیجه دادگاه نمی‌تواند تعیین کند که به واقع دعوا مشابه است یا نیست. دادگاه تجدید نظر رأی را بر این اساس تأیید کرد.

دادگاه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی  
جزایی قابلیت طرح پرونده‌ی سیف  
الاسلام قذافی را در دادگاه بین‌المللی  
جزایی تأیید می‌کند، ۲۱ مه ۲۰۱۴.  
قاضی ارکی کورولا، رئیس دادگاه تجدید  
نظر خلاصه‌ی رأی را در نشست علنی  
می‌خواند. (ICC-CPI)





در مورد پرونده‌ی السنوسی، دادگاه مقدماتی باز به موضوع گزینش وقایع پرداخت. این دادگاه اعلام کرد که اعمال مربوط به این پرونده به رویدادهای بین ۱۵ تا ۲۰ فوریه در بن‌غازی و با اقدام‌های او «برای سرکوب انقلاب به هر وسیله» ربط دارند. دادگاه مقدماتی ملاحظه کرد که چون وقایع مورد اشاره در رأی دادگاه بین‌المللی جزایی برای صدور حکم دستگیری علیه السنوسی اعمال اتهامی او را «مشخص نکرده‌اند»، نیازی نیست که پرونده در لیبی بر اساس همان رویدادها پیش برود.

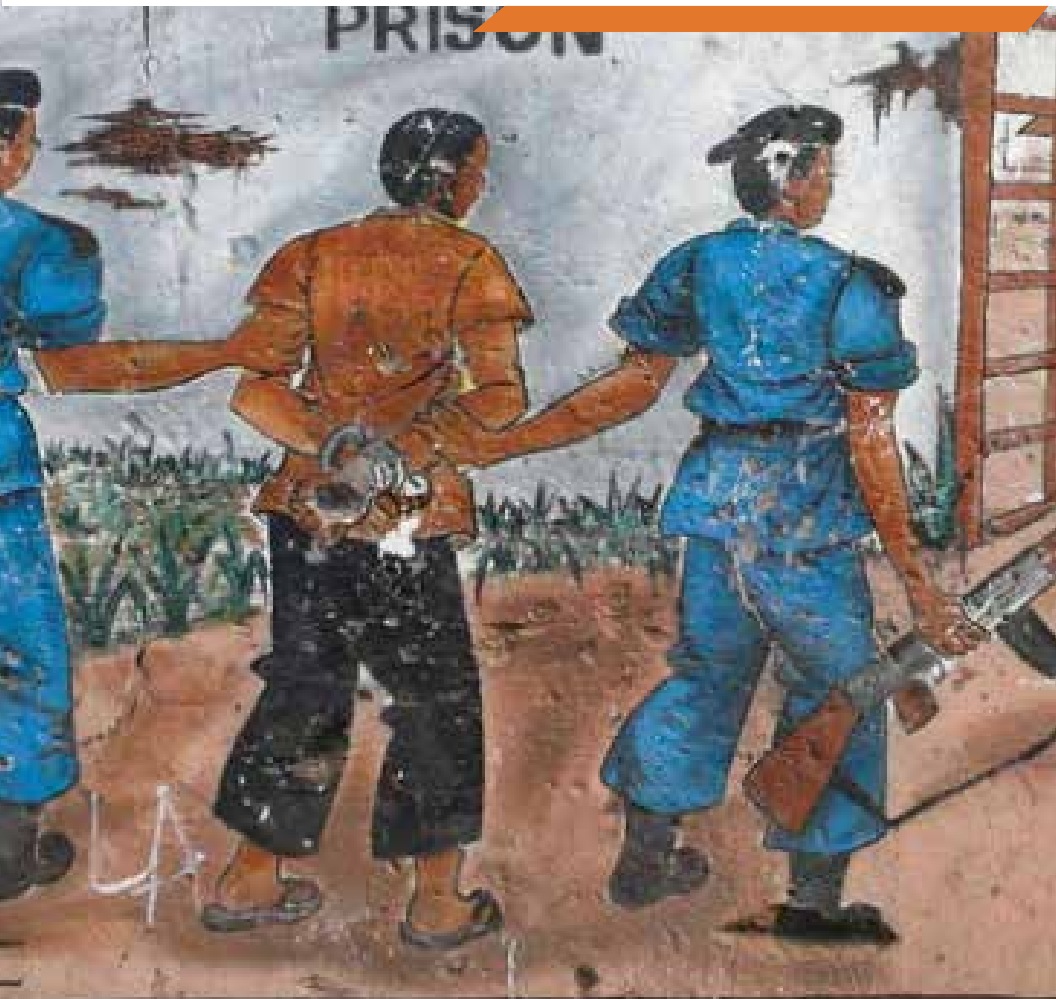
در این مورد، دادگاه تجدید نظر با این رأی که وقایع مشخص بخشی از مسایلی را تشکیل نمی‌دهند که باید برای تصمیم‌گیری در باره‌ی رسیده‌گی دولت‌مردان لیبی به پرونده‌ی مشابه مورد بررسی قرار گیرند، مخالفت کرد. دادگاه تجدید نظر گفت که موضع دادگاه مقدماتی «با رویه‌ی قضایی موجود دادگاه بین‌المللی جزایی هماهنگ نیست.»

آشکار است که دادگاه مقدماتی در هر دو پرونده‌ی قذافی و السنوسی می‌کوشید با تشخیص ویژه‌گی‌های وضعیت لیبی، میزان محدودی از انعطاف را در ارزیابی از معنای «اعمال در اساس مشابه» وارد کند؛ به این معنا که در این دعوای خاص، هم‌پوشانی وقایع در پرونده‌های دادگاه بین‌المللی جزایی و دادگاه در لیبی از اهمیت بسیار کمتری از اثبات اعمال اساسی مشابه برخوردار است.

اما، موضع دادگاه تجدید نظر این است که «وقایع نقشی محوری در مقایسه‌ی بین پرونده‌ی ملی و پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی بازی می‌کنند. نیازی به گفتن نیست که این عوامل مهم است. روشن است که دادگاه تجدید نظر کماکان این هم‌پوشانی گزینش وقایع را عاملی اصلی در بسیاری از دعوای خواهد دانست و دادرسی واقعی در مورد اعمال اساسی مشابه مربوط به وقایع مختلف ممکن است برای غیرقابل طرح بودن دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی کافی نباشد.

در تحلیل نهایی، نظر دادگاه تجدید نظر حاکم خواهد بود، حتا اگر اشخاص منطقی با ره‌یافت آن و پیامدهای بلند مدت آن مخالفت کنند.

## جنایت، مجازات و دادرسی واقعی



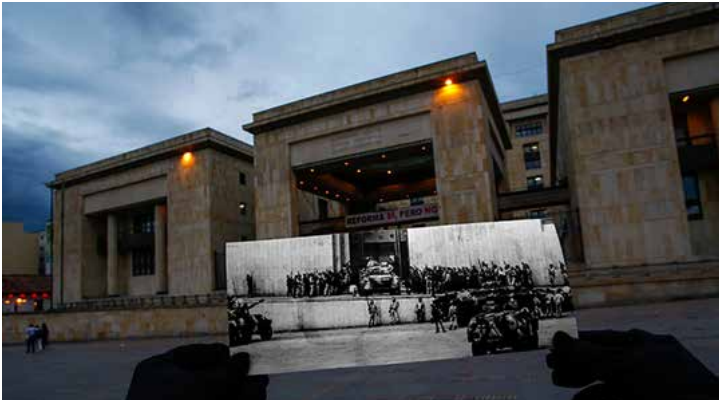
## آیا رأی دادگاه ملی در مورد مجازات پس از محکومیت تأثیری بر تعیین واقعی بودن دادرسی دارد؟

اساسنامه‌ی رُم فقط در ماده‌ی ۸۰ به‌صراحت به موضوع مجازات در دادرسی ملی می‌پردازد. بر اساس این ماده، مقررات مربوط به صدور حکم در محاکمه‌های دادگاه بین‌المللی جزایی هیچ ربطی به قوانین ملی مربوط به مجازات ندارند.

دولت‌ها اصرار کرده بودند که این ماده به دلیل مشخصی گنجانده شود: دادگاه بین‌المللی جزایی صدور مجازات اعدام را مجاز نمی‌داند. دولت‌هایی که مجازات اعدام را مجاز می‌دانند نمی‌خواستند امکان این بحث را فراهم کنند که اساسنامه‌ی رُم مجازات اعدام را در قلمرو آن‌ها ممنوع کرده است. ضمن این که انگیزه‌ی ماده‌ی ۸۰ دادن امکان صدور مجازات‌های سنگین‌تر از دادگاه بین‌المللی جزایی به دولت‌ها بود. در عین حال، این ماده به این معناست که دولت‌ها آزاد هستند حکم‌های سبک‌تری نیز صادر کنند.

**اما، آیا مجازات با موضوع دادرسی واقعی ملی ارتباط دارد؟** مجازات موضوع مهمی است که در چارچوب گفت‌وگوهای صلح کلمبیا مطرح شده است. (برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به صفحه‌های ۳۴-۳۵ این کتاب). و در این پیوند، دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی در سال ۲۰۱۳ نامه‌ای برای دولت‌مردان کلمبیا ارسال و نظر خود را بر این اساس اعلام کرد که هر حکمی که برای اعضای خلع‌سلاح‌شده‌ی فارک و گروه‌های شبه‌نظامی صادر شود باید با جرایم مورد نظر تناسب داشته باشد و غیرواقعی نباشد. این نامه به‌ویژه مشخص کرد که هر حکمی که امکان تعلیق کامل مجازات را بدهد بدین معناست که دادرسی واقعی نبوده است.

دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی با پذیرش این که وضعیت کلمبیا حیظه‌ای تازه را پیش می‌گذارد، بر دو جنبه از ماده‌ی ۱۷(۲) تأکید کرد. او از یک سو استدلال کرد که حکم بسیار سبک به معنای محافظت از متهم از مسوولیت کیفری به معنای موجود در ماده‌ی ۱۷(۲)(الف) تلقی خواهد شد. از سوی دیگر، استدلال او این بود که چنین حکمی با ماده‌ی ۱۷(۲)(ب) مغایر خواهد بود که دادرسی «مستقل و غیرجانبدارانه» را «با قصد سپردن شخص مورد نظر به دست عدالت» الزامی می‌کند.



نمای کاخ دادگستری در بوگوتا، کلمبیا، با عکس تاریخی حمله‌ی سال ۱۹۸۵ گروه چریکی ام ۱۹<sup>۱</sup> به دیوان عالی کشور در مقابل آن. بیش از ۱۰۰ تن، از جمله ۱۲ قاضی دیوان عالی کشور طی حمله‌ی نهایی و هجوم نظامی به کاخ دادگستری کشته شدند. سرهنگ بازنشسته آلفونسو پلازاس وگا در سال ۲۰۱۰ به خاطر نقش خود در دست‌کم ۱۱ ناپدیدکردن قهری پس از این تهاجم به ۳۰ سال زندان محکوم شد. (Centro Nacional de Memoria Histórica)

این بحث جالبی است، اما دارای مشکلات خاص خود است. در پیوند با استدلال نخست، ماده‌ی ۱۷ سخن از محافظت از متهم از مسوولیت کیفری می‌گوید. در اکثر موارد، موضوع مسوولیت کیفری به معنای اشاره به تعیین تقصیر یا بی‌گناهی تلقی می‌شود. در واقع، اکثر کشورها دادرسی برای تعیین حکم را از تعیین تقصیر جدا می‌کنند. می‌توان استدلال کرد که معنای عادی ماده‌ی (الف)(۲) ۱۷ به موضوع تعیین تقصیر یا بی‌گناهی اشاره دارد. اگر حکومتی محاکمه‌ای را به قصد تضمین تبرئه‌ی متهم برگزار کند، این محاکمه قلابی است. اما در حالتی که متهم محکوم شود ولی حکم بسیار سبکی دریافت کند، چندان روشن نیست که می‌توان نظر مشابهی داد.

مشکل استدلال دوم این است که اثبات دو چیز را الزامی می‌کند: نخست، دادرسی مستقل و غیرجانبدارانه نبوده است؛ و دوم (در پشت این ایرادها) قصد این بوده که از اجرای عدالت در مورد متهم پرهیز شود.

در مورد بخش نخست، موضوع اساسی که باید ثابت کرد این است که مجازاتی که دادگاه ملی صادر کرده نشان می‌دهد که دادگاه از استقلال و بی‌طرفی برخوردار نبوده است. اما، اگر دادگاه حکمی را صادر کند که قانون مصوب در پی نظارت قانون‌گذاری و قضایی مقرر کرده است (یعنی وضعیتی که در کلمبیا برقرار است)، مشکل می‌توان تشخیص داد که این کار به معنای نبود

استقلال و بی‌طرفی دادگاه است. در واقع، خلاف این می‌تواند حقیقت داشته باشد: اگر دادگاه از صدور حکمی که قانون مقرر کرده سر باز بزند، دلایل جدی برای نگرانی از استقلال و غیرجانبداری آن وجود دارد.



مأموران پلیس افغانستان امنیت را در زندان مرکزی دای کندی در نیلی، افغانستان، برقرار می‌کنند، ۱۱ آگوست ۲۰۰۹ (UN Photo/Eric Kanalstein)

از این مشکلات حقوقی که بگذریم، پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود. چه اتفاقی می‌افتد اگر دادرسی واقعی انجام و متهم به ۱۰ سال زندان محکوم شود که حکمی جدی است ولی پنج ماه بعد در پی انتخابات عمومی، رئیس جمهور تازه تصمیم بگیرد به نشانه‌ی آشتی ملی محکومان را عفو کند؟ (توجه کنید که این وضعیت خیالی نیست: وضع مشابهی در زمان رئیس جمهور کارلوس مینم<sup>۱</sup> در آرژانتین رخ داد.) به یقین، بسیار دشوار می‌توان گفت که محاکمه واقعی نبوده است.

درک دلیل استدلال دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی آسان است: اطمینان یافتن از این که حکمی که به نظر او قابل قبول است صادر شود. اشخاص بسیاری احساس می‌کنند که اگر فرایند صلح کلمبیا با موفقیت برنامه‌ی عدالت با حکم‌های بسیار سبک برقرار کند، کشورهای دیگر در آینده می‌توانند به آن به‌عنوان پیشینه استناد و در نتیجه اهداف دادگاه بین‌المللی جزایی را تضعیف کنند.

مشکل واقعی در این نهفته است که ماده‌ی ۱۷ به‌صراحت به موضوع مجازات نمی‌پردازد و در عین حال راه را برای پیدایش بحث جالبی در باره‌ی هدف از

---

1. Carlos Menem

مجازات و شکل آن در وضعیت‌های گوناگون و پیچیده‌ی سیاسی باز می‌کند. قاضی‌های دادگاه بین‌المللی جزایی تاکنون ناگزیر از پرداختن به این موضوع نبوده‌اند. زمان روشن خواهد کرد که آیا آن‌ها موافق هستند که ماده‌ی ۱۷ در باره‌ی موضوع سکوت کرده است یا فکر می‌کنند که دادگاه به‌طور ضمنی حق دارد در ارزیابی واقعی بودن محاکمه، مجازات را در نظر بگیرد.





بخش هفت

## توانایی برگزاری دادرسی ملی



محاکمه‌ی السعدی معمر قذافی در طرابلس، لیبی، ۱ نوامبر ۲۰۱۵. او به قتل عمد مربی پیشین باشگاه فوتبال الاتحاد طرابلس در سال ۲۰۰۵ متهم شده بود. (Xinhua/Hamza Turkia)



در ماده‌ی (۳) ۱۷ که به توانایی حکومت در برگزاری دادرسی در سطح ملی بر اساس حقوق ملی کشور می‌پردازد، الزام فقط به اثبات سقوط کامل یا اساسی نظام یا «ناموجود بودن» نظام نیست. الزام آن اثبات این است که سقوط یا ناموجود بودن نظام به معنای عدم توانایی برگزاری دادرسی در آنجاست. به‌طور کلی، قابل ملاحظه است که صرفنظر از نابودی جدی زیرساخت حکومت و ادامه‌ی بی‌ثباتی قابل‌ملاحظه، دادگاه بین‌المللی جزایی ممکن است به این نتیجه برسد که حکومت می‌تواند دادرسی واقعی برگزار کند. این نتیجه‌ی بدیهی رأی دادگاه تجدید نظر در پرونده‌ی السنوسی است که پیش‌تر به شرح آمد (نگاه کنید به: صفحه‌های ۷۳ - ۷۱ این کتاب). پرسش این است که آیا تحقیقات مشخص و محاکمه می‌توان برگزار کرد یا خیر. این کار حتا در شرایط به‌شدت بی‌ثبات ممکن است. به همین ترتیب، ممکن است ضعف نظام حقوقی در کل واقعیت داشته باشد، اما باز پرسش این است که آیا دعوای مورد توجه دادگاه بین‌المللی جزایی را می‌توان در آنجا پی گرفت یا خیر. پرسش این نیست که نظام حقوقی به‌طور کلی مورد تأیید قرار می‌گیرد یا خیر.

تنها وضعیت نزدیک به این موضوع، لیبی است. (با وجود این، باید گفت که این کار به روشی انجام شد که تا حدودی اغتشاش به بار آورد. با وجود اینکه دادگاه مقدماتی به این نتیجه رسید که لیبی به علت ناموجود بودن نظام حقوقی قادر به انجام دادرسی در مورد قذافی نیست، دادگاه تجدید نظر به این نتیجه رسید که این وضع دلیل ردّ اعتراض مربوط به قابلیت طرح در دادگاه نیست. بلکه این اعتراض به دلیل ناکامی در ارایه‌ی مدارک کافی که نمای کلی پرونده را در سطح ملی نشان دهد، ردّ شد.)

این دادگاه به تلاش‌های انجام شده در سطح ملی و بین‌المللی برای برقراری امنیت بیشتر در لیبی، به‌ویژه کارکرد نظام قضایی، توجه کرد. با وجود این، دادگاه به این نتیجه رسید که به علت تداوم مشکلات، نظام حقوقی در لیبی برای رسیده‌گی به دعوای جدی «ناموجود» است، به این معنا که متهم را نمی‌تواند در اختیار بگیرد. (قذافی در اختیار نیرویی شبه‌نظامی بود و هست.)<sup>۱</sup> این دادگاه همچنین به این نتیجه رسید که وضعیت امنیتی به این معناست که نمی‌توان امکان دریافت شهادت را فراهم کرد و دادگاه‌های لیبی به علت مشکلات جدی مربوط به انتصاب وکیل مدافع «قادر به انجام دادرسی نیستند».

---

۱. این گروه شبه‌نظامی در ماه جون ۲۰۱۷ سیف الاسلام قذافی را آزاد کرد. - پانوشت از ویراستاران آرمان‌شهر

بر خلاف قذافی، السنوسی در بازداشت مسؤولان رسمی بود، بنابراین، در بازداشت داشتن متهم مسأله‌ای نبود. کانون بحث در باره‌ی اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه در مورد او دور دو موضوع می‌چرخید: موضوع دسترسی متهم به وکیل مدافع و تضمین کلی محاکمه‌ی عادلانه.

تمام طرف‌ها به این توافق رسیدند که تا زمان اعتراض السنوسی در پرونده‌ی ملی وکیل مدافی در اختیار او قرار نگرفته بود. دادگاه تجدید نظر اعلام کرد که این به تنهایی به معنای ناتوانی لیبی از برگزاری دادرسی واقعی نیست. این دادگاه استدلال وکلای مدافع را رد کرد. آن‌ها معتقد بودند که در نتیجه‌ی این نقض محاکمه‌ی عادلانه، ضربه‌ی مرگباری به پرونده‌ی ملی خواهد خورد. دادگاه تجدید نظر گفت این واقعیت که محاکمه ممکن است رها شود یا متهم تبرئه شود به معنای واقعی نبودن دادرسی نیست. عدم موفقیت در یک دعوا در نتیجه‌ی نقض موازین دادرسی می‌تواند با تلاش برای برگزاری دادرسی واقعی کاملاً سازگار باشد.

دادگاه تجدید نظر اظهار کرد که تفاوت‌های اساسی بین پرونده‌های قذافی و السنوسی در این است که السنوسی در بازداشت رسمی است و به راحتی می‌توان به تضمین برخوردارگی او از وکیل مدافع اتکا کرد.



## اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه: چه کسی می تواند اعتراض کند و چه زمانی؟



ویلیام ساموئی روتو، معاون رئیس جمهور کنیا، طی کنفرانس تعیین وضعیت دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی علیه او و روزنامه‌نگار جوشوا آراپ سانگ، ۱۴ مه ۲۰۱۳. دعوا در تاریخ ۵ آوریل ۲۰۱۶ به علت ناکافی بودن مدارک مختومه اعلام شد. (ICC-CPI)

## چه کسی می‌تواند اعتراض کند؟

بر اساس ماده‌ی ۱۹، دولت‌های دارای صلاحیت قضایی و مظنون‌ها می‌توانند به قابلیت طرح دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی اعتراض کنند. هم‌چنانکه در مورد لیبی دیدیم، حکومت لیبی در پرونده‌ی قضایی اعتراض کرد، ولی السنوسی که متهم بود خود در پرونده‌اش اعتراض کرد. به همین ترتیب، دیدیم که حکومت کنیا در اوایل دادرسی و متهمان دعوا در مراحل بعدی اعتراض کردند. این موضوع در پرونده‌ی سیمون گِباگبو با اعتراض حکومت ساحل عاج رخ داد.

علاوه بر حکومت‌ها و مظنون‌ها، دادگاه نیز مجاز است به ابتکار خود در باره‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه تصمیم بگیرد. (مقررات دیگری نیز وجود دارد که به حکومتی که عضو اساسنامه نیست ولی صلاحیت قضایی دادگاه را پذیرفته اجازه می‌دهد بر اساس ماده‌ی ۱۲ اعتراض کند.)

### معترضان ممکن

\* مظنون‌ها

\* حکومت دارای صلاحیت قضایی بر دعوا

\* دادگاه در هنگام بررسی موضوع قابلیت طرح به ابتکار خود

## اعتراض چه چیزی را باید ثابت کند؟

اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه باید ثابت کند که دادرسی ملی گام‌های پیاپی، مشخص و ملموسی را برای اجرای عدالت در مورد مسؤولان اصلی جرایم را برمی‌دارد. دادگاه تجدید نظر در زمان رسیده‌گی به پرونده‌ی روتو از کنیا و پرونده‌ی سیمون گِباگبو از ساحل عاج این موضوع را روشن کرد. نه‌تنها باید مدارک مربوط به گام‌های پیاپی، مشخص و ملموس در دست باشد، بلکه این گام‌ها را باید با وضوح کافی و از طریق اطلاعات به حد کفایت قابل اعتماد و معتبر (که دادگاه آن را *رزش/اثباتی*<sup>۱</sup> می‌نامد) نشان داد. برای مثال، نبود چنین اطلاعاتی در مورد اعتراض مربوط به قضایی به این معنا بود که دادگاه نتوانست مشخص کند که دعوای مشابه در دست رسیده‌گی است. دادگاه به لیبی سه بار امکان داد این اطلاعات را ارائه کند. زمانی که حکومت لیبی پیشنهاد کرد پرونده‌ها را باز کند تا به وضوح نشان دهد چه کار می‌کند، دادگاه گفت حکومت باید مدارک را ارائه کند نه این که پس از سه بار قصور

1. probative value

از ارائه‌ی این مدارک از دادگاه برای دیدن آن‌ها دعوت کند. اعتراض را نمی‌توان به صورت تئوریک یا بر اساس برنامه‌ی عمل انجام داد. این اعتراض باید در باره‌ی گام‌های مشخصی باشد که تا آن زمان برداشته شده است. دادگاه این موضوع را مشخص کرده است، به‌ویژه در مورد اعتراض‌های کنیا. گفتن این که چه کارهایی انجام خواهد شد در دادگاه فایده‌ای ندارد. اعتراض تنها با نشان دادن اقدام‌هایی که در جریان است یا انجام شده است می‌تواند موفق شود.

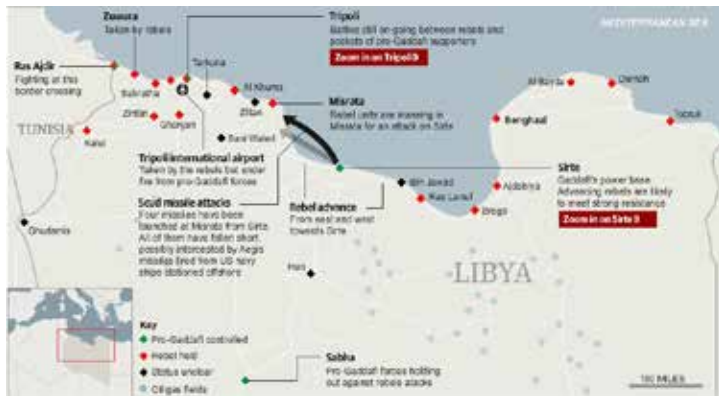
## چه نوع مدارک اثباتی نشان می‌دهد که حکومت در حال اقدام است؟

دادگاه بین‌المللی جزایی تعیین کرده است که مدارک باید نشان دهند که گام‌های مشخصی برای تحقیق یا پیگرد جرایم اتهامی برداشته شده یا در جریان است. اعتراض را نمی‌توان بر پایه‌ی «ادعای صرف» مطرح کرد. در پرونده‌های لیبی بحث‌های مفصلی در باره‌ی نوع اطلاعات مفید یا قابل اتکا در چنین شرایطی انجام شد. از یک سو، مشخص شد که کپی بخش‌هایی از پرونده‌های دادستان به‌واقع مفید هستند و می‌توان آن‌ها را معتبر دانست. برای مثال، روشن شد که خلاصه‌ی مدارکی که دادستان ملی تهیه کرده بود دارای ارزش اثباتی است، حتا با این که از لحاظ فنی آن‌ها بخشی از دعوای در جریان تکوین به شمار نمی‌رفتند.

در پرونده‌ی السنوسی، دادگاه مقدماتی همچنین نامه‌ای را از دادستان لیبی در نظر گرفت که گام‌های انجام شده در مورد تحقیقات مربوط به قذافی را برشمرده بود، از جمله و برای مثال این که مأموران تحقیق بیش از ۳۰ شهادت از شاهدان و گفت‌وگوهای تلفنی ضبط شده در اختیار داشتند. با وجود اینکه دادستانی هم‌پوشانی بالقوه در پرونده‌های قذافی و السنوسی را تشخیص داد، به این نتیجه رسید که این نامه به‌طور مستقیم کمکی به تحقیقات در پرونده‌ی السنوسی نمی‌کند.

در اعتراضی که ساحل عاج در پرونده‌ی گبایبو مطرح کرد، دادستانی به این نتیجه رسید که اسناد دولت نشان نمی‌دهند که تحقیقات گام‌های مشخص، ملموس و پیاپی را دنبال می‌کنند، بلکه تحقیقات «پراکنده و ناهم‌سان» است. دادگاه بین‌المللی جزایی حتا با بررسی تمامی اطلاعات نتوانست با وضوح کافی پرونده‌ی ملی را درک کند. دادگاه بین‌المللی جزایی همان نظری را که در پرونده‌ی قذافی اعلام کرده بود، تکرار کرد: «اگر حکومتی قادر نیست به روشنی نمای تحقیقات ملی خود را نشان دهد، نمی‌تواند ادعا کند که تعارض

صلاحیت با دادگاه بین‌المللی جزایی وجود دارد.»



نقشه - «تأرا می در لیبی: درگیری در طرابلس ادامه دارد،» ۲۶ آگوست ۲۰۱۱. (The Guardian)

به‌طور خلاصه، دادگاه بین‌المللی جزایی هر اطلاعاتی را که حکومت ارائه کند و ماهیت و کیفیت تحقیقات ملی را روشن‌تر کند، بررسی می‌کند. این واقعیت که اطلاعات ممکن است به‌طور مشخص برای اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه تهیه شده باشد، آن را بی اعتبار نمی‌کند. به همین ترتیب، خلاصه‌ی مصاحبه‌ها به جای کپی کامل آن‌ها می‌تواند با ارزش باشد. مسأله برای دادگاه بین‌المللی جزایی این است که آیا معتقد است این اطلاعات با وضوح کافی به روشن شدن نمای پرونده‌ی ملی و گام‌های مشخص حکومت برای تکوین آن کمک می‌کند یا نمی‌کند.

## چه زمانی می‌توان اعتراض را مطرح کرد؟

ماده‌ی ۱۹(۴) اساسنامه‌ی رُم می‌گوید فقط یک بار و پیش از آغاز محاکمه می‌توان اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه را مطرح کرد. در شرایط استثنایی یا پس از آغاز محاکمه یا در صورتی که مطرح شود که متهم به‌خاطر همان مسایل محاکمه شده، دادگاه بین‌المللی جزایی می‌تواند بیش از یک بار اعتراض را اجازه دهد.

ماده‌ی ۱۹(۵) اضافه می‌کند که اعتراض دولت باید در «اولین فرصت» انجام شود. (این شرط برای متهم ضروری نیست.)

مقررات مربوط به زمان اعتراض پرسش‌های جالبی را به‌ویژه برای دولت‌ها

مطرح می‌کنند. نخستین پرسش این است: چه زمانی دعوا برای دولت به اندازه‌ی کافی روشن می‌شود که بتواند اعتراض کند؟ و اولین فرصت چه زمانی است؟

در مورد پرونده‌های کنیا که رئیس جمهور کنونی و معاون رئیس جمهور (کنیاتا و روتو) در آن‌ها درگیر بودند، دادگاه تجدید نظر به این نتیجه رسید که اگر دولتی «زودهنگام» اعتراض کند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد در مرحله‌ی دیرتری فرصت برای اصلاح اعتراض خود را دریافت کند.

### جدول زمانی مربوط به کنیا جالب است:

دادگاه مقدماتی اجازه‌ی آغاز تحقیقات را به دادستانی می‌دهد	۳۱ مارچ ۲۰۱۰
دادگاه مقدماتی با اکثریت آرا تصمیم به احضار مظنون‌ها به دادگاه بین‌المللی جزایی می‌گیرد	۸ مارچ ۲۰۱۱
کنیا اعتراض به قابلیت طرح در دادگاه را ارائه می‌کند	۳۱ مارچ ۲۰۱۱
دادگاه مقدماتی در باره‌ی درخواست کنیا رأی می‌دهد	۴ آپریل ۲۰۱۱
کنیا مطالب بیشتری در پشتیبانی از اعتراض خود ارائه می‌دهد	۲۱ آپریل ۲۰۱۱
طرف‌های دیگر، از جمله دادستانی، به اعتراض کنیا پاسخ می‌دهند	۲۸ آپریل ۲۰۱۱
کنیا پاسخ می‌دهد	۱۳ مه ۲۰۱۱
دادگاه مقدماتی رأی به ردّ اعتراض کنیا می‌دهد	۳۰ مه ۲۰۱۱

محور اصلی اعتراض کنیا به مسایل مظنون مشابه/اعمال مشابه مربوط بود و در صفحه‌های ۵۷ - ۵۶ این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. اما، دادگاه بین‌المللی جزایی این استدلال را ردّ و تکرار کرد که اعتراض باید نشان دهد که دعوای مشابه در سطح ملی در دست تحقیق است. اعتراضی که چنین اطلاعاتی را ارائه نکند، از امکان موفقیت برخوردار نیست. این واقعیت که کنیا تصمیم گرفت پیش از برداشتن گام‌هایی برای تحقیق در باره‌ی مشابهت دعوا، به قابلیت طرح در دادگاه اعتراض کند، انتخاب خود این کشور بود و نمی‌توانست از دادگاه بین‌المللی جزایی انتظار چاره‌جویی داشته باشد. دادگاه تجدید نظر در همان رأی ملاحظه کرد که پس از صدور حکم جلب، وضوح بیشتری وجود دارد و روشن است که دولت برای موفقیت در اعتراض چه چیزهایی را باید ثابت کند. اما این موضوع کاملاً سراسر نیست. در چندین مورد، دادگاه بین‌المللی جزایی با درخواست دادستانی، از لحاظ



اتهام‌ها یا مظنون‌ها، موافقت نکرده است. بنابراین، دست‌کم می‌توان گفت که دعوا آن چیزی نیست که دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی می‌گوید بلکه آن چیزی است که قاضی‌ها می‌گویند.

قاضی‌های دادگاه بین‌المللی جزایی نه‌تنها در باره‌ی تعیین موارد صدور حکم دستگیری نظر می‌دهند، بلکه در مراحل بعدی در هنگام تأیید رسیده‌گی به اتهام‌ها جزییات مشخص دعوا را تعیین می‌کنند. در پرونده‌ی کالیکسته مباروشیماننا از جمهوری دموکراتیک کنگو، متهم در فرانسه دستگیر و در ژانویه ۲۰۱۱ به دادگاه بین‌المللی جزایی منتقل شد. او یازده ماه بعد که دادگاه حاضر نشد اتهام‌های او را تأیید کند، آزاد شد. (هم‌چنانکه پیش‌تر ملاحظه شد، دادگاه کلیتِ چهار دعوا را در مرحله‌ی تأیید اتهام‌ها رد کرده است.)

اگر جمهوری دموکراتیک کنگو می‌خواست به پرونده‌ی مباروشیماننا اعتراض کند، اولین فرصت برای این کار چه زمانی بود؟ وقتی حکم بازداشت صادر شد؟ وقتی او نخستین بار در سالن دادگاه بین‌المللی جزایی حاضر شد؟ یا در زمان رسیده‌گی به تأیید اتهام؟ با توجه به موضع دادگاه تجدید نظر در باره‌ی مواردی که نهاد ملی بایستی تحقیق کند تا نشان دهد که پرونده‌اش «به میزان کافی بازتاب» پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی است، پاسخ به این سؤال آسان نیست.

میتوان گفت که دولت به محض اطلاع از تحقیق دادستانی که با درخواست برای حکم دستگیری مشخص می‌شود، بایستی دعوا را مطرح کند. اما آیا صرف وقت و منابع برای تحقیق در باره‌ی وقایعی که به تصمیم قاضی‌های دادگاه مقدماتی نبایستی بخشی از دعوی جاری باشد، کار عاقلانه‌ای است؟ می‌توان استدلال کرد که دولت‌های دوراندیش، تا زمان تأیید اتهام‌ها که پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی دقیقاً مشخص خواهد شد، نبایستی به قابلیت طرح در دادگاه اعتراض کنند.

مسأله‌ی ماهیت فرصتی که در اختیار دولت برای اعتراض قرار می‌گیرد باز در پرونده‌ی سیمون گباگو پیش آمد. اعتراض اولیه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲ مطرح شد و دادگاه مقدماتی اجازه داد در تاریخ‌های ۲۵ فوریه ۲۰۱۴ و ۱۰ اکتبر ۲۰۱۴ اظهارات بیشتری مطرح شود.

هم در پرونده‌ی قذافی و هم در پرونده‌ی سیمون گباگو، دولت مورد نظر از فرصت زیادی برای ارائه‌ی اطلاعات مشروح در باره‌ی ماهیت دادرسی ملی جاری برخوردار شد. شاید دلیل این که این دولت‌ها زمان بیشتری از کنیا دریافت کردند این واقعیت بود که آن‌ها شخص مورد پیگرد را در بازداشت

داشتند و دست کم نشانه‌ای از وجود دادرسی بالقوه مرتبط با دعوا وجود داشت. هیچ یک از این نشانه‌ها در پرونده‌های کنیا آشکار نبود. هم‌چنانکه پیش‌تر گفته شد، با وجود زمان زیادی که در اختیار لیبی و ساحل عاج قرار گرفت، هیچ یک از این دو کشور نتوانست دادگاه را قانع کند که دعوی مشابهی در دست تحقیق است. در مورد لیبی، مدارک از وضوح و ارزش اثباتی برخوردار نبودند (در اصل، نه اطلاعات از نوع درستی بود و نه اطلاعات روشن و کافی ارائه شد). در مورد گابو، اشکال روشنی یا وزن اطلاعات نبود، بلکه نشانه‌ای از گام‌های مناسب دولت در دست نبود.



## دادستان‌های ملی بایستی چه کار کنند؟



بازپرسان نظامی و غیرنظامی کنگویی در کنفرانسی که مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در گما، در شمال کی‌وو برای بحث در باره‌ی راه‌برد ملی برای پیگرد جنایت‌های بین‌المللی در دادگاه‌های ملی برگزار کرد، ۲۶ جون ۲۰۱۵ (ICTJ)

در این بخش به بهترین رویافت برای دادستان‌های ملی در پرداختن به جنایت‌های مهم که احتمالاً مورد توجه دادگاه بین‌المللی جزایی هستند، نگاهی کوتاه می‌اندازیم.

نخستین نکته‌ای که باید ملاحظه کرد این است که دادستان‌های ملی در مراحل پیش از آغاز تحقیقات دادستانی به میزان بسیار بیشتری بر موارد تحقیق کنترل دارند. هم‌چنانکه پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت، زمانی که تحقیقات دادگاه بین‌المللی جزایی آغاز شود، پرونده در سطح ملی باید مواردی را که دادستانی تصمیم به پیگیری گرفته با دقت دنبال کند تا بتواند به غیرقابل طرح بودن آن در دادگاه دست یابد.

اما برای این که دادگاه بین‌المللی جزایی راضی شود که نیازی به آغاز تحقیقات نیست، لازم است ثابت شود که جنایت‌های مهم تحت صلاحیت دادگاه مورد تحقیق قرار می‌گیرند یا گرفته‌اند و آن تحقیقات نه‌تنها به اشخاص رده‌پایین و رده‌متوسط بلکه به مسؤولان بلندپایه و صاحبان نفوذی نیز توجه دارد که به‌طور منطقی می‌توان دارای بیشترین مسؤلیت در جنایت‌ها توصیف کرد. برای این که انجام این کار متقاعد کننده باشد، چند گام زیر می‌تواند کمک کند.

**۱) از آنجا که دادستان با دعوای و مظنون‌های بالقوه‌ی بسیار زیادی سروکار خواهد داشت، او باید در اکثر موارد نقشه‌ای ترسیم کند تا مقیاس و ماهیت جرایم اتهامی، مکان و زمان وقوع آن‌ها را درک کند و ببیند آیا نقشه‌نگاری امکان نتیجه‌گیری در باره‌ی گروه‌هایی را که احتمالاً در اعمال مورد نظر شرکت کرده‌اند، می‌دهد یا خیر. (در عمل، لازمه‌ی این کار تصمیم‌گیری رهبری نهاد دادستانی، مثل دادستان کل، در باره‌ی خط‌مشی است.)**

**۲) نقشه‌نگاری در وهله‌ی نخست و پیش از هر چیز ابزاری برای تعیین روش توجه به مقیاس جنایت‌های مورد نظر است. لازم نیست اطلاعات مورد استفاده در نقشه‌نگاری موازین حقوقی را برآورده کند. این نقشه سند کاری داخلی برای کمک به تصمیم‌گیری است. با وجود این، اطلاعات باید بر منابع قابل اعتماد متکی باشد که مطبوعات، سازمان‌های غیردولتی، کمیسیون‌های تحقیق و شکایت‌ها و غیره ممکن است از جمله آن‌ها باشند.**

۳) دادستان باید بتواند برنامه‌ی کاری بر اساس نقشه‌نگاری تنظیم و حوزه‌های اولویت در تحقیقات را شناسایی کند. در حالت مطلوب، سندی کاری بایستی قابل تهیه باشد که یافته‌های نقشه‌ی ترسیمی را (به‌طور کلی) و دلیل تصمیم به اولویت دادن به خطوط مشخص در تحقیق، انواع دعوای یا انواع مظنون‌ها را توضیح دهد.

۴) هیچ قاعده‌ای برای تصمیم‌گیری دادستان در اولویت دادن به انواع دعوای یا انواع مظنون‌ها وجود ندارد، اما دادگاه بین‌المللی جزایی در پرونده‌هایی که به جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت یا نسل‌کشی مربوط نمی‌شوند، دخالت نخواهد کرد. همچنین در پرونده‌هایی که در اکثر موارد به دارنده‌گان بیشترین مسوولیت توجه ندارند، دخالت نخواهد کرد. در صورتی که دادستان ملی مشخص نکند که به این مسایل توجه شده است، کار او در کمک به دادستانی برای تصمیم‌گیری در باره‌ی عدم آغاز تحقیقات ارزش چندانی نخواهد داشت. نمونه‌ای از نوع سندی که می‌تواند مفید باشد دستور اجرایی است که دادستان کل کلمبیا در سال ۲۰۱۲ صادر کرد و معیارهای او برای اولویت دادن به انواع مشخصی از تحقیقات و پایه‌ی تدوین آن‌ها را شرح می‌داد.

۵) دادستان باید نیروی کار قادر به تحقیقات را تشکیل دهد. این کار پس از نقشه‌نگاری و تنظیم برنامه‌ی کار بر اساس معیارهای قابل دفاع‌گزینش (احتمالاً با گنجاندن کانون توجه دادستانی، برای مثال، در باره‌ی شمار قربانیان، ماهیت جنایت، هر گونه شرایط تشدیدکننده و تأثیر جنایت‌های مورد نظر) انجام می‌شود.

۶) تحقیقات باید ارتباط ارتکاب جنایت را بین کسانی که مرتکب آن شده‌اند و کسانی که برنامه‌ریزی کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند نشان دهد. تجربه نشان می‌دهد که نهاد ملی دادستانی به ندرت برای تحقیق در باره‌ی وقایعی به‌کار گرفته می‌شود که شکلی از جنایت سازمان‌یافته هستند. طبیعت جنایت سازمان‌یافته هم تقسیم کار و هم ایجاد ابهام در باره‌ی نقش مقام‌های بالاتر در ساختار است. این تحقیقات اغلب نه‌تنها پیچیده‌تر از تحقیقات عادی هستند و ره‌یافت به‌ویژه فعال و خلاق را ضروری می‌کنند، بلکه این واقعیت که قدرت‌مندان ممکن

است در میان مظنون‌ها باشند، بدین معناست که به علت ترس یا تهدید، ممکن است اشتیاق به توجه به مسایل محدود باشد.

۷) تیمی که در باره‌ی این نوع از جنایت سازمان‌یافته (گاهی با عنوان جنایت‌های سیستمی) تحقیق می‌کند باید شجاع و دست‌کم در داخل نهاد دادستانی، از پشتیبانی سیاسی برخوردار باشد. این تیم باید از لحاظ فنی توانمند باشد تا بفهمد چگونه در باره‌ی مسایل پیچیده تحقیق و خطوط متفاوت تحقیق را تدوین کند و بر تلاش‌ها برای ایجاد مانع بر سر راه تحقیقات چیره شود.

۸) مأموران تحقیق در حین تحقیق در باره‌ی جنایت‌های سازمان‌یافته، مثل جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت، باید بسیار فراتر از توضیح صرف رویدادها در صحنه‌ی جنایت بروند. نقش مأموران تحقیق و دادستان در بسیاری از مواقع توضیح روش کار دستگاه عملیات است و نه فقط نتایجی که به بار آورده است.

۹) مأموران تحقیق باید اطلاعات و تحلیل‌های کمکی تولید کنند که نشان دهد: گروه یا سازمان‌چه ساختاری داشته است؛ اعضای آن چگونه با هم ارتباط می‌گرفتند؛ دستورها چگونه منتقل می‌شد؛ چه امکانات تدارکاتی در اختیار داشتند؛ گزارش عملیات چگونه به بالای سلسله‌مراتب فرماندهی می‌رسید؛ چه نوع مهمات و موادی در اختیار داشتند، چگونه آن‌ها را دریافت و توزیع می‌کردند؛ چه نوع انضباطی در داخل ساختار وجود داشت؛ آیا اطلاعاتی از نقض انضباط داخلی در دست بود؛ آیا ناقضان مجازات می‌شدند؛ و در صورت وجود، مدارک مربوط به جزییات فرماندهی و انضباط.

۱۰) طیف مسایلی که باید مورد تحقیق قرار گیرد از محل به محل تفاوت می‌کند، اما نکته در اینجاست که بررسی طیف گسترده‌ای از مسایل، امکان درک ساختار، امور مربوط به فرماندهی و کنترل و نیز برنامه‌ها و عملیات مشخص را به مأموران تحقیق می‌دهد. این کار حتا زمانی که مظنون‌ها همکاری نکنند یا بکوشند در راه تحقیقات مانع ایجاد کنند، به مأموران تحقیق امکان می‌دهد به یک رشته نتیجه‌گیری‌های مهم دست یابند. این کار همچنین طیف

تأمین‌کنندگان بالقوه‌ی اطلاعات را فراتر از کسانی گسترش می‌دهد که مظنون‌ها می‌توانند به سادگی شناسایی و کنترل کنند.

۱۱) کلیه‌ی این ایده‌ها آن چیزی را تشکیل می‌دهند که گاهی از آن‌ها به‌عنوان نوعی از تحقیقات هوش‌مندانانه یاد می‌شود. این تحقیقات فقط بر همکاری مظنون‌ها و شاهدان عینی اتکا ندارد بلکه بر اساس تصویری از ساختار از طریق فرایندی بسیار پیچیده‌تر و فعال‌تر بنا می‌شود.

۱۲) تدارک چنین تیمی الزاماً دشوار یا به‌شدت پرهزینه نیست. انجام تحقیقات بسیار مؤثر با تیم‌های به‌نسبت کوچک امکان‌پذیر است. تیم‌های تحقیقات دادستانی اغلب تعداد انگشت‌شماری وکیل دادگستری و ۱۰-۱۵ مأمور تحقیق در اختیار دارند. مسأله، داشتن افراد مناسب با پشتیبانی درست است که برنامه‌ی عمل روشنی را بر اساس درکی دقیق از نوع تحقیق مورد نیاز دنبال کنند.



دادگاه عدالت و صلح در دادگاه عالی کلمبیا در بوگوتا خوزه بارنی ولوزا گارسیا<sup>۱</sup> (با نام مستعار «H.H.»)، فرماندهی شبه‌نظامی «نیروهای متحد دفاع از خود» کلمبیا را به‌خاطر سربازگیری غیرقانونی از میان کودکان، قتل اشخاص مورد محافظت، ناپدیدکردن قهری، شکنجه‌ی اشخاص مورد محافظت و اعمال

---

1. José Barney Veloza García



دیگر، مقصر شناخت، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۳. (ICTJ)  
در حدی که دادستان ملی بتواند نشان دهد که نقشه‌نگاری انجام شده، فرایند اولویت‌بندی یا گزینش دنبال شده و تیمی از مأموران تحقیق آموزش‌دیده و توان‌مند خطوط تحقیق تعیین شده در آن فرایندها را دنبال می‌کند، در موقعیت بسیار قوی‌تری خواهد بود تا بتواند دادگاه بین‌المللی جزایی را قانع کند که نیازی به آغاز تحقیقات نیست. البته در نهایت، این کار بسته‌گی به نتایج مؤثر آن فرایندها خواهد داشت. اما دست یافتن به نتایج مؤثر در صورت در نظر گرفتن گام‌های بالا محتمل‌تر است.

\* بخش اعظم آن‌چه در بالا شرح داده شد با جزئیات بیشتری در سندی آمده که پُل سایلز و ماریکه ویردا<sup>۱</sup> برای دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل با عنوان «ابزار حاکمیت قانون برای کشورهای پسادرگیری» (۲۰۰۵) نوشته‌اند و آن را می‌توان در این نشانی دریافت کرد:

[www.ohchr.org/Documents/Publications/  
RuleoflawProsecutionsen.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Publications/RuleoflawProsecutionsen.pdf)

بخش ده

## جامعه‌ی مدنی بایستی چه کار کند؟



زنان مایا لکسیل در دادگاه خطرهای بزرگ در گواتمالا، به محاکمه‌ی دیکتاتور نظامی پیشین  
گواتمالا خوزه افرین ری‌یوز مُنت به‌خاطر نسل‌کشی و جنایت‌های ضدّ بشریت گوش فرا  
می‌دهند، آوریل ۲۰۱۱. (James Rodriguez/Mimundo.org)

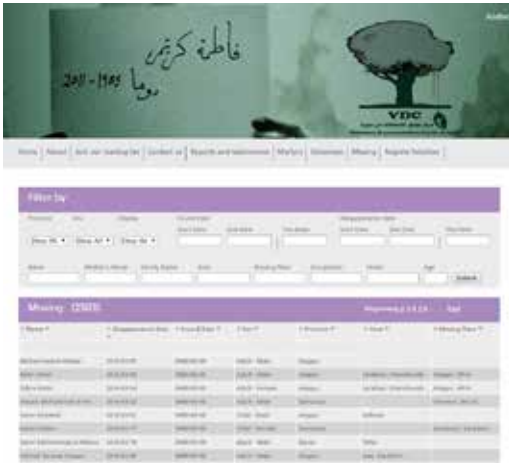
سازمان‌های جامعه‌ی مدنی می‌توانند نقشی حیاتی در پیگیری عدالت برای جنایت‌های مهم بازی کنند، اما ممکن است در ره‌یافت خود با توجه به نظام حقوقی مورد نظر تفاوت‌هایی داشته باشند. سنت‌های حقوق مدنی بیش از سنت‌های حقوق عرفی به قربانیان امکان ایفای نقش فعال‌تر در تحقیقات، پیگرد و محاکمه از طریق نماینده‌گان‌شان می‌دهند. تجربه نشان می‌دهد که حتی در نهادهای قضایی ملی که دارای حُسن نیت نسبی هستند، مثل پلیس یا دادستانی، بدون کمک قابل‌ملاحظه‌ی سازمان‌های جامعه‌ی مدنی (و گاهی فشار آنها) امکان پیشرفت کم است.

## ثبت موارد نقض حقوق بشر

سازمان‌ها می‌توانند در گردآوری اطلاعات در باره‌ی اتهام‌های نقض حقوق بشر کمک کنند. به‌خاطر پیچیدگی پرونده‌هایی که احتمالاً در باره‌ی جنایت‌های اصلی مطرح خواهد شد، این سازمان‌های بایستی سعی کنند به شماری از مسایل توجه کنند.

نخست، آن‌ها باید اطلاعات را تا حد امکان به شکلی سازمان‌یافته گردآوری کنند. فهرست‌های مفصل اتهام‌ها مفید است، اما هر قدر این فهرست‌ها کمتر سازمان‌یافته باشند، احتمال استفاده از آن‌ها کمتر است. این سازمان‌های باید برای درک سیستم‌ها و ساختارهایی که احتمالاً مسؤول ارتکاب جنایت‌های بوده‌اند، کوشش کنند. اگر آن‌ها بتوانند چنین اطلاعاتی را ارائه کنند، می‌توانند به جهت‌گیری مسؤولان ملی و شاید شناسایی کارشناسان برای کمک در تحقیقات یاری برسانند. این کار همچنین روش مهمی برای در هم شکستن ترس بالقوه‌ی مسؤولان ملی از نهادهای قدرت‌مندی مثل ارتش است.

در عین حال، این سازمان‌ها باید درکی از مسأله‌ی الگوی اعمال به دست آورند. این الگوها به مکان، فراوانی و روش‌ها یا ویژگی‌های (روش عملیاتی)<sup>۱</sup> یک حمله یا واقعه ربط دارند. اگر اطلاعات موجود نشان دهد که الگویی واقعی وجود داشته، گاهی ارائه‌ی هر چه پرمایه‌تر آن مفید خواهد بود. این کار دست کم نیروهای تحقیق‌گر را ملزم می‌کند فرضیه‌ای را بپذیرند و حتی آن را پیگیری کنند.



عکسی از صفحه‌ی  
وبسایت مرکز ثبت اسناد  
در سوریه که از آپریل  
۲۰۱۱ تقض حقوق بشر  
در سوریه را ثبت کرده  
است.

البته، میزان تدوین تحقیقات و تحلیل پرمایه‌ی گروه‌های جامعه‌ی مدنی به منابع آن‌ها بسته‌گی دارد، اما سازمان‌های جامعه‌ی مدنی نقش قابل توجهی در پیدایش فعالان اصلی عدالت کیفری بازی کرده‌اند. در گواتمالا، کلودیا پاز ئی پاز<sup>۱</sup> دادستان کل مسؤؤل نظارت بر پیگرد دیکتاتور پیشین خوزه افرین ری یوز منت<sup>۲</sup> به‌خاطر نسل‌کشی، سالیان طولانی در سازمانی غیردولتی (یک اندیش‌کده) در سطح ملی فعالیت کرده بود. در پرو، یکی از دادستان‌ها در محاکمه‌ی رئیس جمهور پیشین آلبرتو فوجی موری<sup>۳</sup> تجربه‌ی قابل ملاحظه‌ای در سازمان‌های غیردولتی در این کشور داشت.

## نماینده‌گی قربانیان

سازمان‌های جامعه‌ی مدنی اغلب موقعیت مهمی در برخورداری از اعتماد قربانیان دارند. تقریباً همه‌ی آن‌ها به قربانیانی که نماینده‌شان هستند بسیار جدی نگاه می‌کنند و احترام می‌گذارند. پرونده‌هایی که این سازمان‌ها به عهده می‌گیرند یا در آن‌ها دخالت می‌کنند، پرونده‌های قربانیان است نه پرونده‌های خود سازمان‌ها. وجود اعتماد و اطمینان بین قربانیان و سازمان‌ها بسیار مهم است. این به معنای ارتباط درست و پرهیز از گرفتن تصمیم در باره‌ی راه‌بردهای مربوط به دعوا بدون توافق آگاهانه‌ی قربانیان است.

1. Claudia Paz y Paz
2. José Efraín Ríos Montt
3. Alberto Fujimori



مردم جامعه‌ی گرانادا،  
آنتی‌کیا، در کلمبیا، عکس‌های  
عزیزان گم‌شده یا کشته‌شده‌ی  
خود را در «سالن دوباره  
هرگز»<sup>۱</sup> نصب می‌کنند، ۲۰۱۳.  
(ICTI)

سازمان‌هایی با منابع بیشتر، در صورت رفع تقابل منافع، می‌توانند گاهی به مسؤوَلان تحقیق و پیگرد کمک فنی ارائه کنند. این کار می‌تواند به شکل ایجاد امکانات و فرصت‌های آموزشی باشد. تجربه نشان می‌دهد که آموزش بایستی به جنبه‌های فنی کار جاری توجه کند: چگونه باید پرونده را تکمیل کرد، چگونه تحلیل کرد، چگونه مدارک را حفظ کرد و چگونه پرونده‌ای را فعالانه و بدون واکنش منفعلانه تدوین کرد، چگونه مدارک را به بهترین نحوی در محاکمه ارائه کرد.

## دادخواهی، کمپین و جلب پشتیبانی

سازمان‌های جامعه‌ی مدنی همچنان می‌توانند با استفاده از روش‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی کمک و پشتیبانی مؤثری در سطح ملی و بین‌المللی فراهم کنند. این کار شامل فعالیت برای جلب حمایت همکاران بین‌المللی و نیز سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

## جامعه‌ی بین‌المللی بایستی چه کار کند؟



فعالان برجسته‌ی بین‌المللی از بخش‌های قضایی، حاکمیت قانون و توسعه در سومین «کنفرانس گرین تیری در باره‌ی اصل تکمیلی بودن» به میزبانی مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی در نیویورک گرد آمدند، ۲۶ - ۲۵ اکتبر ۲۰۱۲ (ICTJ).

مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی با حمایت دانمارک، آفریقای جنوبی، برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل و سوئد، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ شماری کنفرانس بین‌المللی را با هدف درک بهتر از نقش دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در پشتیبانی از دادرسی‌ها ملی برگزار کرد. در این کنفرانس‌ها نماینده‌گان بسیاری از کشورها و سازمان‌ها شرکت داشتند. (گزارشی از این فعالیت در بخش مطالعه‌ی بیشتر آمده است.)

شماری از مسایل محوری مطرح در نشست‌های مختلف بین‌المللی با تداوم تشکیل این نشست‌ها در آبیجان و کینشازا در سال‌های اخیر با توجه بیشتر به جنبه‌ی محلی تقویت شده‌اند. مسایل زیر از جمله مسایل اصلی هستند:

- ضرورت انجام ارزیابی به‌موقع و جامع نیازها برای شناسایی مسایل مهارتی و ساختاری که باید مورد توجه قرار گیرند
- حداکثر ممکن هماهنگی بین حامیان مالی بین‌المللی برای اطمینان از این که کشورهای گیرنده در حدی زیر فشار نباشند که نتوانند کمک‌ها را جذب کنند یا در موقعیت دشواری قرار نگیرند که کمک‌های مشابه از منابع مختلف به آن‌ها پیشنهاد شود
- ضرورت اطمینان‌یابی از این که ابتکارهای ظرفیت‌سازی از محور درست برخوردار و قابل تداوم باشند
- اطمینان‌یابی از این که توجه به جنایت‌های مهم گذشته بخشی از تعهد گسترده‌تر به برقراری اعتماد دوباره به حاکمیت قانون به‌طور کلی در کشور را تشکیل می‌دهد. لازمه‌ی این کار اطمینان‌یابی از این است که انجام فعالیت در باره‌ی حاکمیت قانون به‌طور تصنعی به‌عنوان پروژه‌ای صرفاً آینده‌نگر نباشد، بلکه ایجاد اعتماد به حاکمیت قانون به معنای توجه به جنایت‌های گذشته است
- حداکثر توجه مثبت به مسأله‌ی اراده‌ی سیاسی با دولت‌های علاقه‌مند و ارائه‌ی پشتیبانی در کشورهایی که دشواری‌هایی در پیش‌برد دعوای دیده شده است. ملاحظه شد که ارائه‌ی کمک «توسعه‌ای» همیشه کافی نیست، بلکه گاهی نوعی از تشویق سیاسی ممکن است به کار آید
- حکومت‌ها و سازمان‌ها اهمیت اولویت‌دهی به دعوای در کشورهای دارای منابع محدود را تشخیص داده‌اند. از آنجا که فقط به شمار محدودی از دعوای می‌توان پرداخت، نه تنها مهم است که دولت‌هایی که در باره‌ی پرونده‌ای تحقیق می‌کنند بدانند چگونه

باید فرایندهای اولویت‌بندی را تنظیم کنند، بلکه کشورهایی که علاقه‌مند به پشتیبانی از آن‌ها هستند این فرایندها را بفهمند و از آن‌ها حمایت کنند.

کشورهای زیادی از طریق شکل‌های مختلف کمک بین‌المللی و توسعه نفع مستقیمی در مشاهده‌ی استفاده‌ی درست از پول خود دارند. دولت‌های زیادی با دست‌ودلبازی به برنامه‌های حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت کمک می‌کنند. کشورها مشکلی در ارائه‌ی پشتیبانی از تقویت نظام قضایی آینده‌نگر ندارند. آن‌ها گاهی کمتر میل به سرمایه‌گذاری در تلاش برای پرداختن به فجایع گذشته دارند، به‌ویژه در صورتی که در روابط دیپلماتیک و سیاسی نزدیک با افرادی قرار داشته باشند که ممکن است در موارد نقض حقوق بشر در گذشته دست داشته‌اند.

مهم است که دولت‌ها موضعی داشته باشند که خط هماهنگی را در حاکمیت قانون از گذشته تا زمان حال و آینده دنبال کند. ما نمی‌توانیم از مردم انتظار داشته باشیم به نظام ملی خود اعتماد داشته باشند درحالی‌که تجربه‌ی اصلی آن‌ها از نظام‌شان ارتکاب جنایت‌های عظیم یا قصور از تضمین حقوق آن‌ها است. مهم است که دولت‌ها در نظام قضایی‌شان سرمایه‌گذاری زیادی کنند و از تلاش برای توجه به موارد نقض نظام‌مند حقوق بشر در گذشته و نیز ضرورت‌های کنونی و آینده حمایت کنند.

این که این کار را چگونه می‌توانند انجام دهند در موارد مختلف متفاوت است. این کار ممکن است شامل انتقال کارکنان واجد شرایطی باشد که شرایط و رسم‌های محلی را به خوبی درک کنند. همچنین ممکن است از طریق کمک مالی یا فنی به روش‌های محدودتر این کار را انجام دهند.

دولت‌هایی که حمایت ارائه می‌کنند باید اطمینان یابند که هماهنگی برقرار باشد، دوباره کاری (یا نظام موازی ایجاد) نشود و پیامی که می‌دهند اغتشاش ایجاد نکند. در این زمینه، هماهنگی با سازمان‌های جامعه‌ی مدنی مفید است. نمونه‌های بالقوه مثبتی از کشورهایی وجود دارد که با هم برای تدوین برنامه‌های هدف‌مند کمک به نظام قضایی به‌طور کلی همکاری می‌کنند. اوگاندا نمونه‌ی مثبتی از این برنامه را در بخش حقوق قضایی و نظم داشت، اما این برنامه به دلیل تردیدهای جدی در باره‌ی تعهد اوگاندا و شفافیت آن در انجام اقدام‌های مربوط به عدالت رو به زوال رفت. با وجود این، اصل موضوع خوب بود.





## دادگاه بین‌المللی جزایی بایستی چه کار کند؟



تیم توسعه‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی با رهبران دینی آچولی در گولو، اوگاندا، کارگاهی برای تقویت درک از اختیارات دادگاه و عرضی اطلاعات تازه در باره‌ی وضعیت شمال اوگاندا برگزار می‌کند، ۲۲ آوریل ۲۰۰۹. (ICC-CPI)

## پیگرد جنایتهای بین‌المللی / ۱۰۷

دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی در پرونده‌هایی که دولت‌های ملی دادرسی نمی‌کنند، دارای اختیار تحقیق و پیگرد است. به نظر نمی‌رسد دادستان از اختیار صریحی برای ارائه‌ی کمک فنی به دولت‌ها، یعنی کمک به توسعه‌ی مهارت‌های فنی آن‌ها برخوردار باشد. با وجود این، دادستانی در دوره‌ی دو دادستان که تاکنون داشته، اقدام‌هایی را در پیش گرفته که کمک فنی می‌نامد.

این موضوع که این کار استفاده‌ی مناسب یا معقولی از منابع است، قابل بحث است. جنبه‌ی مثبت آن این است که این کار می‌تواند به تقویت روابط و ایجاد شبکه‌ی مثبتی از افراد حرفه‌ای کمک کند و چهره‌ای از دادگاه بین‌المللی جزایی نشان دهد که با چهره‌ی آن به‌عنوان موجودی بیرونی که دولت‌ها را «دائم کنترل می‌کند» متفاوت است.

از سوی دیگر، با توجه به نبودِ اختیارات صریح، منابع محدود و بار سنگین کار پرونده‌ها، شاید زمان و نیرو باید صرف تحقیقات و پیگرد در خودِ دادگاه بین‌المللی جزایی شود.

نمی‌توان بیش از حد در مورد این گونه مسایل تصّعی رفتار کرد. گاهی چنین اقدام‌هایی می‌تواند منافع یا توجیه خاصی داشته باشد. اما این نظر که دادگاه بین‌المللی جزایی بایستی در ظرفیت‌سازی سرمایه‌گذاری قابل‌ملاحظه‌ای انجام دهد درک اشتباهی از اختیارات دادگاه و واقعیت وقت و منابع آن است.

## نتیجه گیری



دادگاه خطرهای بزرگ در گواتمالا، دیکتاتور نظامی پیشین خوزه افرین ری یوز منت را به خاطر نسل‌کشی و جنایت‌های ضد بشریت علیه بومیان مایا لکسیل مقصر شناخت، ۱۸ آوریل ۲۰۱۳. دادگاه قانون اساسی گواتمالا بعداً این محکومیت را لغو کرد و محاکمه‌ی دوباره‌ی او در ژانویه ۲۰۱۵ آغاز شد. (Sandra Sebastián/Plaza Pública)

این کتاب زمینه‌ی پیدایش ایده‌ی دادگاه تکمیلی و اهداف آن را شرح می‌دهد. هدف اساسنامه‌ی رُم کمک به پایان یافتن معافیت از مجازات است. دادگاه بین‌المللی جزایی بخشی از این فرایند و آخرین خط دفاع آن است. نخستین خط دفاع نظام ملی عدالت است؛ یکی از عناصر مهمی که اساسنامه‌ی رُم هدف پشتیبانی و تقویت آن را دارد.

گذر زمان مسایل حقوقی را پیچیده‌تر می‌کند نه ساده‌تر. گاهی زمینه‌ها مشکلاتی را پیش می‌آورند که هیچ کس نمی‌توانست پیش‌بینی کند (مثل ارجاع پرونده‌ی لیبی و در پی آن قتل معمر قذافی) که به نوبه‌ی خود وکلای دادگستری و قاضی‌ها را ناگزیر کند در باره‌ی مسایل از چشمانداز شاید متفاوتی فکر کنند. همچنین مثل هر عهدنامه‌ی دیگر، مسایلی بعداً پدیدار می‌شود که ظاهراً درست در نظر گرفته نشده‌اند. برای مثال، محاکمه چه زمانی آغاز می‌شود؟ پرونده چه زمانی پرونده می‌شود؟ این مسایل در پیوند با تعیین زمان اعتراض به قابلیت طرح دعوا در دادگاه از اهمیت برخوردارند. پیش‌تر دیدیم که موضوعی که در اساسنامه مورد توجه قرار نگرفته بسیار مهم می‌شود: پرونده دقیقاً چه چیزی است و یک پرونده‌ی ملی تا چه میزانی باید شبیه پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی باشد؟ به‌ویژه، پرونده‌ی ملی تا چه میزانی باید همان وقایع مورد تحقیق دادگاه بین‌المللی جزایی را دنبال کند تا «به میزان کافی بازتاب» آن باشد؟ بعضی از این مسایل بسیار فنی هستند؛ ممکن است آن‌ها زیاد مورد توجه اشخاصی غیر از وکلا نباشند. اما درک آن‌ها به همه، به‌ویژه جامعه‌ی مدنی و دادستان‌های ملی، کمک می‌کند تا به مسایل واقعی توجه کنند.

برای این که تلاش‌های ملی مؤثر واقع شوند، تعدادی گام‌های به‌نسبت روشن وجود دارد که می‌توان برداشت تا جدیت نسبت به دادرسی‌های سطح بالا را نشان داد. این گام‌ها موارد زیر را در بر می‌گیرند: تشکیل تیم‌های مناسب، ترسیم نقشه‌ی جنایت‌های ارتكابی، انتخاب موضوع‌های درست برای تحقیق، حفظ ارتباطات مؤثر با قربانیان و مردم (برای جلب اعتماد آنها، ولی بدون ضربه زدن به فرض بی‌گناهی مظنون) و انجام تحقیقات مشخص، فعال و جسورانه. برای این اقدام‌ها الزاماً نیاز به صرف مبالغ زیاد نیست. هر قدر بینش دادستانی روشن‌تر باشد، جلب حمایت بین‌المللی برای این تلاش‌ها آسان‌تر خواهد بود.

در تحلیل نهایی، بهبود کیفیت تلاش‌های ملی در ۱۰ تا ۲۰ سال آینده تعیین‌کننده‌ی موفقیت کلی پروژه‌ی اساسنامه‌ی رُم خواهد بود. دادگاه بین‌المللی جزایی و موضوع قابلیت طرح دعوا در دادگاه امکان را برای

جامعه‌ی بین‌المللی فراهم می‌کنند تا از ادامه‌ی تلاش‌های دولت‌ها اطمینان حاصل کند و وقتی دولت‌ها سعی نکنند یا سعی‌شان واقعی نباشد، خود پا پیش بگذارد.

## منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر

### در باره‌ی معافیت از مجازات

- لوئی ژوانه، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و محافظت از اقلیت‌ها، *اجرای عدالت و حقوق بشر بازداشت‌شده‌گان*، E/CN.4/Sub.2/1997/20، ۲۶ جون ۱۹۹۷.

### در باره‌ی فرایند دو مرحله‌ای

- داریل رابینسون، «رازناکی اسرارآمیز اصل تکمیلی بودن»، هم‌اندیشی حقوق کیفری ۲۱ (۲۰۱۰)، [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1559403](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1559403)

### در باره‌ی پرونده‌ها و وضعیت‌ها

- راد راستان، «وضعیت و پرونده: تعریف شاخص‌ها»، در *دادگاه بین‌المللی جزایی و اصل تکمیلی بودن: از نظریه تا عمل*، دوره‌ی اول، به ویراستاری کارستن استان و محمد الزیدی (کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۱)، ۴۵۹-۴۲۱.

### در باره‌ی تلاش‌های دادرسی در سطح ملی

- دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل، «کارافزار حاکمیت قانون برای کشورهای پسادرگیری: ابتکارهای دادرسی» (۲۰۰۶)، [www.ohchr.org/Documents/Publications/RuleoflawProsecutionsen.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Publications/RuleoflawProsecutionsen.pdf)

### در باره‌ی نقش دادگاه بین‌المللی جزایی

- پُل سایلز، «برای موفقیت اصل تکمیلی بودن: به‌حداکثر رساندن نقش محدود دادستان‌ها»، در *دادگاه بین‌المللی جزایی و اصل تکمیلی بودن: از نظریه تا عمل*، دوره‌ی دوم، به ویراستاری کارستن استان و محمد الزیدی (کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۱)، ۹۸۹-۱۰۱۳.

- پُل سایلز، «کسب بیشترین نتیجه از بررسی‌های مقدماتی»، در *قانون و عمل کرد دادگاه بین‌المللی جزایی*، به ویراستاری کارستین ایستان (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۵).

### دادستانی و بررسی مقدماتی

- وبسایت دادگاه بین‌المللی جزایی کلیه‌ی گزارش‌های دادستانی را در باره‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه و بررسی مقدماتی را به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی منتشر کرده است، در اینجا:

[www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/structure%20of%20the%20court/office%20of%20the%20prosecutor/comm%20and%20ref/Pages/communications%20and%20referrals.aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/structure%20of%20the%20court/office%20of%20the%20prosecutor/comm%20and%20ref/Pages/communications%20and%20referrals.aspx)

### در باره‌ی نقش جامعه‌ی بین‌المللی

- مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی و برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، «پشتیبانی از اصل تکمیلی بودن در سطح ملی: ره‌یافت یک پارچه به حاکمیت قانون» (۲۰۱۱)،

[www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Global-Greentree-Two-Synthesis-Report-2011.pdf](http://www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Global-Greentree-Two-Synthesis-Report-2011.pdf)

- \_\_\_\_\_، «پشتیبانی از اصل تکمیلی بودن در سطح ملی: از نظریه تا عمل» (۲۰۱۲)،

[www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Report-Greentree-III-Synthesis-ENG-2012.pdf](http://www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Report-Greentree-III-Synthesis-ENG-2012.pdf)

- کارگروه عدالت انتقالی بخش عدالت قانون و نظم [اوگاندا]، «مشورت‌های رسمی صلاحیت کیفری در باره‌ی لایحه‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی در اوگاندا و بخش جنایت‌های جنگی دادگاه عالی: خلاصه‌ی کارگاه‌هایی که در انتبه، گولو، امبال و امبارارا برگزار شد، ۲۷ جولای ۲۰۰۹ - ۷ آگوست ۲۰۰۹» (۲۰۰۹).



## واژه‌نامه

**قابلیت طرح در دادگاه (Admissibility)** - در ماده‌های ۲۰ - ۱۷ اساسنامه‌ی رُم دادگاه بین‌المللی جزایی مورد توجه قرار گرفته است؛ این اصل تعیین می‌کند که آیا پرونده‌ای که در چارچوب صلاحیت قضایی (نگاه کنید در پایین) دادگاه بین‌المللی جزایی قرار دارد الزام‌های دیگری را برآورده می‌کند یا خیر؛ و به اصل تکمیلی بودن و فاحش بودن جرم می‌پردازد.

**دعوا / پرونده (Case)** - ترکیبی از اشخاص مظنون که در عمل مشخصی شرکت داشته‌اند.

**مسئولیت فرمانده (یا مافوق) (Command (or Superior) Responsibility)** - اشاره به نقش مافوق‌های نظامی (یا غیرنظامی) که در باره‌ی ارتکاب جنایتی جدی به دست یکی از زیردستان اطلاع داشته‌اند و با وجود توانایی اقدام، پیش از وقوع از جلوگیری از آن یا پس از وقوع از مجازات آن قصور کرده‌اند. (این مورد تفاوت دارد با امر که دستور ارتکاب جنایت را می‌دهد، آن را برنامه‌ریزی یا در آن مشارکت می‌کند).

**اصل تکمیلی بودن (Complementarity)** - زیرمجموعه‌ی قابلیت طرح در دادگاه است و مقررات حل‌وفصل «تعارض صلاحیت قضایی» را تعیین و معلوم می‌کند که دعوا بایستی در دادگاه‌های ملی یا در دادگاه بین‌المللی جزایی مورد دادرسی قرار بگیرد.

**اَعمال (Conduct)** - کاری که مظنون‌ها انجام می‌دهند و جنایت مورد اتهام محسوب می‌شود.

**تعارض صلاحیت قضایی (Conflict of Jurisdiction)** - زمانی پیش می‌آید که دو نظام قضایی مدعی داشتن حق دادرسی هستند.

**عوامل تشکیل‌دهنده (Contextual or Threshold Elements)** -

در مورد جنایت‌های جنگی باید نشان داد که جنایت در چارچوب درگیری بین‌المللی یا داخلی رخ داده یا در حد متناسب به درگیری ارتباط داشته است (پیوند). درگیری مسلحانه بیش از یک شورش یا خشونت پراکنده

است، اما سازمان‌دهی طرف‌های مخالف و تنش شدید تا حدودی در آن وجود دارد.

**جنایت‌های بزرگ (Core Crimes)** - جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی. (تا زمانی که کشورهای عضو دادگاه بین‌المللی جزایی مقررات مربوط به جنایت تجاوز به سرزمین را به اجرا نگذاشته‌اند، دادگاه نمی‌تواند به این جنایت رسیده‌گی کند.)

**مرتکب اصلی (Direct Perpetrator)** - شخصی که به‌طور مستقیم در ارتکاب جنایت شرکت می‌کند؛ به‌عنوان مثال با کشیدن ماشه.

**فاحش بودن جرم (Gravity)** - موضوع جرم باید به حدی مهم باشد که اقدام بیشتر دادگاه بین‌المللی جزایی را توجیه کند. برای وقایع جزایی نمی‌توان پرونده تشکیل داد.

**مرتکب غیرمستقیم (معاون) (Indirect (co-)perpetrator)** - شخصی که «در پشت سر» مرتکب اصلی فعالیت می‌کند؛ برای مثال، در برنامه‌ریزی یا دستور ارتکاب جنایت.

**دادستانی (Office of the Prosecutor)** - ارگان مستقل دادگاه بین‌المللی جزایی که مسوولیت بررسی، تحقیق و پیگرد را به عهده دارد.

**ارگان‌های دادگاه بین‌المللی جزایی [ (Organs [of the ICC)]** - ریاست، شعبه‌های مختلف دادگاه، دادستانی و دفتر ثبت دعواها.

**جنایت‌های بین‌المللی (International Crimes)** - جنایت‌های بزرگ نسل‌کشی، جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضد بشریت و نیز دزدی دریایی و قاچاق مواد مخدر را در بر می‌گیرد.

**صلاحیت قضایی (Jurisdiction)** - معیارهای مورد استفاده برای تعیین این که دادگاه بین‌المللی جزایی می‌تواند به موضوعی رسیده‌گی کند. سه اصل وجود دارد: (۱) جنایت پس از تاریخ معینی رخ داده باشد؛ (۲) مرتکب جنایت تبعه‌ی کشور عضو اساسنامه‌ی رُم باشد یا جنایت را (شخصاً) در محدوده‌ی

کشور عضو مرتکب شده باشد؛ ۳) جنایت (موضوع) یکی از جنایت‌های بزرگ باشد.

**جنایت‌های عادی (Ordinary Crimes)** - هر جنایتی به جز جنایت‌های بین‌المللی. به‌عنوان مثال، یعنی قتل و تجاوز، اما بدون این که اثبات **عوامل تشکیل‌دهنده‌ی نام‌برده** در بالا ضروری باشد.

**دادگاه مقدماتی (Pre-trial Chamber)** - شعبه‌ای از دادگاه بین‌المللی جزایی که به اکثر استدلال‌های اولیه‌ی مربوط به قابلیت طرح در دادگاه / اصل تکمیلی بودن رسیده‌گی می‌کند.

**بررسی مشابهت موضوع دعوا (Same-Case Test)** - برای این که موضوعی در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح باشد، صلاحیت قضایی ملی ملزم است ثابت کند که به موضوعی رسیده‌گی می‌کند که «به‌طور قابل ملاحظه‌ای بازتاب» دعوی مورد دادرسی در دادگاه بین‌المللی جزایی است. این بدین معناست که اعمال مورد توجه در پرونده‌ی ملی باید به‌طور اساسی همان اعمالی باشد که در پرونده‌ی دادگاه بین‌المللی جزایی از لحاظ مظنون‌ها و اعمال مشخص شده است.

**وضعیت (Situation)** - وضعیت مجموعه‌ای از دعوای ممکن است. دولت‌ها یا شورای امنیت سازمان ملل می‌توانند یک وضعیت را به دادستان ارجاع کنند اما نمی‌توانند به دادستان دادگاه بین‌المللی جزایی بگویند کدام دعوای خاص را مورد پیگرد قرار دهد.

**فرایند دو مرحله‌ای (Two-Step Process)** - نخستین پرسش مورد توجه در اصل تکمیلی بودن همیشه این است که آیا صلاحیت قضایی ملی در مورد دعوی مشابه دادرسی می‌کند یا خیر. در صورتی که نمی‌کند، دعوا در دادگاه بین‌المللی جزایی قابل طرح است. فقط در صورتی که همان دعوا مورد دادرسی باشد، در مرحله‌ی دوم این پرسش مطرح می‌شود که آیا دادرسی در سطح ملی واقعی است یا خیر. این کار با طرح پرسش‌های مشخص در باره‌ی تمایل و توانایی مقام‌های ملی برای تحقیق و پیگرد جنایت‌ها انجام می‌شود. (نگاه کنید به ماده‌ی (۱) ۱۷ اساسنامه‌ی رُم، صفحه‌ی ۴۸ این کتاب).

## پرونده‌های دادگاه بین‌المللی جزایی

در این کتاب به شماری از پرونده‌های دادگاه بین‌المللی جزایی اشاره شده است. کسانی که مایل هستند مشروح این پرونده‌ها را مطالعه کنند، می‌توانند در وبسایت دادگاه بین‌المللی جزایی به آن‌ها رجوع کنند.

### دادگاه مقدماتی ۱ – لوبانگا

دادستان علیه توماس لوبانگا دی‌یلو، دعوای شماره ۰۱/۰۶-۰۱/۰۴-ICC، رأی در مورد رأی ۱۰ فوریه ۲۰۰۶ دادگاه مقدماتی ۱ و الحاق اسناد به بایگانی پرونده علیه آقای توماس لوبانگا دی‌یلو، (۲۴ فوریه ۲۰۰۶)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc236260.PDF](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc236260.PDF)

دادستان علیه توماس لوبانگا دی‌یلو، دعوای شماره ۰۱/۰۶-۰۱/۰۴-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، حکم دستگیری، (۱۰ فوریه ۲۰۰۶)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc191959.PDF](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc191959.PDF)

### دادگاه تجدید نظر – لوبانگا

دادستان علیه توماس لوبانگا دی‌یلو، دعوای شماره ۰۱/۰۶-۰۱/۰۴-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در باره‌ی درخواست تجدید نظر آقای توماس لوبانگا دی‌یلو علیه رأی مربوط به اعتراض وکلای مدافع به صلاحیت دادگاه پیرو ماده‌ی (الف)(۲) ۱۹ اساسنامه تاریخ ۳ اکتبر ۲۰۰۶، (۱۴ دسامبر ۲۰۰۶)،

<https://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc243774.pdf>

### دادگاه مقدماتی ۱ – کاتانگا

دادستان علیه جرمن کاتانگا، دعوای شماره ۰۱/۰۷-۰۱/۰۴-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در باره‌ی مدارک و اطلاعاتی که دادستان برای صدور حکم دستگیری جرمن کاتانگا ارائه کرده است، (۶ جولای ۲۰۰۷)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc344056.PDF](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc344056.PDF)

### دادگاه تجدید نظر – کاتانگا

دادستان علیه جرمن کاتانگا و ماتيو انگوچولو چویی، دعوای شماره ICC-۰۱/۰۷-۰۱/۰۴، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر آقای جرمن کاتانگا علیه رأی شفاهی ۱۲ جون ۲۰۰۹ شعبه‌ی محاکمه ۲ در باره‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه، (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc746819.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc746819.pdf)

### دادگاه محاکمه ۳ – بمبا

دادستان علیه ژان-پییر بمبا گمبو، دعوی شماره ۰۱/۰۵-۰۱/۰۸-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در باره‌ی قابلیت طرح دعوا در دادگاه و سوءاستفاده از فرایند اعتراض، (۲۴ جون ۲۰۱۰)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc899684.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc899684.pdf)

### دادگاه تجدید نظر – بمبا

دادستان علیه ژان-پییر بمبا گمبو، دعوی شماره ۰۱/۰۵-۰۱/۰۸-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر آقای ژان-پییر بمبا گمبو علیه رأی ۲۴ جون ۲۰۱۰ شعبه‌ی محاکمه ۳ با عنوان «رأی در باره‌ی قابلیت طرح در دادگاه و سوءاستفاده از فرایند اعتراض»، (۱۹ اکتبر ۲۰۱۰)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc955029.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc955029.pdf)

### دادگاه مقدماتی ۲ – روتو

دادستان علیه ویلیام ساموئی روتو، هنری کیپرونو کسگو و جوشوا آراپ سانگ، دعوی شماره ۰۱/۱۱-۰۱/۰۹-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست دولت کنیا در اعتراض به قابلیت طرح دعوا در دادگاه پیرو ماده‌ی (ب)(۲) ۱۹ اساسنامه، (۳۰ مه ۲۰۱۱)،

[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1223118.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1223118.pdf)

### دادگاه تجدید نظر – روتو

دادستان علیه ویلیام ساموئی روتو، هنری کیپرونو کسگو و جوشوا آراپ سانگ، دعوی شماره ۰۱/۱۱-۰۱/۰۹-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر دولت کنیا علیه رأی ۳۰ مه ۲۰۱۱ دادگاه مقدماتی ۲ با عنوان «رأی در مورد درخواست دولت کنیا در اعتراض دولت کنیا به قابلیت طرح دعوا در دادگاه پیرو ماده‌ی (ب)(۲) ۱۹ اساسنامه»، (۳۰ آگوست ۲۰۱۱)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1223118.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1223118.pdf)

### دادگاه مقدماتی ۱ – گباگبو

دادستان علیه سیمون گباگبو، دعوی شماره ۰۱/۱۲-۰۲/۱۱-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد اعتراض ساحل عاج به قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه سیمون گباگبو، (۱۱ دسامبر ۲۰۱۴)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1882718.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1882718.pdf)

### دادگاه تجدید نظر – گباغبو

دادستان علیه سیمون گباغبو، دعوای شماره ۰۱/۱۲-۰۲/۱۱-ICC، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر ساحل عاج علیه رأی ۱۱ دسامبر ۲۰۱۴ دادگاه مقدماتی ۱ با عنوان «رأی در مورد اعتراض ساحل عاج به قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه سیمون گباغبو»، (۲۷ مه ۲۰۱۵)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1976613.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1976613.pdf)

### دادگاه مقدماتی ۱ – السنوسی

دادستان علیه سیف الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی، دعوای شماره ICC-01/11-01/11، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه عبدالله السنوسی، (۱۱ اکتبر ۲۰۱۳)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1663102.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1663102.pdf)

### دادگاه تجدید نظر – السنوسی

دادستان علیه سیف الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی، دعوای شماره ICC-01/11-01/11، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر آقای عبدالله السنوسی علیه رأی ۱۱ اکتبر ۲۰۱۳ دادگاه مقدماتی ۱ با عنوان «رأی در مورد قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه عبدالله السنوسی»، (۲۴ جولای ۲۰۱۴)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1807073.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1807073.pdf)

### دادگاه مقدماتی ۱ – قذافی

دادستان علیه سیف الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی، دعوای شماره ICC-01/11-01/11، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه سیف الاسلام قذافی، (۳۱ مه ۲۰۱۳)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1599307.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1599307.pdf)

### دادگاه تجدید نظر – قذافی

دادستان علیه سیف الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی، دعوای شماره ICC-01/11-01/11، دادگاه بین‌المللی جزایی، رأی در مورد درخواست تجدید نظر آقای سیف الاسلام قذافی علیه رأی ۳۱ مه ۲۰۱۳ دادگاه مقدماتی ۱ با عنوان «رأی در مورد قابلیت طرح دعوا در دادگاه علیه سیف الاسلام قذافی»، (۲۱ مه ۲۰۱۴)،  
[www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1779877.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc1779877.pdf)

ویرایش متن انگلیسی: *مردیت بارجز (Meredith Barges)*  
طراحی متن انگلیسی: *کِرسْتین وُودِر دین (Kerstin Vogdes Diehn)*  
([www.kvdesign.net](http://www.kvdesign.net))

نظام‌های ملی قضایی و دادگاه بین‌المللی جزایی (ICC) چه نسبتی با هم دارند؟ نظام‌های ملی قضایی چگونه باید در مورد اتهام‌های مربوط به جنایت‌های مهم بین‌المللی (جنایت‌های جنگی، جنایت‌های ضد بشریت و نسل‌کشی) تحقیق کنند و دادگاه بین‌المللی جزایی چه زمانی مجاز به مداخله است؟ این کتاب راهنما این موضوع‌ها را معرفی می‌کند و هدف آن اشخاصی است که در پی آشنایی با دادگاه بین‌المللی جزایی و «اصل تکمیلی بودن» آن هستند. این کتاب راهنما منطق حقوقی و سیاسی اصل تکمیلی بودن و تفسیر دادگاه بین‌المللی جزایی از آن را تاکنون توضیح می‌دهد. این کتاب مشخص می‌کند که دادستان‌های ملی، جامعه‌ی مدنی و عواملان بین‌المللی چکار می‌توانند بکنند تا مطمئن شوند که نظام‌های ملی قضایی تعهدات خود را در پیگیری عدالت در نقاطی که جنایت‌های بین‌المللی رخ داده رعایت کنند.

**Handbook on Complementarity: An Introduction to the Role of National Courts and the ICC in Prosecuting International Crimes**

By Paul Seils

ICTJ, 2016

**Translator (Persian):** Khalil Rostamkhani

**Cover design & Layout:** Rooholamin Amini

Politis Asia No. 20

**Editors:** Guissou Jahangiri and Khalil Rostamkhani

**Publisher:** Armanshahr

**First edition:** 2017

**Print-run:** 1,000 copies

All rights reserved for the publisher.

This publication has been produced with the financial assistance of the Heinrich Böll Foundation (HBS). The responsibility for the publication lies with Armanshahr Foundation and for the contents with the writer and they can in no way be assumed to reflect the views of the above institutions.

This translation was managed by Armanshahr Foundation/OPEN ASIA. Any discrepancies between it and the original are the responsibility of Armanshahr Foundation/OPEN ASIA. For the original text published by the International Center for Transitional Justice, see [www.ictj.org/publication/handbook-complementarity](http://www.ictj.org/publication/handbook-complementarity).